



روزنامه سیاسی، اجتماعی و فرهنگی صبح ایران
شنبه ۵ مهر ۱۴۰۴ - ۴ ربیع الثانی ۱۴۴۷
سال بیست و هفتم - شماره ۷۴۰۹ - ۱۶ صفحه
قیمت: ۱۰۰۰۰ تومان

سرمقاله

راز اصرار بر «مذاکره و ملاقات» به هر قیمت چیست؟



عبدالله کنجی
کارشناس سیاسی

برخی از نخبگان سیاسی - رسانه‌ای و روشنفکری کشور در مذاکره بین ایران و غرب، مطلقاً ایران را مقصر و منشأ اختلافات می‌دانند و حتی نقد ملموسی را علیه آمریکا نمی‌نویسند، هیچ دلیلی را برای عدم مذاکره نمی‌پذیرند و هیچ پیش شرط و خط قرمز هم برای شروع مذاکره و توافق اعلام نمی‌کنند.

دقت در مصادیق انسانی و گروهی این جماعت می‌تواند به فهم علل این کلی‌گویی و کلی‌خواهی کمک کند. ابتدا دو دلیلی را که ممکن است زمینه و زیرساخت مطالبه‌شان باشد، بررسی و نسبت آنان با این دو موضوع را ارزیابی نماییم و سپس به راز اصلی اصرار و ابرام برسیم. یکم: ممکن است گفته شود این جماعت نگران معیشت مردم هستند و بر این باورند که با مذاکره، رفع تحریم صورت می‌گیرد و مردم از فشار موجود و تورم رهایی می‌یابند. از منظر گفتمانی به مواضع، میتینگ‌ها، رسانه‌ها و بیانیه‌های این جماعت که می‌نگریم، معیشت نه‌دال مرکزی گفتمان آنهاست و نه جزو دال‌های شناور و تهی و عناصر گفتمانی است. عناصر اصلی گفتمانی آنان عبارت است از «دموکراسی»، «انتخابات آزاد»، «دین فردی»، «جدایی نهاد دین از سیاست»، «توسعه سیاسی»، «صلاحت جامعه‌محور»، «فنی اسلام اجتماعی و سیاسی»... بنابراین معیشت نه‌دغدغه آنان است و نه جزو گفتمان آنان می‌باشد و نه در جالش با حکومت مسئله‌شان این بوده است.

دوم: ممکن است گفته شود دغدغه آنان حفظ ماهیت (ساختار) و موجودیت نظام اسلامی است. نگران هستند در تنش‌های بیرونی موجود و مشکلات و ناترازی‌های داخلی دیالکتیکی رخ دهد و نظام با مشکل ماهوی مواجه شود و تلاش می‌کنند این اتفاق نیفتد. بدون تردید این جماعت چنین نیتند. آنان بارها نوشته و گفته‌اند که به دنبال گذار به نظام دموکراتیک (بخوانید نظام غیردینی) هستند و با صراحت نوشته‌اند: «اصلاح‌طلبی بدون بسور و برگرد یعنی دموکراسی خواهی» و از سوی نظریه‌پردازان کردند که برای گذار به دموکراسی اگر حذف ولایت فقیه بر هزینه است باید آن را شش‌بغتی کنیم و با مشروطه کردن آن، گذار از «یکه‌سالاری» به «مردم‌سالاری» را محقق سازند. البته برتی این گذار سلاح را تجویز نمی‌کنند و انقلاب را خصوصت‌بار می‌دانند. اما از روی خیابانی به روش مسالمت‌آمیز موافقت در خواست تأسیس مجلس مؤسسان که نام دو فرزند وزیر و برخی مدیران سابق جمهوری اسلامی نیز در بین آنان هست، گواه همین موضوع است که موجودیت جمهوری اسلامی با شاکله فعلی و حاکمیت دینی کلا برایشان موضوعیت ندارد و فعلاً آن را تحمل و همه راه‌های گذار مسالمت‌آمیز برای نبود ساختار فعلی را هر روز مرور می‌کنند و از سوی دیگر با سیاست‌های کلی نظام که سند بالادستی اداره کشور و تبلور عملی - حقوقی ولایت فقیه در اداره کشور است می‌جنگند و بیانیه صادر می‌کنند. پس هدف آنان حفظ و صیانت از نظام جمهوری اسلامی با ماهیت و شاکله موجود نیست.

سوم: حال که دو گزاره بالا روشن شد، سؤال این است که: آیا اینکه می‌دانند آمریکا خواستار نابودی صنعت هسته‌ای صلح‌آمیز و قدرت دفاعی و موشکی کشور است، چرابر ملاقات و مذاکره اصرار دارند؟ یا اینکه رئیس‌جمهور آمریکا رسماً تسلیم خواهی را برای ایران تجویز کرده است و بعد از بمباران هسته‌ای مدل زاین پس از جنگ دوم جهانی را اعلام می‌کنند، چرا باز اصرار بر مذاکره دارند؟ و چرا رفتن یزشکیان به سازمان ملل بدون دست دادن و ملاقات با ترامپ را فرصت‌سوزی و سفر وی را «بی‌خاصیت» اعلام می‌کنند؟

راز داستان همین‌جاست! این جماعت از ۱۵ سال پیش وقتی دموکراسی‌اسیون و سکولاریزاسیون مدنظر را نتوانستند پیش ببرند، نرمال شدن جمهوری اسلامی را مطرح کردند و وضعیت ایران موجود را وضعیت «استثنایی» دانستند که باید از حالت انقلابی به حالت عادی حرکت کند. انقلابی بودن را غیرعادی و استثنایی دانستند و مانند بقیه کشور - خصوصاً اروپایی‌ها - شدن را نرمال دانستند. راز اصلی اینجاست که مهم‌ترین شرط نرمال شدن را خوانش «دیگری» از «دشمن» می‌دانند. دیگری که غیریت که صرفاً از ما بده‌بستان می‌خواهد و ایران انقلابی با خوانش دشمن از آن به دنبال استمرار روح اسلام انقلابی در کشور است. قاعده نرمال شدن زمانی مطلوب آنان می‌شود که رابطه ایران و آمریکا از خطوط قرمز عبور و «گار د انقلابی» در مقابل «استکبار جهانخواه» فرو بریزد و ایران مانند عربستان، امارات، مصر و... گردد.

بر این باورند که دست دادن رئیس‌جمهور ایران و آمریکا آن هیبت انقلابی را فرمی که کاهد و ذهینت انقلابی در مقابل دشمن قسم‌خورده را به ذهنیت در مقابل «دیگری» که قابل معامله است، تقلیل می‌دهد! بقیه در صفحه ۲

هیچ کدام از پیشنهادهای ایران برای برون‌رفت از بن‌بست پذیرفته نشد

سماجت اروپا بر تقابل

یزشکیان: گفت و گو با «اروپای دنباله‌رو اسرائیل» معنایی ندارد

از یک سال قبل که زمزمه‌ها درباره فعال‌سازی سازوکار موسوم به ماشه یا همان استنپ‌بک بازگشت هر شش قطعنامه سازمان ملل بر سر زبان‌ها افتاد، بسیاری از کارشناسان بر این تأکید داشتند که اروپایی‌ها، با هر درجه از تدبیر ایران، از به کارگیری این ابزار صرف‌نظر خواهند کرد. پس از فراز و نشیب‌های فراوان طی یک سال گذشته میان ایران و ترویکای اروپایی و به‌رغم حسن‌نیت‌های پیاپی ایران، عملاً شکی باقی نمانده که اروپایی‌ها قصد دیگری غیر از به کارگیری این سازوکار نداشتند



۵ هزار مگاوات برق هسته‌ای جدید

موافقت‌نامه اجرایی ساخت و احداث ۴ واحد نیروگاه اتمی از نوع نسل سوم و پیشرفته به ارزش ۲۵ میلیارد دلار بین ایران و روسیه امضا شد

صفحه ۴

ویدئو: عظیم‌نیا | دبیر گروه اقتصادی



تعظیم هندبال آسیا به پسران ایران

شهبازورزی | خبرنگار گروه ورزشی

در ادامه سرمایه‌گذاری قدراسیون هندبال روی تیم‌های پایه، این‌بار نوبت تیم پسران زیر ۱۷ سال بود که بدرخشند و با قهرمانی در آسیا مزد تلاش‌هایشان را بگیرند. نخستین دوره رقابت‌های قهرمانی پسران زیر ۱۷ سال آسیا، در اردن برگزار شد و در حالی که تیم‌های مدعی حضور داشتند، این تیم کشورمان بود که بدون حتی یک باخت جام قهرمانی را بالای سر برد. تیم ملی نوجوانان پس از سه برد برابر تیم‌های مالدیو، سوریه و کره جنوبی، در مرحله دوم کویت، اردن و قطر را نیز شکست داد. در نیمه‌نهایی و در آستانه جهانی شدن پسران ایران بحرین را نیز از پیش‌رو برداشتند تا هم جشن صعود به فینال را بگیرند و هم سهمیه جهانی کسب کنند. کرای‌ها که یک‌بار در مرحله مقدماتی با شش گل اختلاف مقابل ایران شکست را تجربه کرده بودند، با ثبت باخت ۲۸ بر ۲۵، سکوی قهرمانی به دست ایرانی‌ها فتح شد | صفحه ۱۲



عدالت آموزشی به برخی جاها نرسیده است!

مهساگرینی | خبرنگار گروه اجتماعی

در حالی که هر روز صحبت از پیشرفت و عدالت آموزشی می‌شود، واقعیت‌های تلخ در جای جای کشور نشان می‌دهد هنوز برخی از کودکان و نوجوانان به حد ابتدایی خود، یعنی تحصیل در دسترس و با کیفیت، دست نیافته‌اند. چهار روستای نزدیک به هم در حاشیه هواز، با جمعیتی بیش از ۳ هزار نفر، همچنان بدون مدرسه مقطع متوسطه هستند. دانش‌آموزان این روستاها، برای رسیدن به نزدیک‌ترین مدرسه که در روستای دیگری قرار دارد باید مسیر طولانی را طی کنند و همچنین از یک آزادانه بر خطر نیز بگذرند، جاده‌ای که عمده والدین، به‌ویژه خانواده‌های دختران، حاضر نیستند اجازه دهند فرزندانشان هر روز از آن رد شوند. این شرایط ترکیبی از محرومیت جغرافیایی، فشار اقتصادی و کم‌توجهی مسئولان است که منجر به ترک تحصیل بیش از ۴۰ دانش‌آموز در سال تحصیلی پیش‌رو شده است | صفحه ۳

می‌گفت در لیست شهداییم

اما نوبت به نوبت

شکوه‌زبانی

دوم تیر امسال که سردار مهدی بصائری در حمله رژیم صهیونیستی به کشورمان به شهادت رسید، در آستانه بازنشستگی بود. او سال‌ها در سپاه خدمت کرد و درست زمانی که قرار بود رخصت رزم را از تن خارج کند، در جنگ با شقی‌ترین دشمنان اسلام آسمانی شد. حاج‌مهدی، نمونه‌ای از یک رزمنده بی‌ادعا و گمنام بود که مزد سال‌ها خدمتش در لباس سبز پاسداری را با شهادت گرفت. اگر بصائری، همسر شهید می‌گوید: یکی

یادداشت سیاسی

حسین عبداللہی‌فر

راه سید مقاومت با ماندگاری حزب‌الله ادامه دارد

راه سید در لبنان و به دست حزب‌الله ادامه دارد و این موضوعی نیست که صهیونیسم بین‌الملل و حامیان مستکبر آنها در آمریکا و اروپا از آن غافل باشند. آنها می‌دانند تا زمانی که حزب‌الله دارای قدرت ایستادگی و بازدارندگی در منطقه است، تضعیف جبهه مقاومت ممکن نخواهد بود. لذا از حزب‌الله به عنوان ام‌المقاومه و منشأ قدرت مقاومت در منطقه یاد کرده و بر این باورند که هر آسیبی به جبهه مقاومت به جز حزب‌الله قابل جبران است | صفحه ۲

یادداشت سیاسی

داود عامری

آموزدهای دفاع مقدس و مقاومت ملی در جنگ ۱۲ روزه

از مهم‌ترین آموزدهای دفاع مقدس، نقش برتر آن در وحدت و انسجام ملی با تکیه به رهبری ولایت است. وحدت فرماندهی در دفاع مقدس و اهتمام ملت بزرگ ایران به راهبری حضرت امام، یکی از رموز مهم پیروزی ایران در دفاع مقدس بود و در جنگ تحمیلی ۱۲ روزه نیز نقش و تأثیر رهبر معظم انقلاب در هدایت کشور و نیروهای مسلح و همسویی ملت با فرامین رهبری موجب همبستگی همه ارکان کشور و تقمیس‌کننده پیروزی سرفرازانه ملت ایران شد | صفحه ۲

یادداشت اجتماعی

مهدی مولایی

آقای رئیس‌جمهور! ممنون

شاید وجهه کلی سخنرانی اخیر رئیس‌جمهور در سازمان ملل را بتوان بازتابی صریح و صحیح از فرمایش معروف امیرالمؤمنین علیه‌السلام در تومیه به مالک اشتر دید که «کونوا للظالم مسلماً و للمظلوم عوناً» که با ظالمان دشمن و یاور مظلومان باشید. سخنرانی رئیس‌جمهور نمود کامل دشمنی با ظالمان و مستکبران و حمایت از مظلومان از بین ولایت تا سوره به غزه بود. اینک وظیفه رسانه‌ها و اهل قلم است که چنین ویوکردی را پاس بدارند و عمق پیام آن را برجسته کنند | صفحه ۲



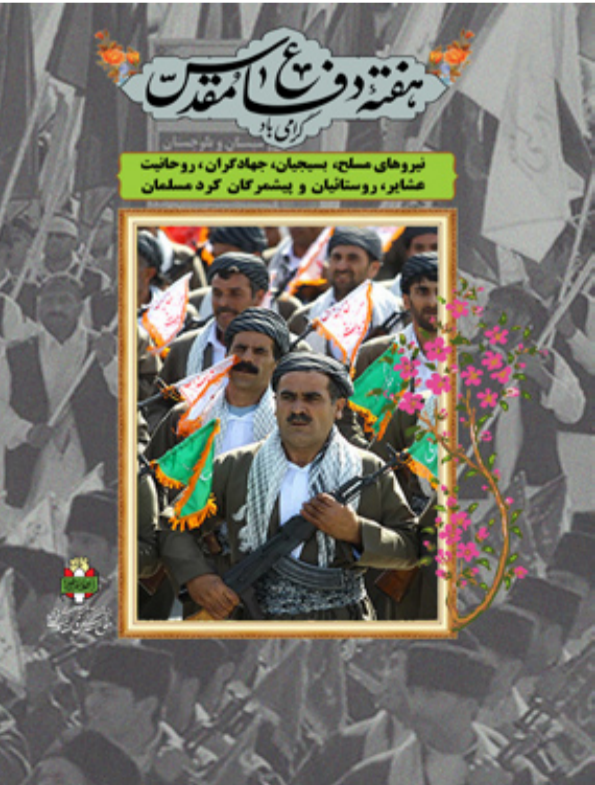
ترک و تمسخر و تظاهرات

هنگام سخنرانی نتانیاها در سازمان ملل بیشتر مستمعان جلسه را ترک کردند و اندک کسانی هم که باقی ماندند در لحظاتی به تمسخر او پرداختند. از جمله وقتی نتانیاها درباره غذارسانی به غزه سخن می‌گفت با تمسخر حضار روپرو شد. او هم گفت «بخندید!» این در حالی بود که در بیرون از سازمان ملل، جمعیتی تظاهرکننده حضور قصاب غزه را در مجمع عمومی سازمان ملل محکوم می‌کردند

نتانیاها در روز سخنرانی خود در مجمع عمومی سازمان ملل بار دیگر تلاش کرد جنایات ارتش صهیونیستی در غزه و حملات به کشورهای اسلامی را به عنوان اقدامی «در مقابله با تروریسم» توجیه کند و مدعی شد که اسرائیل این اقدامات را به نیابت از جهانیان انجام می‌دهد تا ملت‌های دیگر در صلح و امنیت زندگی کنند و از رهبران سایر کشورها انتقاد کرد که باید قدران اسرائیل باشند نه اینکه با به رسمیت شناختن فلسطین از تل آویو فاصله بگیرند. نخست‌وزیر صهیونیستی مطابق روال گذشته، با نمایش نقاشی‌های کودکان، ایران و گروه‌های مقاومت را عامل بی‌ثباتی در خاورمیانه معرفی و تلاش کرد جنایات ارتش اسرائیل را مشروع جلوه دهد. او حتی مدعی شد تل آویو به ساکنان غزه کمک می‌رساند اما حماس آن را سرقت می‌کند، ادعایی که با تمسخر و خنده حضار روبه‌رو شد. این سخنرانی همان طور که پیش‌بینی می‌شد حواشی زیادی داشت و بسیاری از هیئت‌های سیاسی سخن سازمان ملل را ترک کردند و همزمان اعتراضاتی مقابل مقر سازمان برگزار شد تا آتروا و نفرت جهانی از اسرائیل را به نمایش بگذارند | صفحه ۱۵

همه راه‌ها را رفتیم، اما کدام عاقلی توان دفاعی خود را به مذاکره می‌گذارد؟

علی لاریجانی، دبیر شورای عالی امنیت ملی، ما دنبال حل مسئله هستیم، ولی سؤال این است که آیا کسی از سیاستمداران کشور هست که بگوید ما امروز برد موشک‌ها را زیر ۵۰۰ کیلومتری می‌بریم! مسلم است که در برابر این شرط حتماً ایران ایستادگی می‌کند و نه تنها ایستادگی، نوی دهان آنها هم می‌زند. ملت ایران باید بدانند مشکل سر این نیست که مثلاً بنشینیم یا هم مذاکره کنیم، کسی با مذاکره مخالف نیست، اما اگر گفتند مذاکره‌ای که آخرش آن چیزی باشد که آنها می‌خواهند، چنین مذاکره‌ای را هیچ آدم عاقلی نمی‌پذیرد | صفحه ۲



در حالی که هر روز صحبت از پیشرفت و عدالت آموزشی می‌شود، واقعیت‌های تلخ در جای جای کشور نشان می‌دهد هنوز برخی از کسود کان و نوجوانان به حلق ابتدایی خود، یعنی تحصیل در دسترس و باکیفیت، دست نیافته‌اند. چهار روستای نزدیک به هم در حاشیه اهواز، با جمعیتی بیش از ۳ هزار نفر، همچنان بدون مدرسه مقطع متوسطه هستند. دانش آموزان این روستاها، برای رسیدن به نزدیک‌ترین مدرسه که در روستای دیگری قرار دارد باید مسیر طولانی را طی کنند و همچنین از یک آزادراه پرخطر نیز بگذرند، جاده‌ای که عمده والدین، به ویژه خانواده‌های دختران، حاضر نیستند اجازه دهند فرزندانشان هر روز از آن رد شوند. این شرایط تاریکی از محرومیت جغرافیایی، فشار اقتصادی و کم توجهی مسئولان است که منجر به ترک تحصیل بیش از ۴۰ دانش آموز در سال تحصیلی پیش‌رو شده‌است. در شرایطی که هزینه‌های سرویس مدرسه در این روستا به ماهی یک میلیون تومان رسیده و بسیاری از خانواده‌ها توان تأمین آن را ندارند، دانش‌آموزان مستعد و باانگیزه ناچار به تسلیم هستند و این محرومیتی است که نه فقط زندگی فردی آنها را، بلکه کل جامعه را تحت‌تأثیر خود قرار می‌دهد. در همین حال، تلاش‌های محلی برای یافتن راه‌حلی موقتی نیز بی‌نتیجه مانده و حتی نهادهای دولتی حاضر نشدند حداقل امکانات را در اختیار این دانش‌آموزان بگذارند.

۴ روستا بدون حتی یک دبیرستان

چهار روستا در حاشیه اهواز با نام‌های بروایه تریچی، بروایه حیدر، بروایه قاطع و بروایه البوعزیز، در مجموع میزبان بیش از ۳ هزار نفر جمعیت هستند، اما با وجود این تعداد سکنه، در هیچ‌یک از آنها مدرسه‌ای برای تحصیل دانش‌آموزان در مقطع اول و دوم دبیرستان وجود ندارد.

حیدرزاده، رئیس شورای روستاهای بروایه تریچی و بروایه حیدر، از این وضعیت به شدت انتقاد می‌کند و با لحنی آمیخته به ناامیدی و خشم می‌گوید: «۳۴ دانش‌آموز از این روستاها امسال ترک تحصیل کرده‌اند. نه به دلیل بی‌علاقگی، بلکه چون اصلاً جایی برای ادامه تحصیل‌شان وجود ندارد.»

او ادامه می‌دهد: «تنها گزینه‌ای که برای این بچه‌ها باقی می‌ماند، رفتن به مدرسه‌ای در روستای مجاور است. مسیری حدود ۱۵ کیلومتری، که تنها از طریق آزادراه قابل دسترسی است. خانواده‌ها، مخصوصاً آنها که فرزند دختر دارند، حاضر نیستند فرزندان‌شان را هر روز در آن مسیر خطرناک روانه مدرسه کنند.» این مسافت نه تنها مخاطره‌آمیز است، بلکه از نظر مالی نیز برای بسیاری از خانواده‌ها قابل مدیریت نیست. هزینه‌های تردد به‌شدت بالا رفته و فقر مالی به تنهایی می‌تواند مانعی برای تحصیل یک نسل باشند. این داستان تلخی است که حالا برای ۴۴ دانش‌آموز اتفاق افتاده و در سال‌های آینده کودکان و نوجوانان دیگری نیز طعم تلخ این محرومیت و ترک تحصیل را زیر سایه بی‌توجهی مسئولان تجربه خواهند کرد.

قضایی

به موجب دستورالعمل رئیس قوه‌قضائیه مقرر شد

اختصاص شعب تخصصی برای پرونده‌های کثیرالشاکی و مهم و ملی



شعب رسیدگی کننده به این پرونده‌ها، «نظارت بر روند رسیدگی به پرونده به ویژه اوقات دادرسی» و همچنین «اتخاذ تدابیر قانونی لازم با هدف تسریع و تسهیل اجرای حکم و جبران زیان مالباختگان از قبیل اعطای ارفاق‌های قانونی مانند آزادی تحت نظارت سامانه‌های الکترونیکی» را انجام دهند.

طبق مفاد دستورالعمل مذکور، رئیس شعبه رسیدگی کننده به پرونده‌های موضوع این دستورالعمل، بافاصله پس از ارجاع و مطالعه پرونده باید اقداماتی نظیر «بررسی و اظهارنظر در مورد صلاحیت یا عدم صلاحیت شعبه جهت رسیدگی به پرونده»، «بررسی پرونده حسب مورد از حیث کامل بودن محتویات و پیوسته‌های دادخواست، اسناد و مدارک لازم در ارتباط با موضوع اتهام یا خواسته»، «دقت در تعیین اوقات نظارت»، «دقت در لزوم تعیین کارشناس مربوط، تعیین دقیق موضوع کارشناسی و مهلت اعلام نظر کارشناس»، «اهتمام بر شناسایی فوری، توقیف و حفظ اموال و عواید ناشی از جرم به منظور تسهیل در جبران زیان مالباختگان»، «تسریع در

جامعه

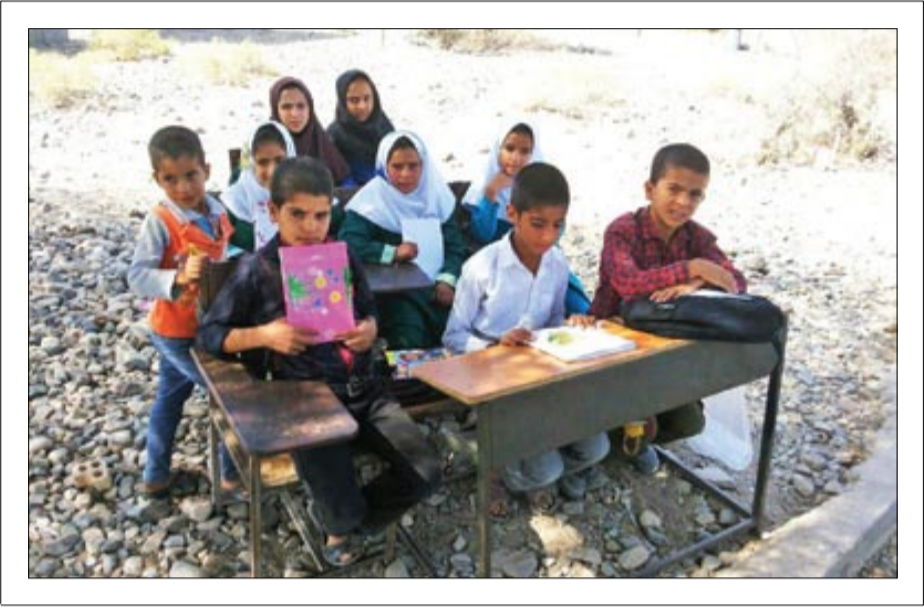
سرویس اجتماعی ۶۰ ۸۵۲۳۰

۳ هزار نفر، صفر دبیرستان

عدالت آموزشی به برخی جاها نرسیده‌است!

رئیس شورای روستاهای بروایه تریچی و بروایه حیدر در گفت‌وگو با «جوان»:

۴۲ دانش آموز از این روستاها امسال ترک تحصیل کرده‌اند. نه به دلیل بی‌علاقگی، بلکه چون جایی برای ادامه تحصیل‌شان وجود ندارد



تنباهی آینده‌دانش‌آموزان با فقر و فاصله

برای خانواده‌هایی که در این روستاها زندگی می‌کنند، تأمین هزینه سرویس مدرسه، بویژه برای چند فرزند، امری تقریباً ناممکن است. حیدرزاده با اشاره به شرایط سخت اقتصادی خانواده‌ها می‌گوید: «سال گذشته، وقتی دیدیم مسئولان هیچ توجهی به این مشکل ندارند، مردم خودشان استئین بالا زدند. با زحمت زیاد، توانستیم برای مدتی سرویس رفت‌وآمد تأمین کنیم، اما امسال دیگر توان مالی مردم هم به ته خط رسیده‌است.»

او ادامه می‌دهد: «حالا این خانواده‌های کم‌برخوردار، علاوه بر تمام مشکلات اقتصادی‌شان، با معضل ترک تحصیل فرزندان‌شان هم روبه‌رو شده‌اند. سؤال من از مسئولان این است: وقتی بچه‌ای مدرسه ندارد، آینده‌اش را بسازد؟» این ترک تحصیل، فقط پایان مدرسه نیست، آغاز زنجیره‌ای از آسیب‌هاست که در سال‌های بعد، آثار آن در بیکاری، فقر پایدار، مهاجرت اجباری و حتی اعتیاد و طرد اجتماعی نمایان می‌شود.

حتی حداقل‌ها را هم نگذاشتند

بر اساس گفته‌های حیدرزاده، شورای روستا با نهادهای مسئول، از جمله سازمان نوسازی مدارس و نماینده مجلس، مذاکراتی برای احداث مدرسه انجام داده‌است. حتی زمین برای ساخت مدرسه آماده شده، اما پاسخ دریافت‌شده ناامیدکننده بوده‌است: «به ما گفتند تعداد دانش‌آموزان به حد نصاب نرسیده، بنابراین امکان ساخت مدرسه جدید وجود ندارد. ما گفتیم حتی

شده یک کاتکس آموزشی بدهید، که بچه‌ها حداقل در آن ادامه تحصیل بدهند، اما همین حداقل هم محقق نشد.»

این در حالی است که بسیاری از پروژه‌های بزرگ صنعتی و نفتی از زیرساخت‌های این روستاها بهره‌برداری می‌کنند. لوله‌های نفت از دل همین زمین‌ها عبور می‌کنند، جاده‌های روستاها توسط ماشین‌آلات پروژه‌های ملی اشغال می‌شود، اما سهم بچه‌های روستا، حتی یک کلاس درس ساده هم نیست.

حیدرزاده با حسرت ادامه می‌دهد: «ما دانش‌آموزانی داشتیم که با همین امکانات که توانستند وکیل شوند، پرستار شدند، اما امروز بچه‌هایی با همان استعداد، فقط چون مدرسه‌ای در دسترس ندارند، ناچارند ترک تحصیل کنند. این یعنی از دست دادن آینده‌ای که می‌توانست ساخته شود.»

روایت تلخ دانش‌آموزان محروم از تحصیل

دانش‌آموزی که قرار بود امسال وارد پایه یازدهم شود، حالا به دلیل نبود مدرسه و مشکلات رفت‌وآمد، این روستاها را تقد می‌کند و می‌گوید: «این مسئله مربوط به یکی دو دانش‌آموز نیست. چند ده دانش‌آموز از روستاهای مختلف به مدرسه‌ای نزدیک‌ترین روستا مراجعه می‌کنند که حتی آن هم برای‌شان دور است. بسیاری از خانواده‌ها به دلیل ناتوانی مالی قادر به پرداخت هزینه سرویس یا کرایه رفت‌وآمد نیستند و



روزنامه جوان | شماره ۷۴۰۹

وقتی توان تأمین این هزینه‌ها را ندارند، اجازه نمی‌دهند فرزندان‌شان ادامه تحصیل بدهند.»

او درباره تأثیر این مشکلات بر آینده دانش‌آموزان هشدار می‌دهد: «موضوعی که می‌تواند آینه این بچه‌ها را کاملاً تغییر دهد. هر سال با این چالش تکراری روبه‌رو هستیم و متأسفانه آموزش و پرورش هیچ اقدام مؤثری در این رابطه انجام نمی‌دهد.»

این معلم با اشاره به عملکرد اداره آموزش و پرورش اضافه می‌کند: «بعد از آن، اداره فقط یک بخشنامه صادر می‌کند و مبلغی ناچیز به حساب دانش‌آموزان واریز می‌شود؛ مبلغی که حتی به اندازه هزینه رفت‌وآمد آنها نیست. این باعث می‌شود دانش‌آموزان به جای ادامه تحصیل وارد بازار کار شوند و کمک خرج خانواده باشند. اینده‌ای که می‌توانست روشن باشد، به این شکل تاریک می‌شود.»

او با تأکید بر حق تحصیل برای همه کودکان و نوجوانان می‌گوید: «هر کودک حق دارد شرایط تحصیل برایش تسهیل شود و اگر قرار است برنامه‌هایی مانند شاد مشکلات حضور در مدرسه را حل کند، باید به این بچه‌ها کمک کرد. معلم باید بتواند درس را برایشان بفرستد و به صورت آنلاین آنها را همراهی کند، اما لازمه این کار، فراهم کردن اینترنت با کیفیت و گوشی هوشمند برای دانش‌آموزان است.»

و در پایان با لحنی دلسوزانه اظهار می‌دارد: «بالاخره باید کاری برای این بچه‌ها انجام شود و این وضعیت‌رها

شده، دیگر قابل تحمل نیست.»

آرزوهایی که به مدرسه نمی‌رسد

در حالی که هر روز از «عدالت آموزشی» و «دسترسی برابر» حرف زده می‌شود، واقعیت در همین گوشه‌ای از خوزستان چیز دیگری است، جایی که آرزوی ساده بعضی از بچه‌ها، فقط داشتن یک کلاس درس است، حتی اگر در یک کاتکس فرسوده باشد.

در دل چهار روستا با جمعیتی بیش از ۳ هزار نفر، حتی یک دبیرستان وجود ندارد. جاده‌ای که به مدرسه ختم می‌شود، نه تنها ۱۵ کیلومتر دورتر است، بلکه از دل یک آزادراه خطرناک می‌گذرد. همین فاصله و ۱۰ سال تحصیل مستمر، درست زمانی که می‌خواستیم وارد پایه یازدهم شوم، به دلیل دوری خانه‌مان از

مدرسه، مجبور شدم درس را رها کنم. هر دانش‌آموز حق دارد به مدرسه و کلاس درس دسترسی داشته باشد. اگر ما از این حق محروم هستیم، حداقل باید برای رفت‌وآمدمان تسهیلاتی فراهم شود.»

مهسا با حسرت می‌پرسد: «ما چه گناهی کردیم که در روستای زندگی می‌کنیم که حتی دبیرستان نداریم؟»

آموزش و پرورش در محل مشکل کتاهی می‌کند

یکی از معلمان مدرسه در این مناطق که نمی‌خواهد نامش فاش شود، به صورت صریح وضعیت آموزش در این روستاها را تقد می‌کند و می‌گوید: «این مسئله مربوط به یکی دو دانش‌آموز نیست. چند ده دانش‌آموز از روستاهای مختلف به مدرسه‌ای نزدیک‌ترین روستا مراجعه می‌کنند که حتی آن هم برای‌شان دور است. بسیاری از خانواده‌ها به دلیل ناتوانی مالی قادر به پرداخت هزینه سرویس یا کرایه رفت‌وآمد نیستند و

کتابچه

معاون سازمان آتش‌نشانی تهران اعلام کرد

۷۸ هزار ساختمان ناایمن در تهران شناسایی شده‌است



معاون پیشگیری سازمان آتش‌نشانی تهران با بیان اینکه تاکنون ۷۸ هزار و ۹۰۹ ساختمان ناایمن در پایتخت شناسایی و مورد بازدید قرار گرفته‌اند، بیشترین سهم آنها را مربوط به واحدهای تجاری عنوان کرد و گفت: تعداد ساختمان‌های بحرانی طی یک سال و نیم گذشته از ۱۲۹ ساختمان به ۶۰ مورد کاهش یافته و ساختمان‌ها همچنان تحت پیگیری قضایی و ایمنی قرار دارند و انتظار می‌رود تا پایان سال به حداقل برسد.

تهران قرار دارند. از مجموع ۶۰ ساختمان بحرانی، ۳۴ مورد ساختمان تجاری، ۱۲ ساختمان مسکونی قدیمی، دو مرکز اقامتی، دو انبار و چهار بیمارستان وجود دارد. بیمارستان‌های یاد شده شامل یافت‌آباد، سینا، امام خمینی (ره) و حضرت رسول اکرم هستند که متأسفانه برخی از آنها همکاری لازم برای ایمن‌سازی را نداشته‌اند.

۱۰ ساختمان پرخطر از نواحی تهران برای خروج سالانه معاون پیشگیری سازمان آتش‌نشانی تهران افزود: بر اساس مصوبه شورای شهر، شهرداران نواحی موظف شده‌اند که سالانه حداقل ۱۰ ساختمان پرخطر را از شرایط بحرانی خارج و ارتقا دهند. این الزام در ارزیابی سالانه شهرداران نواحی تأثیر زیادی دارد و عملکرد آنها در تقای ایمنی حتی ادامه‌فعالیت‌مدیریتی آنها مؤثر خواهد بود.

۱۰ ساختمان‌های پرخطر و بحرانی پایتخت تحت نظارت آتش‌نشانی و شهرداری تهران

عبدولی یادآور شد، ساختمان‌های پرخطر و بحرانی همچنان تحت نظر شهرداری و آتش‌نشانی و شهرداری تهران هستند و پیگیری برای ارتقای ایمنی آنها تا رسیدن به استانداردهای کامل ادامه خواهد داشت.

معاون پیشگیری سازمان آتش‌نشانی تهران همچنین در پایان به ایستادن داد: در صورت نشانی، رؤسای ایستگاه‌ها موظف شده‌اند تا ایمنی‌ها و موارد پرخطر در محدوده تحت پوشش خود را شناسایی و پیگیری کنند و در صورت نیاز از طریق مکاتبات رسمی گزارش دهند.



آقای رئیس

جمهور! ممنون

سخنرانی اخیر رئیس‌جمهور، دکتر مسعود یزشکیان، در مجمع عمومی سازمان ملل را می‌توان از مهم‌ترین حضورهای دیپلماتیک ایران در محافل جهانی در دوسال اخیر دانست؛ حضوری که به بازتاب مواضع رسمی کشور بستنده نگرد و بیه بازخوانی اصول انسانی مبارزه با جنایتکاران در صحنه جهانی پرداخت. در جهانی که سیاستمداران بسیاری داتما سخنان می‌گویند و کلما نشان همان قدر زود فراموش می‌شود که بسر زبان می‌آید، سخنرانی رئیس‌جمهور ایران مورد استقبال رسانه‌های بین‌المللی قرار گرفت. او با صدایی قاطع و لحنی استوار، یادشدهای مقاومت را گرمی داشت؛ مردانی که خوششان مرزهای جغرافیاری اشکست و نماد عزت یک ملت شدند. وقتی یزشکیان از کودکان غزه سخن گفت و از آوارگی و ویرانی، کلام او تنها بازتاب موضع یک دولت نبود؛ پژوگی بود از وجدان جمعی ملت‌های ازاده و گروه‌های حق‌طلب جهان که نمی‌خواهد در برابر ستم سکوت کند. در فضایی که بسیاری از رهبران غربی با واژگان سرد و بی‌روح و خشن صرفاً از «سناقشه» و «بحران» یاد می‌کردند، او بی‌برده از «جنایت»، «کشتار»، «تجاوز» و «شیخون درزانه» گفت و همین صراحت، به سخنانش وزنی اخلاقی و انسانی بخشید. بلند کردن تصاویر شهدای جنگ اخیر در مقابل چشم حاضران، اقدامی مبتکرانه و دقیق بود که توجه بسیاری به خود جلب کرد. اما شاید مهم‌تر از این، برهیزر آگاهانه و معنادر رئیس‌جمهور از توصیه‌های مضحک و دام‌های دیپلماتی نمایشی بود. ززمزه‌هایی از توصیه به دیدار با چهره‌هایی چون ترامپ در گوشه و کنار رسانه‌ها و از بعضی چهره‌های سیاسی شنیده می‌شده؛ ززمزه‌هایی که بیش از آنکه پیشنه‌های واقعی باشند، حربه‌ای برای مشوش کردن افکار عمومی و تضعیف انسجام ملی به‌نظر می‌رسیدند. یزشکیان اما هوشمندانه این بازی را به رسمیت نشناخت. سکوت معنادر او در برابر چنین پیشنهائاتی، در حقیقت فریادی بود در تأکید بر عزت ملی؛ ایران قرار نیست ملعبه نمایش‌های انتخاباتی یا رسانه‌ای سیاستمداران فراموژی باشد. او بعد از فرمایشات رهبر معظم انقلاب در خصوص مضر بودن مذاکره با امریکا، در فضای مجازی از نیویورک اقدام به بازتشریح سخنان رهبری در صحنه مجازی خود نمود. در همین چارچوب، تبعیت او از رهنمودهای رهبر انقلاب در خصوص مضر بودن مذاکره با امریکا، در صورتی که در عرصه بین‌الملل نه تنها نشان از بلوغ سیاسی دارد، بلکه اعتبار کشور را دوچندان می‌کند. آنچه در این سخنرانی مشهود بود، همسویی گفتار رئیس‌جمهور با اصول ثابت انقلاب و فرمایشات رهبر انقلاب و تجربه تاریخی ملت بود؛ اینکه مذاکره در شرایط تحمیل و فشار، نه راه‌حل، که تملای برای مصادره اراده ملت است.

این حضور و سخنرانی واحد دو جنبه مهم سیاسی بود: نخست، شجاعت در انتخاب واژگان و صراحت در تقدیم برده رژیم صهیونیستی در برابر چشم همگان، علاوه بر محلی و ناندیدگانگر محض در برابر روسته‌های پر زرق‌وبرق اما بی‌ثمر چهره‌های سیاسی و همصدایی با رهبر انقلاب در صحن سازمان ملل، ترکیب این دو خصیصه، تصویری از سیاست خارجی ایران ترسیم کرد که در هم صراحت و بر اخلاق است و هم پایبند به عقلائیست و وحدت در ارکان بالادستی نظام. شاید آنچه کلی سخنرانی اخیر رئیس‌جمهور در سازمان ملل را بتوان جزئی‌ترین صریح و صریح از فرمایش معروف امیرالمؤمنین علیه‌السلام در توصیه به مالک اشتر تدبید که «کونا للظالم خصما و للمظلوم عوناً» که با ظلمان دشمن و باور مظلومان باشید. سخنرانی رئیس‌جمهور نمود کامل دشمنی با ظالمان و مستکبران و حمایت از مظلومان از یمن و لبنان تا سوریه و غزه بود.

اینک وظیفه رسانه‌ها و اهل قلم است که چنین رویدکی را پاس بدارند و اینک پیامی از این برجسته‌ترین سخنرانی یزشکیان نه تنها ناشی‌برای دفاع از آرمان فلسطین و احترام به خون شهیدان بود، بلکه تذکری جدی به جهان داد که ایران در عین دفاع از مظلومان، حاضر نیست اصول و خطوط قرمز خود را در برابر لیخندهای فریبنده قدرت‌ها معامله کند.

حیدر

هشدار افزایش شدت آلاینده‌ها در اواسط هفته

اداره کل هواشناسی استان تهران ضمن هشدار درباره وزش باد شدید و احتمال گرد و خاک تا یکشنبه، از استقرار جوی پایدار و افزایش شدت آلاینده‌های دوشنبه خبر داد. اداره کل هواشناسی استان تهران با صدور هشدار سطح زرد از وزش باد شدید تا یکشنبه (۶مهر) خبر داد.

این سازمان اعلام کرده که وزش باد شدید به‌ویژه در بعد از ظهر و شب مورد انتظار است و در نیمه جنوبی و غربی استان تهران، به‌ویژه در نوار جنوبی و غربی رخ خواهد داد. وزش باد شدید در بعضی ساعات امروز، جمعه تا یکشنبه گاهی همراه با گرد و خاک خواهد بود.

در این شرایط با احتمال سقوط برخی اجسام از ارتفاع و خسارت به سازه‌های موقت مانند داربست‌ها و تابلوهای تبلیغاتی، آسیب به تجهیزات موجود در نقاط مرتفع مانند برج‌ها و دکل‌ها، در مناطق مستعد خیزش گرد و خاک، امکان گسترش گرد و خاک از استان‌های همجوار و کاهش کیفیت هوا و کاهش شمع غبار، خطر شکستن درختان کهنسال و نهال‌ها و امکان صدمه به پوشش گلخانه‌ها در دامنه و ارتفاعات شمالی، به‌ویژه ارتفاعات ربه‌رو، است.

در همین رابطه احتیاط در عبور و مرور جاده‌ای، اطمینان از استحکام سازه‌های موقت و سست ماندن داربست‌ها و تابلوهای تبلیغاتی، عدم استقرار در تأسیسات و مکان‌های مرتفع مانند برج‌ها و دکل‌ها، اجتناب از پرواز گلایدر و هواپیماهای سبک و بالگره، عدم تردد و توقف کنار درختان و سازه‌های نامطمئن، مسکرت‌سازی پوشش گلخانه‌ها، احتیاط کامل در انجام امور عمرانی، محافظت از تأسیسات حساس به گرد و خاک و استفاده از ماسک بهداشتی در مناطق متأثر از گرد و خاک توصیه شده‌است. همچنین باید در این شرایط در طبیعت گردی و کوهنوردی تا تردد و اتراف در حاشیه رودخانه‌ها و مسیل‌ها احتیاط کرد.

گفتنی است بر پایه واکاوی الگوهای همدیدی و بررسی نقشه‌های پیش‌بینی، طی پنج روز آینده آسمان استان تهران صاف تا قسمتی ابری در ساعات بعد از ظهر همراه با افزایش وزش باد خواهد بود.

هواشناسی تهران همچنین پیش‌بینی کرده‌است که از امشب تا یکشنبه، علاوه بر وزش باد در نیمه جنوبی و غربی در ارتفاعات، افزایش ابر، گاهی رگبار و رعد و برق پرکننده و وزش باد شدید مورد انتظار است. سپس در روز دوشنبه، با استقرار جوی نسبتاً پایدار و عدم وزش باد قابل ملاحظه در مناطق پرتردد شهری، افزایش نسبی آلاینده‌های جوی دور از انتظار نیست.

آسمان تهران شبیه (۵مهرماه) صاف تا قسمتی ابری از بعد از ظهر افزایش باد با حداقل دمای ۱۹ و حداکثر دمای ۲۹ درجه سانتیگراد و طی یکشنبه (۶مهرماه) صاف گاهی وزش باد با حداقل دمای ۱۹ و حداکثر دمای

۲۰ درجه سانتیگراد پیش‌بینی می‌شود.

هشدار زد، رنگ به معنای این است که پدیده‌ای جوی رخ خواهد داد که ممکن است در سفرها و انجام کارهای روزمره اختلالی را ایجاد کند. این هشدار برای آگاهی مردم صادر می‌شود تا بتوانند آمادگی لازم را برای مواجهه با پدیده‌ای جوی داشته باشند که در حالت معمول کمی شدت بیشتری دارد. از سوسوی دیگر مسئولان نیز در جریان این هشدارها قرار می‌گیرد تا لازم‌البدن تمهیداتی را بپذینند.

این صفحه پیام‌ها، متن‌ها، عکس‌نوشت‌ها و خبرهای کوتاه منتشر شده در فضای مجازی را بازنشر می‌دهد. تلاش بر این است که دیدگاه‌ها و نظرات کاربران اندیشمندان شبکه‌های اجتماعی در عرصه مکتوب هم دیده شود.



آیت‌الله محتهدی (ره) خوش به حال اون بنده‌هایی که وقتی از دنیا میرند خدا بهمون میگه، بنده من تنهات گذاشتند؟ همونطور که همیشه چشم امید به بخشش و کرم من داشتی از این به بعد نگران نباش منم اینس تنهاتیی تو.

تو خود ایرانی
محدثه اصلائی با درج این تصویر نوشت: تو خود ایرانی.



ظاهر بین‌ها می گویند چرا علی‌ه امریکا شعاری دهید
صفحه رسمی رهبر معظم انقلاب در فضای مجازی بخشی از سخنرانی اخیر ایشان را بازتاب داد و نوشت: کسانی که می‌گویند چرا علیه امریکا شعاری دهید یا چرا با مذاکره مستقیم مسائل ثان با امریکا را حل نمی‌کنید، ظاهریبینند؛ باطن مسئله حل نشدنی است. او می‌خواهد ایران گوش به فرمان باشد. ملت ایران از چنین اهانت بزرگی رنجیده می‌شود و با همه قدرت در مقابلش می‌ایستد. جنگ اخیر هم به خاطر همین بود.



شمسایی ماننددیر یک مدیر انقلابی
مهدی حاجی‌پور نوشت: فقط آقای دبیر نیست که هم متخصصه هم متعهد!...
۱۲ گیل‌بگلاش رو در هم کوئید و بعد هم با ۱۰ تا گل امارات رو در هم کوئید! سرمربی تیم کیه؟ آقا وحید شمسایی عزیز.



رودرویی چمران با نصرالله ۱۸ ساله
محدثه اصلائی نوشت: در زمان حمله اسرائیل چمران برای هر روستا یک فرمانده نظامی تعیین و جوانان آنجا را مسلح می‌کرد تا در مقابل اسرائیل مقاومت کنند. وقتی به سیدحسن نصرالله ۱۸ ساله حکم فرماندهی روستای بازوریه را داد سیدحسن گفت، اما من جوان هستم!
چمران با خوشرویی گفت: من از جوانان شجاع خوشم می‌آید.

شنبه ۵ مهر ۱۴۰۴ | ۴ رعب‌الثلثی ۱۴۴۷ | گاه‌شماره ۷۴۰۹ | روزنامه جوان

واکنش کاربران فضای مجازی به سخنرانی رئیس‌جمهور در سازمان ملل آفرین به این حرکت آفرین!



بالاگرفتن کتابی که به زبان انگلیسی نوشته شده و تصاویری از شهدای غیرنظامی جنگ ۲۲روزه را نشان می‌دهد از سوی مسعود پزشکیان رئیس‌جمهور اسلامی ایران در سازمان ملل بازخوردهای مثبتی در شبکه‌های اجتماعی فضای مجازی به همراه داشت؛ برخی از این نظرات را مرور می‌کنیم.

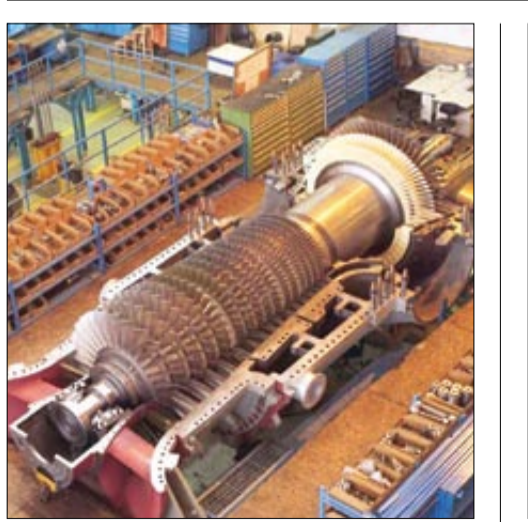
محمدباقر قالیباف
رئیس‌جمهور محترم آقای دکتر پزشکیان با طرح مواضع مقتدرانه و صریح، صدای عزت و اقتدار ملت ایران را در مجمع عمومی سازمان ملل با شایستگی به گوش جهانیان رساند و با نمایش تصاویر شهدای بیگناه ایرانی، قاتلان آنها یعنی متجاوزان کودک‌کش صهیونیست را باری دیگر رسوا کرده از این موقعیت‌سنجی و درایت تقدیر می‌کنیم.

ابن حوا
فارغ از همه اختلاف‌نظرهای داخلی این حرکت و صحبت‌ها، عالی‌بودن احسنند آقای پزشکیان.

محسن مقصودی
ملت ایران حول مبارزه با ظالم و دفاع از مظلوم متحد و یکدل هستند. حول مقابله با دشمنان ایران آفرین به آقای رئیس‌جمهور که با رسوا کردن دشمنان ملت ایران و بشریت به اتحاد مقدس ملت ایران کمک کرد.

آقای پزشکیان!
همین مسیر را با وقت ادامه دهید و از تهدیدات دشمنان نهراسید.

مهدی
دمت گرم آقای پزشکیان؛ عشق کردیم. گل کاشتی؛ همیشه همین جوری بمون.



اولین توربین گاز ساخت ایران صادر شد
حاج عماد نوشت:
اولین توربین گاز ساخت ایران به روسیه صادر شد! باز هم با اتکا به دانش و خودباوری مهندسان داخلی علاوه بر تأمین نیاز کشور به صادرات این محصول هم رسیدیم...

اسماعیلی
احسن به دکتر پزشکیان که در هفته دفاع‌مقدس با سخنرانی خوبشون در سازمان ملل، اقتدار و ایستادگی کشورمون را در برابر ظلم متجاوزان رو به جهانیان نشون دادند.

عبار
پزشکیان کتابی حاوی شهیدشدگان در جنگ ۱۲روزه به دست اسرائیل رو در سازمان ملل بالاگرفت.

آفرین به این حرکت، آفرین!
لیا آنوس
آقای پزشکیان این کار شما شایسته بود. لعنت به اسرائیل کودک‌کش

امیر حسین ثابتی
فیلم سخنان رئیس‌جمهور در مجمع عمومی سازمان ملل را دیدم. از دکتر پزشکیان بابت یادآوری جنایات رژیم صهیونیستی به افکار عمومی جهان و بازخوانی نسل‌کشی آنها در غزه تشکر می‌کنم.

حمید
از سخنرانی شایسته، خوب و تأثیرگذار آقای پزشکیان در دفاع از حقوق ملت ایران از تریبون سازمان ملل تشکر می‌کنم. خصوصاً که سفر امسال تا اینجا بدون حواشی سال گذشته بوده است. ای کاش به امور مهمی مثل کاروان مقاومت صمود به سمت غزه و سالگرد شهادت سیدحسن نصرالله هم اشاره می‌شد تا افکار عمومی را بیشتر درگیر خود کند.

رضا غیبشاهی
سخنرانی پزشکیان در سازمان ملل ارائه نسبتاً ضعیف متن و محتوا؛ متوسط

ابتکار؛ عالی (به دست گرفتن تصاویر کشته‌شدگان غیرنظامی جنگ اسرائیل علیه ایران)

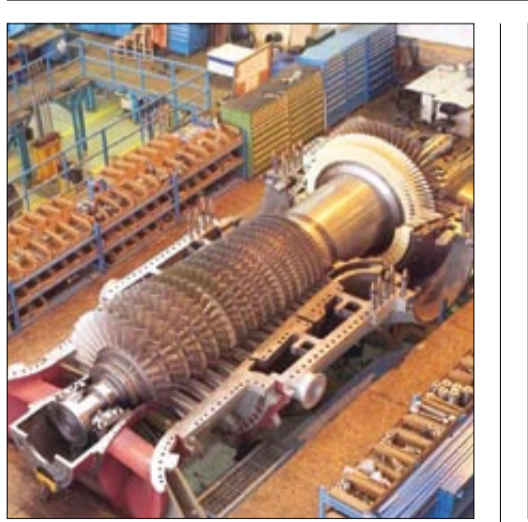
جورج ارول را فراموش کن، سلینجر را هم

کاتال ترجمان علوم انسانی نوشت: اکثر آدم‌های کتابخوان خاطره‌ای دارند از روزی که در نوجوانی کتابی دست گرفته‌اند که مثل صاعقه مغزشان را آتش زده است. کتابی که آنقدر تأمل‌برانگیز و تأثیرگذار بوده که تا مدت‌ها به آن فکر می‌کرده‌اند و خودشان را جای شخصیت‌هایش می‌گذاشته‌اند. این کتاب‌ها دروازه ورود آنها به دنیای روشنفکری بوده‌اند: ناتور دشت دی‌جی سلینجر، ۱۹۸۴ جورج ارول، دمیان هرمان هسه، یا سلاخ‌خانه شماره پنج کورت ونهگات.

خیر بد؛ بعدها که بیشتر خوانده‌اند، فهمیدند اغلب این کتاب‌ها از نگاه حرفه‌ای‌ها، کتاب‌های دم‌دستی و سطح پایینند.

خیلی از کتابخوان‌ها احساسات متناقضی نسبت به این دست‌کتاب‌ها دارند. از سویی این کتاب‌ها حداقل در دورهای برای‌شان بسیار جذاب بوده‌اند و از سوی دیگر شاید حالا احساس شرم کنند که روزی اینقدر طرفدارشان بوده‌اند.

تیموتی آبری، استاد زبان انگلیسی نام این دسته از کتاب‌ها را «کتاب‌های دروازه‌ای» گذاشته است. آبری با مراجعه به تجربه شخصی خودش می‌نویسد: آنچه نوجوانان را به شکلی ویژه به این کتاب‌ها جذب می‌کند، احساس «ممنوعه» و «خطرناک» بودن آنهاست. این کتاب‌ها به هیچ معنی، کتاب کودک و نوجوان نیستند و وقتی ۱۶-۱۷ ساله‌ها سراغش می‌روند، حس می‌کنند پنهانی وارد قلمروی شده‌اند که اجازه ورود به آن را ندارند. آنها با خواندن ارول یا سلینجر، جسارتی را در خود حس می‌کنند که همسالان‌شان فاقد آنند.



کتاب‌های دروازه‌ای نوعی اکتشاف شخصی‌اند. در نوجوانی که از همه چیز عصبانی هستیم و دنیای بزرگسالان را ملال‌آور و فاسد و سیاه می‌بینیم، این کتاب‌ها مثل بزرگ‌ترهایی استثنایی به ما می‌گویند که تنها نیستیم. اکثر آدم‌ها وقتی بزرگ‌تر می‌شوند، بدبینی بی‌انتها و تا



ثروتمندترین فرد روی زمین از نظر غرور و عزت
صفحه‌بین به فارسی با درج این تصویر نوشت:
مبارز یعنی که پابره‌نه و از نظر مالی قوی‌است، ثروتمندترین فرد روی زمین از نظر غرور و عزت‌است.

این دست نامرئی بازار تون مشکوکه

US Dollar	11375K
126,400	
107,800	
126,540	
106.84	9.934

کاربر رضوان نوشت: ترامپ تهدید کرد، بازار خمیازه کشید؛ رهبری صحبت کردند، فتر دلار در رفت! آقایون اجازه بدین کمی به این دست نامرئی بازار تون شک کنیم.

چون خیلی هم نامرئی نیست و داره کاملاً آشکارا سیاسی عمل می‌کنه! از لحظه‌ای که ترامپ ایران رو تروریست خوند و شروع کرد برای ایران رجز خوندن و تهدید کردن حواسمون به واکنش بازار بود و تغییرات قیمت دلار و طلا رو چک می‌کردیم.

جالبه که بدونید واکنش بازار به این حرف‌ها عجیب بود و میشه واکنش رو با واژه‌های تقریباً هیچ توصیف کرد!

فکرش رو یکنیند دلار هیچ واکنشی به حرف‌های ترامپ نداشت، اما همین که رهبری شروع کردند به صحبت در مورد مذاکره، دلار ۴ هزار تومن رفت بالا و طلا هم حدود ۵/۵ درصد جهش کرد!

عجیبه که بازار، تبعیض آمیز واکنش نشون میده!

اگه ترامپ تهدید کنه، واکنشی نداره، ولی اگه رهبری از عدم مذاکره بگه فوری جهش می‌کنه.

مشکوکه این دست نامرئی بازار تون.

ترامپ حکم تصاحب تیکتاک را امضا می‌کند

دو مقام ارشد کاخ سفید اعلام کردند، انتظار می‌رود دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور آمریکا، حکمی را برای تسهیل فروش تیکتاک و واگذاری آن از یک شرکت چینی به گروهی از سرمایه‌گذاران آمریکایی امضا کند.

کانال فارس‌نیوز به نقل از ان‌بی‌سی نیز نوشت: اعضای دولت ترامپ روزهاست که اعلام کرده‌اند، توافقی بین مقامات چینی و آمریکایی در حال نهایی شدن است، اما تا به امروز خبری از این توافق نبوده است. یک مقام ارشد کاخ سفید تأیید کرد که پس از اجرای این توافق، فعالیت تیکتاک در آمریکا از سوی یک شرکت سرمایه‌گذاری مشترک جدید اداره خواهد شد.

سال‌هاست که مقامات آمریکایی مدعی هستند تیکتاک که بیش از ۱۷۰ میلیون کاربر آمریکایی دارد، یک خطر امنیت ملی است و بابتندس می‌تواند به دولت چین امکان دسترسی به داده‌های کاربران و الگوریتم این برنامه را بدهد. چین بارها این ادعا را تکذیب کرده است. بخش عمده‌ای از مالکان جدید تیکتاک در آمریکا سرمایه‌داران مشهور یهودی هستند که از جمله آنها می‌توان به مایکل دل، لری ایلسون، رابرت مرداک و پسرش اشاره کرد.

اسرائیل به دنبال یک دستاورد ملموس در غزه

کانال محلل نوشت: این روزها ارتش رژیم صهیونیستی دستکم از سه محور در حال پیشروی در شهر غزه است. هم‌زمان بمباران‌ها و انفجار روایت‌ها برای آواره‌سازی مردم ادامه دارد. ننانیاهو علاقه دارد تا ۱۷ اکتبر یک دستاورد نمادین مانند تکمیل کنترل بر شهر غزه را اعلام کند.

مقاومت غزه نیز تا این لحظه عملیات خاصی را اجرا نکرده، اما نکته مهم چیست؟ استراتژی قسام در همه شهرها (شمال، رفق، خان یونس و...) این بوده که در لحظه اول، اجازه پیشروی به ارتش رژیم داده می‌شود تا قدرت آتش اولیه رژیم نیز تخلیه و جذب شود، سپس پس از حضور و توقف نیروها و دقیقاً زمانی که هوشیاری و مراقبت‌های حفاظتی ارتش پایین آمد، عملیات‌های کمی و کیفی آغاز می‌شود تا اولاً در میدان دشمن نتواند خود را تثبیت کند، دقیقاً مانند آنچه در عملیات قبلی در رفح رخ داد، به طوری که صهیونیست‌ها اقتدر خیال‌شان راحت بود که حتی از خودروهای بدون پناه و زره استفاده می‌کرده‌اند تا نانیاهو نتواند به تصویر بپروری کامل و همچنین وضعیت درگیری صفر و قدم وجود مقاومت برسد تا بدین وسیله تعریف مشترک کپی‌روزی در نهاد اشغالگر غیرممکن شود.

اینستاگرام و عبور از مرز ۳ میلیارد کاربر فعال ماهانه

کانال حرفه روابط عمومی نوشت: تعداد کاربران شبکه اجتماعی اینستاگرام در سال ۲۰۱۸ از مرز یک میلیارد کاربر و در سال ۲۰۲۱ از مرز ۲ میلیارد کاربر گذشته بود و حالا در عرض چهار سال، یک میلیارد کاربر دیگر هم به تعداد کاربران فعالش اضافه کرده است.

برای مقایسه فیسبوک در اوایل سال میلادی جاری به این موفقیت رسیده بود و واتساپ چند ماه پیش از این عدد عبور کرد که نشون میده اینستاگرام چقدر زودتر از بقیه این اپ‌ها به این موفقیت رسیده است.

به گفته Adam Mosseri، رئیس اینستاگرام، رشد کاربران این اپ به دلیل بخش دایرکت، ریل‌ها و سیستم پیشنهاد دهنده پست‌های این شبکه اجتماعی بوده و قرار هست روی این بخش‌ها بیشتر تمرکز بشه و اینستاگرام بیشتر حول این بخش‌ها تغییر جهت بده.

از جمله این تغییرات دسترسی سریع‌تر به دایرکت‌ها یا قراردادن آیکون اون در نوار پایین اینستاگرام، امکان تنظیم دقیق‌تر الگوریتم ریل‌ها برای نمایش محتوای مرتبط‌تر به کاربر و همچنین تغییر صفحه پیش‌فرض اینستاگرام از فید هوم به تب ریل‌ها در برخی کشورهاست.



میدان توپخانه
میدان توپخانه که امروزه با نام میدان امام خمینی (ره) شناخته می‌شود از مکان‌های تاریخی تهران و قدیمی‌ترین میدان این شهر است. این میدان در سال ۱۲۸۴ به دستور امیرکبیر و در زمان ناصرالدین شاه قاجار ساخته شد و از همان ابتدا به عنوان یکی از مهم‌ترین نقاط شهر تهران شناخته می‌شد و در طول تاریخ، شاهد رویدادهای مهمی نظیر تجعات اعتراضی و اعدام برخی محکومان بوده است. این میدان همچنان بخشی از هویت تاریخی با تخت به شمار می‌رود.

سایدراهی جز خروج از NPT باقی نمانده

روزنامه اعتماد در بخشی از یادداشت پنج‌شنبه خود نوشت: سفر رئیس‌جمهور به نیویورک فرصتی محدود برای تبیین مواضع ایران در مجمع عمومی سازمان ملل بود. رئیس‌جمهور کشورمان در این سخنرانی بر پایبندی جمهوری اسلامی ایران بر پیمان منع گسترش تسلیحات هسته‌ای تأکید کرد، اما در کنار آن قاطعانه از نقض تعهدات برجامی از سوی غرب و اقدامات تجاوزکارانه اسرائیل، مانند حملات نظامی و خرابکاری در تأسیسات هسته‌ای و حمایت‌های بی‌چون و چرای آمریکا از این رژیم انتقاد نمود. بر اساس سخنان اخیر ایتالله‌خامن‌ای و براساس تجربیات گذشته، سودی از مذاکره با آمریکا عاید ایران نشده است و بعید است که نتایجی را به همراه داشته باشد. نویسنده اضافه کرده است: سفر پزشکیان به نیویورک در مقطعی حساس انجام می‌شود، شرایطی که روندهای ژئوپلیتیکی تا حد زیادی فشارها را بر ایران افزایش داده است. ایران برخلاف راهبرد خصمانه غربی‌ها و عدم محکومیت هدف قرار گرفتن تأسیسات هسته‌ای ایران ازسوی آژانس بین‌المللی انرژی اتمی، برای ممانعت از فعال شدن مکانیسم ماشه، ذیل تعهدات خود در پادمان، همکاری‌ها را با آژانس بین‌المللی انرژی اتمی از سر گرفته است، اما به نظر می‌رسد که غربی‌ها تصمیم خود را گرفته‌اند و ترونیکی‌ا اروپایی‌ها حمایت امریکایی‌ها مکانیسم ماشه را فعال خواهند نمود. در این شرایط، به رغم تمام همکاری‌های گذشته ایران با آژانس و پایبندی به معاهده منع گسترش، شاید گزین‌های جز خروج از NPT و تغییر در بدترین هسته‌ای برای ایران باقی نماند.

مذاکره با آمریکا به نفع مردم نیست
<div></div> <div>روزنامه جام‌جم</div>
<p>روزنامه جام‌جم در یادداشتی نوشت: مقام معظم رهبری به‌روشنی موضع جمهوری اسلامی ایران را درباره مذاکره با ایالات متحده تبیین کردند و فرمودند چنین مذاکراتی نه‌تنها سودی برای کشور ندارد، بلکه زاینبار نیز خواهد بود. مرور تاریخ مذاکرات دو دهه اخیر با غرب، مؤید همین نکته است.</p> <p>نتیجه عملی همه این مذاکرات، یک‌سویه بودن اجرائی تعهدات از سوی ایران و خلف وعده کامل طرف غربی بوده است. با وجود این تاریخچه روشن، برخی جریان‌های سیاسی داخلی همچنان بر ضرورت مذاکره با امریکا تأکید می‌کنند، غافل از اینکه آخرین دور از این مذاکرات به جنگ تحمیلی منتهی شد. مسئولان امریکایی بارها به‌صراحت اعلام کرده‌اند که هدف آنها نه رفع تحریم‌ها بلکه محدودسازی توان موشکی، تعطیلی کامل صنایع هسته‌ای و جلوگیری از حضور منطقه‌ای ایران است، چنین خواسته‌هایی چیزی جز تسلیم منابع ملی و تضعیف امنیت ملی مردم هستند.</p> <p>از این رو اصرار برخی جریان‌های داخلی بر مذاکره با امریکا، در عمل چیزی جز توصیه به دست کشیدن از ظرفیت‌های دفاعی و استقلال کشور به شمار نمی‌آید. اکنون پرسش اساسی این است: آیا چشم‌پوشی از تجربه‌های پرهزینه گذشته و پذیرش خواسته‌های یکجانبه غرب، می‌تواند به نفع ملت ایران باشد؟ پاسخ با نگاهی به تاریخچه مذاکرات دو دهه اخیر، روشن و قاطع است. آیا جریان‌های سیاسی داخلی که مدام در رابطه با مذاکرات بیابانه هم می‌دهند از عواقب تعطیلی صنایع هسته‌ای مطلع هستند؟ قطعاً آنها هم می‌دانند و در واقع در حال ارائه این پیشنهاد هستند که ایران تسلیم شود.</p>

گیند
<div></div> <div>روزنامه کیهان در یادداشتی نوشت: جهان واداده‌ای که هیچ‌گاه به مقاومت در برابر نظام سلطه اعتقاد نداشته و در عین حال در جاگاه‌های مهمی از نظام اسلامی رخنه کرده بود، در سال ۱۳۸۲ وارد مذاکره با قدرت‌های غربی شد و انکاره شدن در نظامات یک‌طرفه استخباری را به‌عنوان تنها راه خارج شدن ایران از «شرایط ویژه» پذیرفت. نتیجه این رویکرد، ۲۲سال مذاکره و گفت‌وگو و امتیاز دادن‌های بی‌دبی بدون مستثنیایی به ادعای خارج کردن ایران از شرایط ویژه بود. در این فاصله تجربی‌های ایران دائماً افزایش یافته و سخت‌تر شد و دست آخر به تأسیسات هسته‌ای ایران حمله نظامی شد. این جریان سازشکار، از فقر مصداقت نداشت که به مردم ایران بگويد، مذاکره و توافق سرایی است که ورود به آن ایران را بیشتر در شرایط ویژه قرار می‌دهد. نظام جمهوری اسلامی بر مبنای پایبندی به ساختار و نتایج انتخابی به این جریان اجازه داد تا داعیه باطل خود را به محک تجربه بگذارد و راه عوام‌فریبی بسنسد شود و سبب انتقاد بیشتر مردم در برابر مطامع نظام سلطه گردد. نویسنده با اشاره به جنگ ۴ روزه و قتل‌های پس از آن که جریان واداده همچنان نسخه مذاکره و تسلیم می‌پیچد، بر سریده است. آیا این جریان سربران ملت ایران هستند یا بسبب ترس دشمنان در جبهه ایران؟ جریانی که امروز به رغم آنکه غرب در پرورنده هسته‌ای خدمه کرده، به تأسیسات نظامی واتمی ماحمله نموده، علیه ایران جنگ به راه انداخته، تحریم‌های غیرقانونی ششورای امنیت را بر گردانده، به ادعاها و تهدیدات خودت علیه ایران عزیز ما ادامه می‌دهد، هنوز بر مذاکره و تسلیم در برابر امریکا و اروپا تأکید دارد نمی‌خواهند آنچه دشمنان با جنگ به دست نیایردند را به نام مذاکره در اختیار آنان قرار دهند. سران نتایجاو است. آیا افراد این جریان، کار خلبان‌های متجاوز امریکا به تأسیسات نظامی واتمی ایران را نمی‌کنند؟ تعطیل کردن برنامه هسته‌ای ایران با بمب یا مذاکره چه تفاوتی دارد؟</div>

سه‌هیج!
<div></div> <div>روزنامه رسالت در یادداشتی با بیان این نکته که بیانات اخیر اسام خمینی را در فصلی از روشنگری و جهاد تبیین را در مورد مهم‌ترین مسائل مربوط به «امنیت ملی»، «منابت ملی» و «صیانت از «استقلال ملی»» رقم زد، نوشت: معظلم در این بیانیات از «سه‌هیج» روزمایی کردند و فرمودند: مذاکره با امریکا در مقطع کنونی –هیج کمکی به منافع ملی نمی‌کند.</div>
–هیج سودی ندارد.
–هیج ضروری ر ا دفع نمی‌کند.

دلیل این گفته بیش از چهار دهه گفت‌وگو با امریکا به‌ویژه در دولت روحانی است. نتیجه مذاکرات هیچ‌گاه آورده‌ای برای منافع ملی نداشت، اما برای دشمن آورده‌های زیادی از جمله آسیب به پیشرفت کشور بود. نویسنده اضافه کرده است: فضای گفت‌وگو و مذاکره با امریکا و سه کشور شرور اروپایی این بود که تحریم‌ها را برمی‌داریم شما هم، محدود کردن صنعت هسته‌ای را که توانایی ساخت بمب می‌دهد کاهش دهد. آنها به این بهانه در موضع «خرده‌خری» برای جلوگیری از پیشرفت ایران قرار داشتند و مسئولان کشور را تشویق به «خرده‌فروشی» می‌کردند. بندبند برجام فهرست این «خرده فروشی» را وا‌ناب می‌داد، اما اکنون بریده‌ها را کنار زدند و از ایران تقاضای «عمد^{فروشی}» مؤلفه‌های قدرتی ملی را دارند. می‌گویند: غنی‌سازی را صفر کنید، بساط موشکی و پهپادی خود را جمع کنید. از نیروهای مقاومت در منطقه حمایت نکنید و بالاخره با اسرائیل کاری نداشته باشید. بروید در صف عادی‌سازی روابط با یک رژیم جعلی که نسبت ۷۰سال سابق به خون یک ملت مظلوم و غصب‌شده سرزمین مردم فلسطین اوده است. در ازای آن هم هیچ پولی پرداخت نمی‌کنیم! رهبر انقلاب اسلامی در پاسخ به این زیاده‌خواهی‌ها در بیانات اخیر فرمودند: «خواست امریکا مذاکره نیست، تحمیل و زورگویی است. هیچ ملت باشرقی و هیچ سیاستمدار خردمندی این را نمی‌پذیرد.» معنی این سخن این است کسانی که در داخل سخن از تداوم مذاکره در شرایط فعلی می‌گویند عقل دیپلماتیک خود را تعطیل کرده‌اند.



کا تحلیل
فاطمه بصیری

چرا انرژی هسته‌ای مهم است

صنعتی که به همه حوزه‌ها «انرژی» می‌دهد



یکی از خطاهای موجود در درک ضرورت انرژی هسته‌ای، عدم تبیین جایگاه آن در جنبه‌های مختلف صنایع مهم و امورات زندگی و همچنین منابع مهم انرژی است. انرژی هسته‌ای صنعت پاکی است که از آن به عنوان انرژی آینده یاد می‌کنند که در همه حوزه‌های زندگی بشری نقش تعیین‌کننده دارد. از این رو داورن‌گان این صنعت حیاتی که تعداد آنها از تعداد انگشتان دست فراتر نمی‌رود، به دنبال انحصاری کردن آن، می‌کشوند کشورها را همچنان به خودولست نگه دارند. راز دشمنی با چنین صنایع‌ای در واقع اینست که از همین نکته مهم نهفته است: کشوری که به مدد توان داخلی توانسته است به تکنولوژی این صنعت دست یابد و نام خود را در میان باشگاه کشورهای هسته‌ای به ثبت برساند.

انرژی هسته‌ای امروز نقش اساسی در تأمین برق پایدار و پاک، پیشرفت علوم و توسعه فناوری‌های حیاتی دارد. این انرژی با قابلیت تولید توان بالا و مداوم، گزینه‌ای مناسب برای تأمین نیازهای

صنعتی، بیمارستان‌ها و زیرساخت‌های حساس است و در پژوهش‌های علمی، تولید ایزوتوپ‌های پزشکی و استریل‌سازی به کار می‌رود. به دلیل کاربرد گسترده این انرژی در آینده، ایران در مسیر توسعه پایدار، نیاز مبرمی به بهره‌گیری از فناوری هسته‌ای دارد، چه در تأمین انرژی و ایجاد جایگزینی مناسب در سرانجام تولید نیرو و چه در بهره‌برداری‌های صلح‌آمیز آن در حوزه‌های صنعت، کشاورزی، پزشکی و خدمات. تحقق این رسالت مهم بر عهده سازمان انرژی اتمی ایران است.

برق: انرژی هسته‌ای یکی از مهم‌ترین منابع تولید برق در سطح جهانی است که با استفاده از واکنش‌های هسته‌ای، انرژی را به برق تبدیل می‌کند. در این فرایند، نیروگاه‌های هسته‌ای

با شکافت هسته‌های سنگین مانند اورانیوم، انرژی گرمایی زیادی تولید می‌کنند و از این گرما برای تولید بخار و چرخاندن توربین‌ها استفاده می‌شود. این انرژی به دلیل مزایای بسیاری همچون تولید برق با حجم بالا و انتشار کم کربن، در بسیاری از کشورهای جهان مورد استفاده قرار می‌گیرد.

کشاورزی: از برترودرمانی برای کنترل جمعیت حشرات مضر از طریق تکنیک عقیم‌سازی حشرات استفاده می‌شود. این پرورسه شامل تکنیک‌های بزرگی از حشرات است که از طریق برترودرمانی (اشعه گاما یا ایکس) عقیم شده‌اند و معرفی آنها به جمعیت‌های طبیعی است. این تکنیک همچنین سازگار با محیط زیست است و حتی در مواردی که استفاده گسترده از آفت‌کش‌ها شاکست خورده، ابزار ی مؤثر برای مدیریت آفات بوده است، همچنین در اصلاح نباتات و فرآوری محصولات کشاورزی کاربرد دارد.

غذا: حدود ۳۵ تا ۳۰ درصد از مواد غذایی برداشت‌شده قبل از اینکه قابل مصرف شوند، در اثر سوزش از بین می‌روند. این مشکل به‌ویژه در کشورهای گرم و مرطوب شایع است. برتوده‌های مواد غذایی فرایندی است که در آن مواد غذایی در معرض اشعه گاما قرار می‌گیرند تا باکتری‌های که می‌توانند باعث بیماری‌های ناشی از غذا شوند از بین بروند و ماندگاری آنها افزایش یابد. علاوه بر جلوگیری از آفساد، برتوهی می‌تواند رسیدن میوه‌ها و سبزیجات را به تأخیر بیندازد تا ماندگاری بیشتری داشته باشند و همچنین به کنترل آفات کمک می‌کند.

صنعت: تولیدکنندگان از دانش هسته‌ای به عنوان ردیاب برای نظارت بر جریان سیال و فیلتراسیون، تشخیص نشتی‌ها و اندازه‌گیری

و امکان بررسی دقیق فرایندهای فیزیولوژیکی خاص را فراهم می‌کنند. چنین ایزوتوپ‌هایی برای ردیابی بسیاری از فرایندهای بدن با حداقل ناراحتی برای بیمار ایده‌آل هستند. آنها به طور گسترده برای نشان دادن تومورها و بررسی قلب، ریه‌ها، کبد، کلیه‌ها، گردش خون و حجم آن و ساختار استخوان استفاده می‌شوند. کاربردهای رادیوایزوتوپ‌ها در درمان نسبتاً کم، اما مهم هستند. تومورهای سرطانی به آسیب ناشی از تابش حساس هستند که ممکن است خارجی (با استفاده از پرتو گاما از منبع کالت-۶۰) یا داخلی (با استفاده از منبع تابش گاما یا بنای کوچک) باشد. برترودرمانی کوتاه‌برد به عنوان ابزاری تریابی شناخته می‌شود و این روش در حال تبدیل شدن به وسیله اصلی درمان است. بسیاری از روش‌های درمانی تکنیکی هستند و معمولاً برای تسکین درد استفاده می‌شوند. یک حوزه جدید، الفا درمانی هدفمند(TAT) است، که مخصوص برای کنترل سرطان‌های پراکنده، استریلیزاسیون و ضد عفونی تجهیزات پزشکی هم متاثر از انرژی هسته‌ای است، به طوری که از اشعه گاما، ایکس-ری) برای استریل کردن ابزار و مواد پزشکی استفاده می‌شود.

حمل و نقل: انرژی هسته‌ای به‌ویژه برای خطبات افزوده، در شرایط کنونی در عمل شاهد یک دیپلماسی فعال و مؤثر در دنیا هستیم و این توفیق در برتو وحدت مردم، انسجام ملی، همراهی اقوام و مذاهب و هم‌افزایی‌ها و گرایش‌های سیاسی مختلف به دست آمده است. که وظیفه داریم با برنامه‌ریزی‌های دقیق این انسجام را روزبروز تقویت کنیم. فرزبراطلاعات با اشاره به اینکه دشمن همواره از شکاف‌ها به دنبال ضربه زدن به نظام است، تأکید کرد: با هویشاری همیشگی مردم، تلاش‌های بسیار دشمنان، ناکام بوده است.

خطبات افزود: ایران هم اکنون جزو ۱۰ کشور برتر دنیا در حوزه غنی‌سازی هسته‌ای است و دشمنان در بی این هستند که امروز با فعالیت‌های هسته‌ای ایران و در آینده با فعالیت‌های جوانان مستعد ایرانی از حوزه هوش مصنوعی و سایر پیشرفت‌های کشور مقابله کنند. وی ادامه داد: بعضی با سادهانگاری و با تکیه بر تجربه سیاسی خود فکر می‌کنند اگر غنی‌سازی را صفر و موضوعات کشور را با امریکا برطرف کنیم، دیگر مشکلات حل می‌شود، در حالی که دشمنان به غیر از تسلیم چیزی از ما نمی‌خواهند و ملت ایران هرگز زیر بار تسلیم و زورگویی نخواهد رفت.

وزیراطلاعات گفت: مستکبران جهان که فهمیدند در رویا رویی مستقیم با کشور ایران موفق نمی‌شوند، در مجامع بین‌المللی برای تشدید تحریم‌ها و فشار علیه ایران تلاش می‌کنند، در حالی که ملت ایران مانند همیشه با سربلندی در برابر همه تهدیدات ایستادگی خواهد کرد.



جمهوری اسلامی ایران است از تمامی مسئولان و دستا‌ندر کاران کشور می‌خواهیم که مواضع و منویات عزتمنانه و حکیمانه‌ایشان را چراغ راه و نصب‌العین خود قرار داده و تمامی همت و تلاش خود را در اجرای آنها معطوف دارد. دشمنن باید بداند که ملت ایران، قهرمان مبارزه با استکبار است و با توکل بر خدا و اکتفا به نیروی داخلی، بر تمامی مشکلات و توطئه‌ها غلبه خواهد کرد.

دستیار و مشاور عالی فرمانده معظم کل قوا:

هیچ اشغالگری نمی‌تواند در سرزمین اشغال‌شده باقی بماند

که خود را در برنامه خدا قرار دهیم و مسیری را که او برای ما تعیین کرده که همانا بندگی و حرکت در صراط مستقیم است، ببیماییم. وی بیان کرد: استنان اصفهانی در برهه‌های حساس و مراحل مختلفی از پیروزی انقلاب، دفاع مقدس و دفاع از مردم مظلوم لبنان و فلسطین پیشقدم، پیشتاز و خط شکن بود. سردار صفوی گفت: سرداران بزرگی همچون سیدمحمد حجازی، علی (محمدرضا) زاهدی و حاج عباس نلفروشان همه از این استان در راه دفاع از کشور، اسلام و قرآن به شهادت رسیدند.

الجزایر، لیبی و افغانستان را اشغال کردند اما همه با شکست مواجه شدند. قوای اشغالگر نمی‌توانند در سرزمین‌های اشغالی دوام بیاورند و مردم برای دفاع از سرزمین، ناموس، شرف و هویت‌شان جان می‌دهند و می‌جنگند. سرتیوشت اشغالگران صهیونیسم هم جدای از سایر اشغالگران نیست و به زودی با شکست سیر سالگرد شهادت «سیدحسن نصرالله» و وی اضافه کرد: سردار شهید حاج عباس نلفروشان از کودکی عاشق آزادی فلسطین بود و به عنوان یکی از مدافعان مردم مظلوم لبنان و همسنگر سیدحسن نصرالله، قلد.

هیج دولت و حکومت اشغالگری در ۲۰۰سال گذشته نتوانسته در سرزمینی که اشغال کرده است، باقی بماند و فلسطین نیز در اشغال نخواهد ماند. به گزارش ایرنا، سردار سرلشکر پاسدار سیدیچی رحیم‌صفوی، دستیار و مشاور عالی فرمانده معظم کل قوا عصر پنج‌شنبه در مراسم اولین سالگرد شهادت «سیدحسن نصرالله» و سردار «عباس نلفروشان» در گلستان شهدای اصفهان افزود: انگلیسی‌ها، فرانسوی‌ها، ایتالیایی‌ها و امریکایی‌ها در این سال‌ها کشورهای مختلفی از جمله یمن، صنعت،

مخبر

وزیر اطلاعات:

تصور حل مشکلات باغنی‌سازی صفر ساده‌انگاری است

تصور حل مشکلات کشور با غنی‌سازی صفر، ساده‌انگاری و تنها راه مقابله با دشمنان، پیشسرفت و قوی‌شدن کشور است. به گزارش ایرنا، حجت‌الاسلام سیداسماعیل، خطیب وزیر اطلاعات در نشست شورای تأمین خراسان رضوی در مشهد، با گرامی‌داشت هفته دفاع مقدس و تبریک آغاز سال تحصیلی جدید مدارس و دانشگاه‌ها افزود: امام (رضاع) محور و مرکز کشور در نظام مقدس ماست و آنچه از پیشرفت و امنیت داریم به برکت وجود این امام همام(ع) است.

وی افزود: پیشسرفت در حوزه علمی و دفاعی دو راهبرد مهم در کشور است و نیروهای مسلح در دفاع هشت ساله و دفاع مقدس ۱۲ روزه، پیروزی‌های بزرگی را با رشادتهای خویش برای کشور به ریمان آوردند و شهدای بزرگی را به این نظام مقدس تقدیم کردند. وزیراطلاعات با اشاره به اینکه اتحاد رمز پیروزی نظام ماست، گفت: مردم ما در دفاع مقدس ۱۲ روزه نشان دادند با وجود همه تبلیغات و جنگ رسانه‌ای گسترده دشمنان، می‌توان با وحدت، نقشه‌های شوم دشمنان را ناکام گذاشت. خطیب تأکید کرد: دشمن در مدت ۱۲ روز، تمام تلاشش را کرد تا به آزروی دست‌نیافتنی که در پنج دهه انقلاب اسلامی به دنبال آن بود برسد اما با اقتدار نیروهای مسلح، هوشمندی دستگاه‌های امنیتی، همراهی مردم و با درایت و راهنمایی‌های رهبر معظم انقلاب اسلامی ناکام ماند.

وزیر اطلاعات گفت: مایه پیروزی، رمز ظفرمندى و عامل اصلی استقامت و استواری ما، اطاعت از رهبری است و دولت و رئیس‌جمهوری نشان داده‌اند این مسیر را دنبال خواهند کرد. خطیب افزود: همه ما وظیفه داریم از برنامه‌های دولت و اقدامات رئیس‌جمهوری که مردمی‌بودن، صراحت و صداقتش برای همه روشن است حمایت کنیم. وزیراطلاعات با اشاره به فعالیت ۴۰ساله دشمنان برای اجرای پروژه ایران‌هراسی در دنیا گفت: برای نخستین بار در تاریخ جمهوری اسلامی ایران، در حوزه رژیم‌صهیونیستی و امریکه ۱۲۰ کشور از ایران حمایت کردند و کشورها همسایه نیز هم اکنون اقدامات مشترکی را در برابر تهدیدات رژیم‌صهیونیستی بروز می‌دهند و امروز به اذعان خود غربی‌ها، منفورترین رژیم، رژیم‌صهیونیستی است.

خطیب افزود: در شرایط کنونی در عمل شاهد یک دیپلماسی فعال و مؤثر در دنیا هستیم و این توفیق در برتو وحدت مردم، انسجام ملی، همراهی اقوام و مذاهب و هم‌افزایی‌ها و گرایش‌های سیاسی مختلف به دست آمده است. که وظیفه داریم با برنامه‌ریزی‌های دقیق این انسجام را روزبروز تقویت کنیم. فرزبراطلاعات با اشاره به اینکه دشمن همواره از شکاف‌ها به دنبال ضربه زدن به نظام است، تأکید کرد: با هویشاری همیشگی مردم، تلاش‌های بسیار دشمنان، ناکام بوده است. خطیب افزود: ایران هم اکنون جزو ۱۰ کشور برتر دنیا در حوزه غنی‌سازی هسته‌ای است و دشمنان در بی این هستند که امروز با فعالیت‌های هسته‌ای ایران و در آینده با فعالیت‌های جوانان مستعد ایرانی از حوزه هوش مصنوعی و سایر پیشرفت‌های کشور مقابله کنند. وی ادامه داد: بعضی با سادهانگاری و با تکیه بر تجربه سیاسی خود فکر می‌کنند اگر غنی‌سازی را صفر و موضوعات کشور را با امریکا برطرف کنیم، دیگر مشکلات حل می‌شود، در حالی که دشمنان به غیر از تسلیم چیزی از ما نمی‌خواهند و ملت ایران هرگز زیر بار تسلیم و زورگویی نخواهد رفت.

وزیراطلاعات گفت: مستکبران جهان که فهمیدند در رویا رویی مستقیم با کشور ایران موفق نمی‌شوند، در مجامع بین‌المللی برای تشدید تحریم‌ها و فشار علیه ایران تلاش می‌کنند، در حالی که ملت ایران مانند همیشه با سربلندی در برابر همه تهدیدات ایستادگی خواهد کرد.

ایران در یک نگاه
<div></div> <div>فرا تر از چند کیلو اورانیوم</div>
<p>پرورنده هسته‌ای ایران با بیش از دو دهه قدمت، ایکت به یکی از مزمن‌ترین موضوعات بین‌المللی تبدیل شده است. این موضوع ابعاد مختلفی دارد اما به نظر می‌رسد «غنی‌سازی» در صدر آنهاست. «صدای ایران»، روزنامه اینترنتی رسانۀ KHAMENEI.IR در مقاله شماره ۹۶ خود نوشته است: طبق قوانین بین‌المللی منع خاصی برای غنی‌سازی اورانیوم وجود ندارد و صرفاً کشورهایی که عضو معاهده عدم‌اشاعه هسته‌ای، موسوم به NPT هستند باید طبق مقررات خاصی، فعالیت‌های خود در این زمینه را پیش برند و البته این بین‌المللی انرژی اتمی موظف به نظارت در این زمینه است. البته این نیز در عمل مانند بسیاری دیگر از قوانین و سازو کار‌های بین‌المللی، با آنچه روی کاغذ نوشته شده مغفلات است.</p>

ایرانی‌ها یک از دو دهه است که این موضوع را، به بهانه‌ای برای جوسازی، فشار، تهدید و تحریم علیه ایران تبدیل کرده است و اخیراً نیز به همین بهانه، با کمک رژیم نیابتی خود در منطقه، جنگی ۱۲۱ روزه را به کشورمان تحمیل کرد. سوآلی که در اینجا ممکن است پیش بیاید آن است که آیا غنی‌سازی اورانیوم ارزش این همه هزینه را دارد؟ چرا ایران حاضر نیست برای رهایی‌اش از این مخمصه و فشارهای تحریم و سایه تهدید، دست از غنی‌سازی بردارد؟ نکته نخست آنکه اگر غنی‌سازی به عنوان محور اصلی فعالیت صلح‌آمیز هسته‌ای، انقدرها هم ارزش ندارد، چرا قدرت‌های غربی و در رأس آنها امریکا حاضر نیستند سایر کشورها، از جمله ایران به این باشگاه بپیوندند؟ آیا جز این است که می‌خواهند این فناوری و صنعت کلیدی و پیشرفت‌جست همچنان محدود و انحصاری بماند؟ با اندکی جست‌وجو در اینترنت و منابع مرتبط، به راحتی می‌توان دریافت که تجربه بسیار گسترده‌ای از فعالیت‌ها و تولیدات در بخش‌های مختلف - از صنعت و کشاورزی گرفته تا انرژی و پزشکی- وابسته به این فناوری پایه و مادر هستند. با این تفاسیر، سؤال درست این است: چرا ایران باید به دنبال خواست غیرقانونی کشوری دیگر، خود را از چنین منبعی از علم، پیشرفت و ثروت محروم سازد؟ نکته دوم آنکه غرب و در رأس آنها امریکا، بر چه اساسی به خود اجازه می‌دهند از ایران بخواهند از حق قانونی خود دست بکشند؟ آیا ایران است که هنجارهای بین‌المللی را رعایت نمی‌کند یا امریکا و متحدان اروپایی آن هستند که هنوز هم در خواب و خیال استعمار دیگران، البته با روش‌های نوین تر هستند؟ دست کشیدن از غنی‌سازی، هر چه باشد بازگشت به اغوش بین‌المللی نیست، بلکه نام واقعی آن، پذیرش نظام ارباب و رعیتی دنیاست که عواقب و تبعات خاص خود را نیز به همراه دارد.

سوم آنکه فرض کنیم ایران دست از فعالیت هسته‌ای و غنی‌سازی کشید چه به باج‌خواهی می‌بنیای امریکا تن داده، چه کسی تضمین می‌کند که چنین کاری باعث پایان یافتن خصومت و تهدید و تحریم شده و دشمن به دنبال آن بهانه دیگری نتراشیده و باج‌خواهی جدیدی نخواهد کرد؟ پاسخ به این سؤال چندان هم دشوار نیست. چند روز پیش دبیر ششورای عالی امنیت ملی کشور فاش کرد محدودسازی برد موشک‌های ما به زیر ۵۰۰کیلومتر، خواست جدید واشینگتن است که در پیغام‌های خود مطرح کرده‌اند. توافقی در بیان یافت گفت تجربه تلخ برجام زنده و پیش چشم ماست. توافقی که علی‌رغم نرشم فراوان و در مواردی زیاده از حد ایران، در نهایت نتنها پرورنده هسته‌ای ایران را حل نکرد بلکه به نوعی بر پیچیدی و دشواری‌های آن نیز افزود.

گفت‌وگوی «جوان» با فرهاد دونافی، کارشناس رسانه و مستندساز

فقدان فرصت‌های بومی نوجوان ایرانی را جذب «کی‌پاپ» می‌کند

سن علاقه‌مندان به «کی‌پاپ» به زیر ۷سال رسید

محبوبه قربانی
«تفلیکس» پلتفرم پخش آنلاین فیلم و سرپال، تازه‌ترین محصول خود به‌نام انیمیشن «K-Pop Demon Hunters» را منتشر کرده است. این اثر برای نخستین بار موسیقی کی‌پاپ را با داستانی فانتزی و اکشن ترکیب کرده است. داستان درباره گروهی از ستاره‌های کی‌پاپ است که روی صحنه می‌درخشند و در زندگی مخفی خود شیاطین را شکار می‌کنند. طراحی شخصیت‌ها شباهت زیادی به اعضای گروه‌های واقعی کی‌پاپ دارد و موسیقی، رقص‌های هماهنگ و صحنه‌های پرتحرک آن دقیقاً سلیقه نوجوانان را هدف گرفته است. وقتی یک نوجوان ایرانی گوشي هوشمند خود را برمی‌دارد و وارد شبکه‌های اجتماعی می‌شود،

باید، شبیه یک کارخانه تولید ستاره شود؛ کارخانه‌ای که محصول نهایی‌اش نه فقط موسیقی، بلکه یک «سته کامل مصروفی» شامل ترانه، رقص، مد و تیلیتات تجاری است. کی‌پاپ روی پرده تفلیکس نشان می‌دهد ارتقا یافته است. نظر شما چیست؟

دقیقاً همین طور است. وقتی صحبت از نفوذ کی‌پاپ می‌شود، دیگر تنها به آهنگ‌ها و کلیپ‌های پرزرق و برق محدود نیستیم. این جریان اکنون وارد قلمرو رسانه‌های تصویری جهانی شده و کمپانی‌هایی مانند تفلیکس به خوبی از ظرفیت آن آگاهند. انیمیشن تازه تولید «K-Pop Hunters Demon» نمونه‌ای روشن از این روند است. این محصول نشان می‌دهد که کی‌پاپ دیگر تنها یک موسیقی یا حتی یک صنعت سرگرمی ملی نیست، بلکه به یک ابزار روایت جهانی تبدیل شده است. داستان این انیمیشن درباره گروهی از ستاره‌های کی‌پاپ است که در زندگی روزمره روی صحنه می‌درخشند اما در پشت صحنه نقشی کاملاً متفاوت دارند. آنها شکارچی شیاطین هستند. ایده ترکیبی از سه عنصر موسیقی، پرهیجان و گروه‌های محبوب، اکشن و نبرد فانتزی که یادآور انیمه‌ها و فیلم‌های ابرقهرمانی است که تفلیکس به خوبی می‌ناند نوجوانان به آن جذب می‌شوند. داستان دوگانه زندگی، یعنی تضاد میان چهره درخشان روی صحنه و واقعیت پنهانی در پس آن، این ترکیب به تنها تخیل نوجوانان را درگیر می‌کند بلکه جهان کی‌پاپ را گسترش می‌دهد. نوجوانی که پیش‌تر تنها آهنگ‌ها را گوش می‌داد یا کلیپ‌ها را می‌دید، حالا می‌تواند وارد دنیای خیالی شود که ستاره‌های کی‌پاپ در آن شخصیت‌های قهرمانانه دارند. این یعنی کی‌پاپ از یک «محصول شنیداری» به یک فرهنگ تصویری و داستانی ارتقا یافته است. تفلیکس پیش‌تر نیز علاقه ویژه‌ای به محتوای مرتبط با فرهنگ کره‌ای نشان داده بود. سریال‌هایی مثل «Woo Attorney Extraordinary» و «Squid Game» و حتی مستندهایی درباره گروه‌های کی‌پاپ، موفقیت عظیمی در جذب مخاطب جهانی کسب کرده‌اند. ورود به حوزه انیمیشن با محوریت کی‌پاپ، گام جدیدی است که هم به نفع کمپانی‌های کره‌ای است و هم سود سرشاری برای تفلیکس به همراه دارد.

نیست بلکه بخشی از استراتژی بازاریابی جهانی برای جذب نسل جدید است؟
بله. بسیاری از منتقدان معتقدند «K-Pop Demon Hunters» پیش از آنکه یک اثر هنری مستقل باشد، در واقع یک ابزار بازاریابی است. این انیمیشن راهی است برای جذب نوجوانان در سراسر جهان به این فرهنگ، حتی کسانی که پیش‌تر با کی‌پاپ آشنا نبوده‌اند. به زبان ساده، این اثر دروازه‌ای برای ورود نسل جدیدی از هواداران به دنیای کی‌پاپ است. نمونه‌های مشابه کم نیستند. در سال‌های اخیر، کمپانی‌های سرگرمی کره‌ای و غربی با راه‌های مشترک انجام داده‌اند. مستند «Silence the Break» درباره گروه BTS در سینماها و پلتفرم‌های جهانی پخش شد، همکاری BLACKPINK با تفلیکس در قالب مستند «Sky the Up Light» صورت گرفت و حتی ستاره‌های کی‌پاپ در بازی‌های ویدیویی جهانی مانند Fortnite و PUBG حضور یافته‌اند. این مصادیق نشان می‌دهند کی‌پاپ تنها در موسیقی محدود نشده و اکنون بخشی از اکوسیستم سرگرمی جهانی است؛ از فیلم و انیمیشن گرفته تا بازی‌های دیجیتال و مد.

به نظر شما، چنین محصولاتی به تدریج اهداف اصلی BTS را تضعیف می‌کنند یا راد رساله قرار نمی‌دهند؟
«K-Pop Demon Hunters» نشان می‌دهد کی‌پاپ دیگر تنها یک جریان هنری نیست بلکه به ابزاری برای بازتولید فرهنگ مصرف‌گرای جهانی تبدیل شده است. تفلیکس با هوشمندی، کی‌پاپ را یک موسیقی به یک روایت بصری چندبعدی ارتقا داده و به این ترتیب، حضور آن را در ذهن و زندگی نوجوانان ماندگارتر کرده است. برای درک عمق نفوذ کی‌پاپ، کافی است به شبکه‌های اجتماعی نوجوانان ایرانی نگاه کنیم.

احتمالاً نخستین ویدئوهای پیشنهادی مربوط به همین گروه‌های کی‌پاپ خواهد بود؛ ویدئوهایی پر از رنگ‌های تند، حرکات رقص هماهنگ و انرژی بالا. این تصویر بر اوایل، نخستین جرعه علاقه به دنیای کی‌پاپ را روشن می‌کند. با این حال منتقدان معتقدند این اثر بیش از آنکه یک شاهکار هنری باشد، مانند بسیاری از اثرها، نوعی ابزار تبلیغاتی برای گسترش نفوذ کی‌پاپ در جهان است. بر سرش مهم این است، آیا کی‌پاپ برای نوجوانان دامی برای مصرف‌گرایی و کم‌رنک شدن هویت فرهنگی نسلی، نکته مهم آن است که این اشتیاق نوجوانان اغلب در فضای غیررسمی شکل می‌گیرد، در حالی که در کشورهای دیگر، شرکت‌های سرگرمی کره‌ای از طریق کنسرت‌ها، فروشگاه‌های رسمی و باشگاه‌های هواداری مستقیماً به نوجوانان ارتباط دارند، در ایران این ارتباط عمدتاً از طریق محصولات کی‌پاپ و اطلاعات غیر کنترل شده فرار می‌گردد. در مجموع، صدای نوجوانان ایرانی درباره کی‌پاپ، صدایی چندلایه است. برای برخی، کی‌پاپ پناهگاهی عاطفی است؛ برای عده‌ای دیگر، رؤیای آینده و خودباوری‌گری است و برای نسل جوان، اغلب منبع نگرانی و پرسش‌های فرهنگی. کی‌پاپ در دست مانند یک سکه دو رو است؛ یک سوسو جذابیت بی‌پایان و مسوی دیگر نگرانی‌های هویتی. نوجوانان در مواجهه با کی‌پاپ با جهانی پرتأزری، خلاق و رنگارنگ روبه‌رو می‌شوند. جهانی که در آن کار گروهی، هماهنگی، تلاش سخت و زیبایی‌شناسی بصری برجسته است اما همین جهان می‌تواند به تدریج جایگزین الگوهای بومی و شخصی شود و هویت نسل جوان را تحت‌الشعاع قرار دهد. برخی کارشناسان فرهنگی هشدار می‌دهند، وابستگی شدید به کی‌پاپ می‌تواند باعث از خودبیگانگی فرهنگی شود. نوجوانی که همه معیارهایش را از ستاره‌های کره‌ای می‌گیرد، ممکن است کمتر به موسیقی، هنر یا تمدن ایرانی توجه کند. این مسئله حتی می‌تواند تعارض‌های نسلی بین نوجوانان و خانواده‌ها را افزایش دهد، چرا که والدین اغلب با معیارهای دیگری بزرگ شده‌اند و نمی‌توانند درک کنند چرا فرزندشان تا این حد شیفته یک فرهنگ در دسترس شده است. واقعیت این است، کی‌پاپ می‌تواند تهدیدی برای تنوع فرهنگی و استقلال هویتی نوجوانان باشد. پاسخ به این دوگانه آسان نیست و همه چیز بستگی به زاویه نگاه دارد. اگر نوجوان تنها به عنوان یک مصرف‌کننده منفعل با کی‌پاپ روبه‌رو شود، احتمالاً دست دادن بخشی از هویت بومی وجود دارد. اما اگر با نگاه انتقادی و خلاقانه باین پدیده مواجه شود، می‌تواند از انرژی و خلاقیت آن برای ساختن مسیر شخصی خود بهره‌برد.

این فرهنگ برای شان منبع الهام است. برخی به یادگیری زبان کره‌ای یا انگلیسی روی آورده‌اند، برخی شروع به تمرین رقص یا موسیقی کرده و حتی گروه‌های کوچک هواداری در مدارس یا محافل دوستانه تشکیل داده‌اند. این نشان می‌دهد پدیده کی‌پاپ در ایران، هم می‌تواند بستری برای خلاقیت و خودباوری باشد و هم منبعی از چالش‌های فرهنگی و نسلی، نکته مهم آن است که این اشتیاق نوجوانان اغلب در فضای غیررسمی شکل می‌گیرد، در حالی که در کشورهای دیگر، شرکت‌های سرگرمی کره‌ای از طریق کنسرت‌ها، فروشگاه‌های رسمی و باشگاه‌های هواداری مستقیماً به نوجوانان ارتباط دارند، در ایران این ارتباط عمدتاً از طریق محصولات کی‌پاپ و اطلاعات غیر کنترل شده فرار می‌گردد. در مجموع، صدای نوجوانان ایرانی درباره کی‌پاپ، صدایی چندلایه است. برای برخی، کی‌پاپ پناهگاهی عاطفی است؛ برای عده‌ای دیگر، رؤیای آینده و خودباوری‌گری است و برای نسل جوان، اغلب منبع نگرانی و پرسش‌های فرهنگی. کی‌پاپ در دست مانند یک سکه دو رو است؛ یک سوسو جذابیت بی‌پایان و مسوی دیگر نگرانی‌های هویتی. نوجوانان در مواجهه با کی‌پاپ با جهانی پرتأزری، خلاق و رنگارنگ روبه‌رو می‌شوند. جهانی که در آن کار گروهی، هماهنگی، تلاش سخت و زیبایی‌شناسی بصری برجسته است اما همین جهان می‌تواند به تدریج جایگزین الگوهای بومی و شخصی شود و هویت نسل جوان را تحت‌الشعاع قرار دهد. برخی کارشناسان فرهنگی هشدار می‌دهند، وابستگی شدید به کی‌پاپ می‌تواند باعث از خودبیگانگی فرهنگی شود. نوجوانی که همه معیارهایش را از ستاره‌های کره‌ای می‌گیرد، ممکن است کمتر به موسیقی، هنر یا تمدن ایرانی توجه کند. این مسئله حتی می‌تواند تعارض‌های نسلی بین نوجوانان و خانواده‌ها را افزایش دهد، چرا که والدین اغلب با معیارهای دیگری بزرگ شده‌اند و نمی‌توانند درک کنند چرا فرزندشان تا این حد شیفته یک فرهنگ در دسترس شده است. واقعیت این است، کی‌پاپ می‌تواند تهدیدی برای تنوع فرهنگی و استقلال هویتی نوجوانان باشد. پاسخ به این دوگانه آسان نیست و همه چیز بستگی به زاویه نگاه دارد. اگر نوجوان تنها به عنوان یک مصرف‌کننده منفعل با کی‌پاپ روبه‌رو شود، احتمالاً دست دادن بخشی از هویت بومی وجود دارد. اما اگر با نگاه انتقادی و خلاقانه باین پدیده مواجه شود، می‌تواند از انرژی و خلاقیت آن برای ساختن مسیر شخصی خود بهره‌برد.

این فرهنگ برای شان منبع الهام است. برخی به یادگیری زبان کره‌ای یا انگلیسی روی آورده‌اند، برخی شروع به تمرین رقص یا موسیقی کرده و حتی گروه‌های کوچک هواداری در مدارس یا محافل دوستانه تشکیل داده‌اند. این نشان می‌دهد پدیده کی‌پاپ در ایران، هم می‌تواند بستری برای خلاقیت و خودباوری باشد و هم منبعی از چالش‌های فرهنگی و نسلی، نکته مهم آن است که این اشتیاق نوجوانان اغلب در فضای غیررسمی شکل می‌گیرد، در حالی که در کشورهای دیگر، شرکت‌های سرگرمی کره‌ای از طریق کنسرت‌ها، فروشگاه‌های رسمی و باشگاه‌های هواداری مستقیماً به نوجوانان ارتباط دارند، در ایران این ارتباط عمدتاً از طریق محصولات کی‌پاپ و اطلاعات غیر کنترل شده فرار می‌گردد. در مجموع، صدای نوجوانان ایرانی درباره کی‌پاپ، صدایی چندلایه است. برای برخی، کی‌پاپ پناهگاهی عاطفی است؛ برای عده‌ای دیگر، رؤیای آینده و خودباوری‌گری است و برای نسل جوان، اغلب منبع نگرانی و پرسش‌های فرهنگی. کی‌پاپ در دست مانند یک سکه دو رو است؛ یک سوسو جذابیت بی‌پایان و مسوی دیگر نگرانی‌های هویتی. نوجوانان در مواجهه با کی‌پاپ با جهانی پرتأزری، خلاق و رنگارنگ روبه‌رو می‌شوند. جهانی که در آن کار گروهی، هماهنگی، تلاش سخت و زیبایی‌شناسی بصری برجسته است اما همین جهان می‌تواند به تدریج جایگزین الگوهای بومی و شخصی شود و هویت نسل جوان را تحت‌الشعاع قرار دهد. برخی کارشناسان فرهنگی هشدار می‌دهند، وابستگی شدید به کی‌پاپ می‌تواند باعث از خودبیگانگی فرهنگی شود. نوجوانی که همه معیارهایش را از ستاره‌های کره‌ای می‌گیرد، ممکن است کمتر به موسیقی، هنر یا تمدن ایرانی توجه کند. این مسئله حتی می‌تواند تعارض‌های نسلی بین نوجوانان و خانواده‌ها را افزایش دهد، چرا که والدین اغلب با معیارهای دیگری بزرگ شده‌اند و نمی‌توانند درک کنند چرا فرزندشان تا این حد شیفته یک فرهنگ در دسترس شده است. واقعیت این است، کی‌پاپ می‌تواند تهدیدی برای تنوع فرهنگی و استقلال هویتی نوجوانان باشد. پاسخ به این دوگانه آسان نیست و همه چیز بستگی به زاویه نگاه دارد. اگر نوجوان تنها به عنوان یک مصرف‌کننده منفعل با کی‌پاپ روبه‌رو شود، احتمالاً دست دادن بخشی از هویت بومی وجود دارد. اما اگر با نگاه انتقادی و خلاقانه باین پدیده مواجه شود، می‌تواند از انرژی و خلاقیت آن برای ساختن مسیر شخصی خود بهره‌برد.

کی‌پاپ آینه‌های تمام‌نما از سرمایه‌داری مدرن است؛ سرمایه‌داری که به خوبی می‌داند چگونه اشتیاق و هیجان نسل جوان را به یک نیروی اقتصادی تبدیل کند. در این میان، نوجوان هم لذت می‌برد و هم ناخواسته به مشتری وفادار» تبدیل می‌شود

مواجهه نوجوان ایرانی با کی‌پاپ یک میدان دوگانه است، اول فرصتی برای رشد هنری و خلاقیت و دوم خطری برای افتادن در دام تقلید و از دست دادن بخشی از هویت فردی و جمعی. تفاوت این دو مسیر در میزان آگاهی و سواد رسانه‌ای نوجوان است



موسیقی، پرهیجان نیست، بلکه یک جریان فرهنگی و صنعتی است که به سرعت مرزها را درمی‌نورد. اد. این جریان یک بسته کامل سرگرمی است از موسیقی و رقص گرفته تا مد، زیبایی‌شناسی تصویری و حتی الگوهای رفتاری که نه فقط نوجوانان، بلکه سنین پایین‌تر را نیز تحت تأثیر قرار داده است.» به گفته او، بسیاری از پژوهشگران فرهنگی نیز همین دیدگاه را دارند و معتقدند کی‌پاپ بیش از یک هنر مستقل، یک پدیده اجتماعی-اقتصادی است که هوشمندانه با روان‌شناسی نوجوانان پیوند خورده است. همین ویژگی‌ها باعث شده است سن طرفداران آن جریان روزبه‌روز پایین‌تر بیاید و امروز به زیر هفت سال برسد. متن زیر پاسخ این کارشناس به سؤالات «جوان» است که می‌خوانید.



موسیقی، پرهیجان نیست، بلکه یک جریان فرهنگی و صنعتی است که به سرعت مرزها را درمی‌نورد. اد. این جریان یک بسته کامل سرگرمی است از موسیقی و رقص گرفته تا مد، زیبایی‌شناسی تصویری و حتی الگوهای رفتاری که نه فقط نوجوانان، بلکه سنین پایین‌تر را نیز تحت تأثیر قرار داده است.» به گفته او، بسیاری از پژوهشگران فرهنگی نیز همین دیدگاه را دارند و معتقدند کی‌پاپ بیش از یک هنر مستقل، یک پدیده اجتماعی-اقتصادی است که هوشمندانه با روان‌شناسی نوجوانان پیوند خورده است. همین ویژگی‌ها باعث شده است سن طرفداران آن جریان روزبه‌روز پایین‌تر بیاید و امروز به زیر هفت سال برسد. متن زیر پاسخ این کارشناس به سؤالات «جوان» است که می‌خوانید.

راهکار چیست؟

مواجهه با پدیده‌های مانند کی‌پاپ، امری پیچیده است؛ نه می‌توان آن را نادیده گرفت و نه با رویکرد سرکوبگرانه به نتیجه رسید. تجربه نشان داده است هر چا نوجوانان از چیزی منع شده‌اند، علاقه و کنجکاوی‌شان نسبت به آن بیشتر شده است، بنابراین رویکرد در ست، شناخت، نقد و هدایت آثار آگاهانه است. نخستین گام، تقویت سواد رسانه‌ای است. نوجوان باید بیاموزد هر محصول فرهنگی، پشت‌صحنه‌ای اقتصادی و صنعتی دارد. وقتی بفهمد آهنگ‌های پرهیجان یا ویدئوهای پرزرق‌وبرق بخشی از یک ماشین بازاریابی جهانی هستند، می‌تواند میزان «لذت بردن» و «مصرف‌گرایی افراطی» تمایز قائل شود. آگاهی، ابزار اصلی برای تبدیل نوجوان از یک مصرف‌کننده منفعل به یک مخاطب فعال است. گام دوم، ایجاد فرصت‌های موسیقی یا تولید محتوا در محیطی سالم و حمایت‌شده داشته باشند، کمتر احساس نیاز می‌کنند هویت خود را صرفاً از کی‌پاپ وام بگیرند. راه‌اندازی کارگاه‌های هنری، گروه‌های دانش‌آموزی موسیقی یا حمایت از تولید محتوا در فضای مجازی می‌تواند جایگزینی سازنده باشد. از سوی دیگر، خانواده‌ها و مربیان باید به جای قضاوت سریع یا مخالفت صرف، گفت‌وگو با نوجوانان را در پیش بگیرند. اگر نوجوان حس کند علاقتش تحقیر یا سرکوب می‌شود، احتمالاً به سمت پنهان کاری یا وابستگی بیشتر خواهد رفت. والدین و معلمان با پرسش و گفت‌وگو مسیر علاقه او را بشناسند، می‌توانند هم‌دلی ایجاد کنند و در عین حال نگاه انتقادی را به او بیاموزند. رسانه هم در این میان وظیفه‌ای روشن دارد. نه باید با شور هواداری همراه شود و نه می‌تواند واقعیت‌های پنهان را نادیده بگیرد. رسالت رسانه، کمک به نوجوانان برای انتخاب آگاهانه است؛ انتخابی که به آنها اجازه می‌دهد از موسیقی و هنر لذت ببرند، بی‌آنکه اسیر وابستگی و مصرف‌گرایی شوند. از فرصت‌های مثبت کی‌پاپ نیز می‌توان بهره برد. بسیاری از نوجوانان از طریق کی‌پاپ به یادگیری زبان روی آورده‌اند. چرا این انگیزه به مسیرهای رسمی آموزش زبان یا حتی آشنایی با ادبیات جهانی هدایت شود؟ برخی نیز با الهام از ستاره‌های محبوب‌شان به ورزش یا ساخت محتوای ویدیویی پرداخته‌اند. این ظرفیت‌ها می‌تواند با حمایت درست، به خلاقیت واقعی و حتی فرصت‌های شغلی آینده تبدیل شود.

واما چشم‌انداز مواجهه با کی‌پاپ؟

نه «جنگ» یا یک فرهنگ خارجی» درست است و نه «تسلیم کامل در برابر آن». راه‌حل در میانه این دو قرار دارد. پذیرش واقعیت جهانی شدن و تقویت توان انتخاب آگاهانه در نوجوانان، تنها در این صورت است که آنها می‌توانند از انرژی و جذابیت کی‌پاپ لذت ببرند، بی‌آنکه اسیر مصرف‌گرایی یا از خودبیگانگی شوند.

کلام آخر.

کی‌پاپ امروز تنها یک موسیقی نیست، پدیده‌ای چندوجهی است که هم می‌تواند الهام‌بخش باشد و هم تهدید کننده. از یک سو، انرژی، خلاقیت و تقویت شدن نوجوانان آن به نوجوانان امکان می‌دهد با زبان‌ها، فرهنگ‌ها و سبک‌های هنری تازه آشنا شوند. بسیاری از جوانان از طریق کی‌پاپ انگیزه گرفتارند تا زبان بیاموزند، به موسیقی روی بیابند یا حتی رؤیاهای تازه‌ای برای آینده خود بسازند، از مسوی دیگر این سکه واقعیتی پیچیده‌تر است؛ صنعتی قدرتمند که با هوشمندی روان‌شناسی نوجوانان را هدف گرفته است و از اشتیاق آنها برای تولید درآمدهای میلیاردی استفاده می‌کند. مصرف‌گرایی، فشارهای پنهان هویتی و وابستگی شدید، بخشی از مخاطراتی هستند که پشت زرق‌وبرق این جهان رنگارنگ پنهان شده‌اند. برای نوجوان ایرانی، مواجهه با کی‌پاپ یک میدان دوگانه است. می‌تواند پنجره‌ای به سوی خلاقیت و امید باشد یا دام تقلید و وابستگی فرهنگی. نقطه تفاوت در «آگاهی» است. اگر این مواجهه با آگاهی و سواد رسانه‌ای همراه باشد، کی‌پاپ به فرصتی برای رشد فردی و هنری تبدیل خواهد شد. اما اگر نوجوان صرفاً مصرف‌کننده منفعل باقی بماند، خطر از دست رفتن بخشی از هویت فردی و جمعی دور از ذهن نیست. در نهایت، انیمیشن «K-Pop Demon Hunters» هشدار جدی است. اگر نهادهای فرهنگی و رسانه‌ای نتوانند راهبردی آگاهانه و جذاب برای مواجهه با چنین محصولات جهانی طراحی کنند، نوجوانان ما ناخواسته بخشی از یک مهندسی فرهنگی خواهند شد که مقصد و پیام آن خارج از مرزهای بومی ما تعیین می‌شود و نگرانی دیگر آنکه شاهد کاهش سن علاقه‌مندان به این گروه خواهیم بود.



علت پرمخاطب بودن کی‌پاپ چیست؟

علاوه بر موسیقی و رقص‌های هماهنگ، تبدیل هواداران به مصرف‌کنندگان پایدار یکی از دلایل موفقیت کی‌پاپ است. پشت صحنه این صنعت، اقتصادی قدرتمند وجود دارد که میلیاردی دلار درآمد ایجاد می‌کند که نوجوانان مهم‌ترین نیروی محرکه آن هستند. فروش آلبوم‌ها، عرضه کالاها، اجنایی مثل لباس، لوازم‌التحریر، پوستر، عروسک و حتی وسایل الکترونیکی با برند گروه‌ها تنها بخش کوچکی از این تجارت بزرگ است. بلیت کنسرت‌ها، فن میمینگ‌ها (دیدار نزدیک هواداران با ستاره‌ها) و تورهای گردشگری با محوریت کی‌پاپ بخش دیگری از جرعه درآمندی را تشکیل می‌دهند. نقش وفاداری هواداران نوجوان نیز چالب توجه است؛ وفاداری‌ای که گاه به شور و شوقی بی‌حد و مرز شباهت دارد. بر برای مثال، پدیده‌ای به نام «آلبوم فیزیکی» در حال وجود دارد و این در حالی است که در بسیاری از نقاط جهان خرید آلبوم‌های موسیقی فیزیکی تقریباً منسوخ شده است اما نوجوانان طرفدار کی‌پاپ پاره‌ای داشتن نسخه‌های مختلف این آلبوم هزینه می‌کنند. چرا؟ چون هر آلبوم شامل فتو کارت‌ها (کارت‌های فوتو تصویر نسخه‌های مختلف) این آلبوم هزینه می‌کنند. چرا؟ چون هر آلبوم شامل فتو کارت‌ها (کارت‌های فوتو تصویر نسخه‌های مختلف) این آلبوم هزینه می‌کنند. چرا؟ چون هر آلبوم شامل فتو کارت‌ها (کارت‌های فوتو تصویر نسخه‌های مختلف) این آلبوم هزینه می‌کنند. چرا؟ چون هر آلبوم شامل فتو کارت‌ها (کارت‌های فوتو تصویر نسخه‌های مختلف) این آلبوم هزینه می‌کنند.

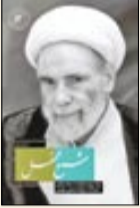


پیشخوان

نظر و گذری بر روایت‌های نونگاشت از سبک زندگی آیت‌الله حاج آقا مجتبی تهرانی

جلوه‌هایی از منش «شمع محفل»

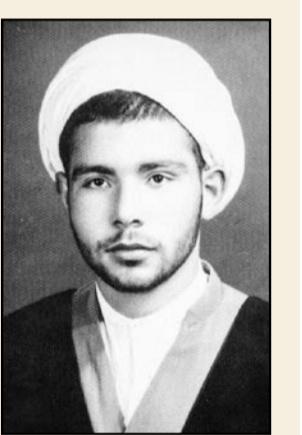
■ **سمانه صادقی**



اثری که در معرفی آن سخن می‌رود، همانگونه که از عنوان آن هویداست، «چند روایت کوتاه از سبک زندگی آیت‌الله حاج آقا مجتبی تهرانی» را بازگشته است. این مجموعه به دست

محمدعلی عباسی اقدم تألیف شده و دفتر نشر فرهنگ اسلامی به انتشار آن اهتمام ورزیده است. مؤلف در دیباچه خوبی‌س بر این پژوهش در باب موضوع آن به نکات بی آمده اشارت برده است:

«شمع محفل، بیان زندگی و تلاش‌های علمی عالم ناشناخته‌ای است که در ایام جوانی توفیق حضور در جلسات درس میرزا سیدجلال مدرس بافقی را پیدا کرد و بعد به حلقه اصحاب استاد محمدتقی ادیب نیشابوری راه یافت و پس از سه سال خوشه‌چینی از محضر با صفای این حکیم وارسته با کوله‌باری از علم‌راهی حوزه علمیه قم شد و نزد عالمان نام‌آوری از جمله: آیت‌الله سیدحسین بروجردی، آیت‌الله سیدمحمد محقق داماد و علامه سید محمدحسین طباطبایی زانوی ادب زد و از جوان با برکت این عالمان ربانی، بهره‌های فراوان برد. شمع محفل، روایت زندگی پرمجرای طلبه‌ای جوان و پراکنیزه به نام آقا مجتبی تهرانی است که به توصیه آکید پدرش آیت‌الله میرزا عبدالعلی تهرانی، سال‌ها مشقتافانه و محققانه در جلسات درس آیت‌الله سید روح‌الله خمینی حضور یافت و در سایه تلاش بی‌وقفه و پشتکار مثال‌زدنی خود در عرصه تحصیل علم به چنان جایگاهی رسید که آیت‌الله خمینی به واسطه مقبولیت علمی و محبوبیت عملی این شاگرد مدقق و محقق، تقریرات درس بیع، مکاتب مرحومه الطهاره و رسال‌ات اصولی خود را به ایشان سپرد تا پس از تنظیم و آماده‌سازی منتشر کند. شمع محفل،



➤ **آیت‌الله حاج آقا مجتبی تهرانی در دوران جوانی**

روایت مهر و علاقه عجیب حاج آقا مجتبی تهرانی به استاد بزرگش آیت‌الله خمینی است. آن قدر که شدت این علاقه پای ایشان را به نجف اشرف باز کرد تا استاد در دوران سخت تبعید تنها نگذازد و در کنار ایشان باشد و همچنان در پای درس‌های او حاضر باشد. البته این علاقه و کشش، یکجانبه نبود. آیت‌الله خمینی نیز به شاگردش علاقمند بود، آن قدر که پس از فوت ناگهانی فرزندش گفت اگر مصطفی نیست، مجتبی هست! شمع محفل، داستان زندگی عالم و راسته‌ای است که ۴۲ سال تمام در عرصه سیاست حضور مؤثر و مفید داشت و در بن‌بست‌ها و بزنگاه‌های دشوار دوران مبارزه، نقش افرینی و گره‌گشایی کرد، اما پس از پیروزی انقلاب اسلامی، حاضر به پذیرش هیچ پست و مقامی نشد و از حضور در رأس مناصب و جایگاه‌های بسیار مهم از جمله امامت جمعه تهران، ریاست دیوانعالی کشور، عضویت در مجلس خبرگان رهبری و … خودداری کرد و حضور تمام وقت در عرصه بسیار دشوار و مهم تعلیم و تربیت را بر هر کار دیگری ترجیح داد، زیرا حیاتی‌ترین و مهم‌ترین نیاز کشور بعد از پیروزی انقلاب را تربیت نیرو و در یک کلام در انسان‌سازی می‌دانست. شمع محفل، حکایت عالم‌عامل وقیبه کاملی است که ۴۰ سال تمام با برپایی جلسات درس فقه و اصول، فصل‌تونی در تدریس آن رقم زد. مرد مدقق و دانشمندی که با برگزاری جلسات درس اخلاق در کوچه‌بن‌بست ملکی، مثل ماه تابید و چون خورشید نور و روشانی داد. این دفتر حکایت مردی شهرت‌گریز است که سال‌ها با برگزاری جلسات احیای شب‌های قدر در تهران خیلی‌ها را متحول و زندگی مخاطبان زیادی را احیا کرد.شمع محفل، بیان دلدادگی و شیدایی قلبی است که با روضه‌خوانی در فرازهای پابانی جلسات اخلاق و باقتل خوانی در جلسات درس مُحرمش، دل‌های زیادی را حسینی(ع) کرد.»



روایت‌ها و درایت‌هایی از آغازین ماه‌های دفاع مقدس

در شرایط جنگی

آرامش از درون می‌آید نه از پناهگاه‌ها!

■ **پروین قائمی**



هفته دفاع مقدس اسمسال، حال و هوایی دگر دارد. آنان که جنگ تحمیلی هشت ساله را ندیده بودند، اکنون مبهوت سبغیت دشمن در جنگ تحمیلی ۱۲ روزه هستند؛ نو بیسنده در مقال بی آمده، با در آمیختن اطلاعات آشکار تا تجربیات و خاطرات شخصی، در صدد است تا تصویری واقعی از فضای حاکم بر نخستین جنگ ارائه کند. امید آنکه مفید و مقبول آید.

■ ■ ■

■ **یک نهاجم ناگهانی در آشفتنگی پس از انقلاب**

پیش از ظهر بیست‌ونهم شهریور ۱۳۵۹، آسمان جنوب و غرب ایران که تا پیش از این آرام با آفتاب سوزان و گاه با وزش بادهای گرم جنوبی شناخته می‌شد، زیر غرش دیونه‌وار موتورهای هویپوما و انفجار مهیب توپ‌ها به لرزه در آمد؛ در این روز، نقطه عطفی تلخ و ناگوار در تاریخ معاصر ایران رقم خورد، روزی که آغاز رسمی و علنی جنگی هشت ساله را نشان‌دهد.
شد این ایران هنوز از آشفتنگی پس از انقلاب بیرون نیامده بود. تنها چند ماه از پیروزی انقلاب اسلامی گذشته بود و کشور، در مرحله گذار و بازسازی بود. ارتش که پیش از انقلاب ساختار فرماندهی متمرکز و مشخص داشت، پس از انقلاب شاهد تغییرات عمده‌ای در سلسله مراتب فرماندهی بود. بسیاری از آرا به دلایل مختلف با بازنشته‌ها یا ارتش کنار گذاشته شده بودند یا در فرایند پاکسازی و ساماندهی مجدد قرار داشتند. این وضعیت علاوه بر مشکلات داخلی باعث ایجاد نوعی پراکندگی در آمادگی رزمی شده بود. رزم‌بعنی عراق به رهبری صدام حسین تکریتی‌کسه از همان ابتدای پیروزی انقلاب اسلامی، ایران را کشوری ضعیف و از هم گسیخته می‌پنداشت، از این شرایط سوءاستفاده کرد. در ماه‌ها و هفته‌های پیش از ۲۹ شهریور، درگیری‌های پراکنده و حملات مرمز به‌طور مداوم در سرحدات غرب و جنوب کشور گزارش می‌شد.این اقدامات که در ظاهر به بهانه حفاظت از منافع ملی عراق یا پاسخ به تحرکات ایران صورت می‌گرفت، در حقیقت مقدمه‌ای حساب‌شده برای یک نهاجم گسترده و سازمان‌یافته بود. صدام با افزایش تنش‌ها و ایجاد فضای جنگی قصد داشت افکار عمومی داخلی و جامعه

بین‌المللی را برای حمله نظامی آماده کند.

■ **خانه‌های زخمی، بوی دود و نخل‌های سوخته‌!**

هوایپماها به شهرها و پایگاه‌ها حمله کردند، تانک‌ها از مرز گذشته‌ش و خرمشهر با منازل‌های بسته، خانه‌های زخمی، بوی دود و نخل‌های در آتش سوزان حس کرد وارد یک جنگ شده‌است. در یامداد ۲۹ شهریور، با آغاز حملات هوایی گسترده به شهرهای مختلف ایران از جمله تهران، اهواز و پایگاه‌های هوایی، نقاب از چهره صدام افتاد. هم‌زمان، لشکرکشی نیروهای زمینی عراق از مرزهای مشترک آغاز شد و تانک‌ها و خودروهای زرهی با عبور از مرزهای رسمی و غیررسمی، وارد خاک ایران شدند. شهر خرمشهر که به دلیل موقعیت استراتژیک و اهمیت اقتصادی‌اش هدف حملات اولیه بود، به یکی از نخستین کانون‌های درگیری تبدیل شد. اهالی این شهر که هنوز درگیر پیامد ناآرامی‌های پس از انقلاب بودند، ناگهان خود را در میان آتش و دود و صدای انفجار یافتند. صدای خمپاره‌ها و توپ‌ها که بی‌وقفه بر شهر فرود می‌آمدند، با خیر فرور یختن یل راه‌آهن و دیگر شاهراه‌های ارتباطی، تصویری هولناک از آغاز جنگی نابرابر را ترسیم می‌کرد. نخل‌های همیشه سبز خرمشهر – که نماد استقامت و زندگی بودند– بی‌سر می‌شدند و فرو می‌افتادند؛ مردم این شهر، با چشمانی پر از ترس و حیرت، نفس به نفس با کشتار و ویرانی حس کردند، دوره‌ای جدید و متفاوت را آغاز کرده‌اند. جنگی که سال‌ها ادامه خواهد یافت و زخم‌هایی عمیق بر پیکر جامعه و ملت ایران وارد خواهد کرد.

■ **نقطه به نفس کشیدن فکر می‌کردم!**

بعد از ظهر روز ۲۹ شهریور با صدای مهیب انفجاری که گویا تن زمین را لرزاند، از جا پریدم؛ پار دار بودم. همراه همسایه و پسرش به سوی پشت‌تام دویدیم. از سمت فرودگاه، ستون دود سیاهی بالا می‌رفت. هر کس سخنی می‌گفت. آن یکی که طرفدار مجاهدین خلق بود، حادثه را به گردن حکومت می‌انداخت؛ آن دیگری که توده‌ای بود، ماجرا را به بورژوازی جهانی مرتبط می‌کرد. من فقط به نفس کشیدن فکر می‌کردم و موجود کوچکی که در درون داشتم. در خانه ما این آشفتگی تنها سیاسی نبود. شوهرم که همواره برابرم نماد شجاعت بود، از ترس حمله بعدی اصرار داشت به خانه‌ای بروم که زیرزمین امن‌تری دارد. من اما ترجیح می‌دادم در خانه خودمان بمانم، نگاهش بر اضطراب بود و چه عجیب که او چندسال بعد، نه در جنگ و بمباران، بلکه در یک تصادف از دنیا رفت؛ آن روز با



۱۳۶۴.یک بسمجی در منتقلای جنگی، با آرامش به‌نظار استیاده‌اش

«نترسید؛ دیوانه‌ای آمده و سنگی انداخته!» این جمله از امام خمینی در ساعات اولیه شروع جنگ تحمیلی بسان سپهری نامرئی هم در خیابان‌ها و معا‌بر شهر مستقر شد و هم در دل‌های مردم جای گرفت. این جمله که با قاطعیت و اطمینان همراه بود، نه تنها در شهرها و در میان مردم عادی که در میان نیروهای نظامی و رزمندگان نیز اعجازی شگفت‌آور آفرید. آنان با چنین سرمایه‌ای از اعتماد، خود را باز یافتند، آرامش جنگی گرفتند و به پیش تاختند

سادگی، رویکردی عمیق برای تحلیل وضعیت‌را به نمایش می‌گذاشت: حمله عراق از دیدگاه ایشان، نه یک تهدید سازمان‌یافته و مبتنی بر قدرت نظامی بر تر، بلکه اقدامی هیجانی و غیرمنطقی از سوی رئیس‌جمهوری دیکتاتور بود که پایه‌های حکومت خود را در خطر می‌دید. این جمله بسان سپهری نامرئی هم در خیابان‌های شهر مستقر شد و هم در دل‌های مردم جای گرفت. پیش از آن که سال‌ها بعد من همین «نترس» را به پسرم بگویم کلام امام، در جامعه بازتابی فوری و گسترده یافت. این جمله که با قاطعیت و اطمینان همراه بود، نه تنها در شهرها و در میان مردم عادی که در میان نیروهای نظامی و رزمندگان نیز اعجازی شگفت‌آور آفرید. آنان با چنین سرمای‌های از اعتماد، خود را باز یافتند، آرامش جنگی گرفتند و به پیش تاختند.

■ **وقتی ترس‌های کودکم را در خود حل می‌کردم!**

فرزند خردسال من که در دی ۱۳۵۹، یعنی تنها چند ماه پس از آغاز جنگ به دنیا آمده بود، در خردسالی و آسیب‌پذیری به سر می‌برد. با توجه به خطرات احتمالی ناشی از بمباران‌ها و ناآرامی‌های شهری، تصمیم گرفتم او را به مکانی دور تر از هیاهوی شهر و مناطق جنگی، یعنی منطقه لوسان بفرستم. بوی نفت تانکی را به هم می‌زد، خود آن ماده آتش‌زا می‌توانست بدتر از صدها بمب صدام عمل کند؛ از این روی از جابلند شدم و به‌رغم مخالفت‌های همسرم و بقیه از زیرزمین بیرون زدم. هوا خنک و پاکیزه بود و آسمان بدون ابر و پر از ستاره. رFTم و در نزدیکی آقا رسول ننسستم که روی پله‌های حیاط جای گرفته و صدای قیزقیژ رادیوی رتازینستوری‌اش را درآورده بودم تا بی‌سی‌ای ر اوضاع تر بشنود و به قول خودش بفهمد که دنیا دست کیست آن شب پسرم که هنوز در راه بود، خیاالش آسوده‌تر شد و دیگر از لنگ‌زدن دست کشید! تاریکی آرام آرام شهر را فرا گرفت و نسیم خنکی که از لای شاخ و برگ درختان می‌وزید، انگار از جیبش دیگر بود. تضادی شگفت میان اضطراب روز و آرامش آسمان پرستاره شب!

■ **غافلگیریی «به مثابه برگ برنده‌ای برای صدام**

در روزهای نخست، بزرگ‌ترین مزیت دشمن غافلگیری و ضعف آرایش دفاعی ایران بود. یگان‌های زرھی عراق با شتاب وارد خاک کشور شدند و ظرف چند روز به حومه خرمشهر، سوسنگرد و مهران رسیدند. پشتیبانی توپخانه و نیروی هوایی عراق سنگین بود و بسیاری از خطوط دفاعی ایران یا شکسته شد یا با عقب‌نشینی تاکتیکی خالی ماند؛ خرمشهر که پیش از آن بندری آرام بازندگی بر هیاهوی بازگنان، کلان‌گرا ن می‌شد؛ از همان روزهای ابتدایی، صدای توپخانه و سوت خمپاره‌ها، فضای شهر را پر کرده بود. مردم میان ماندن و رفتن سرگردان مانده بودند. مغازداران، کر که‌ها را پایین کشیده بودند. بیمارستان‌ها پر از مجروحان بودند و خانه‌ها به پناهگاه‌های ناپایدار تبدیل شده بودند.

■ **نترسید؛ دیوانه‌ای آمده و سنگی انداخته!**
در همان روزها، آغازین جنگ امام خمینی رهبر انقلاب اسلامی، طی پیامی به ملت ایران گفت: «نترسید؛ دیوانه‌ای آمده و سنگی انداخته!» اوایل جنگ تحمیلی، زمانی که کشور در شوک حمله ناگهانی عراق قرار داشت و نگرانی‌های عمومی موج می‌زد، بنیانگذار جمهوری اسلامی با صدور پیامی قاطعانه و آرامش‌بخش خطاب به ملت ایران، تصویری متفاوت از وضعیت ترسیم کرد. این شبیه در عین حضور وال‌دین خویش نیاز دارد. با امانت‌و واقعی را

از کسانی می‌گیریم که در عشق‌شان به خودمان تردیدی نداریم، نه از حصن و حصار. اگر همه به هم عشق و دلسوزی داشتیم، هیچ مشکلی ما را از پای در نمی‌آورد. این همه رنج، حاصل غریبگی حتی در میان نزدیکان است.

■ **پناهگاه واقعی کجاست؟**

در همان روزها، آقا رسول و خانواده‌اش به روستای دوری رفتند تا از حملات صدام در امان باشند. با گذشتن دامنه جنگ و حملات موشکی و هوایی به شهرهای مختلف، بسیاری از خانواده‌ها برای نجات جان خود و فرزندان‌شان ترک خانه و پناه بردن به مناطق امن‌تر را انتخاب کردند. رسول هم مانند هزاران شهروند دیگر به تصور اینکه روستا به دلیل دوری از مناطق مرزی و مرکز نقل درگیری‌ها، مکان امن‌تری است، خانواده خود را به آنجا منتقل کرد. هدف اصلی دور کردن عزیزان از خطر مستقیم حملات و ایجاد فضایی آرام‌تر برای گذراندن ایام

بحرانی بود، اما در آن هوای خشک و بیگانه، همه به یک بیماری پوستی خطرناک مبتلا شدند که هرگز معالجه نشد؛ سرنه‌امنی که به‌جای آرامش، تب و حک به ارمان آورد و انتظار آقا رسول و خانواده‌اش برای یافتن امنیت و آرامش سه‌زودی رنگ باخت؛ برخلاف تصور اولیه، محیط جدید نه تنها آرامبخش نبود، بلکه چالش‌های جدیدی را نیز ایجاد کرد. این تجربه به تلخ، درس مهمی را به آقا رسول و شاید بسیاری دیگر آموخت: مفهوم «امنیت» غالباً چیزی شبیه به یک توهم است یا حداقل بسیار شکننده‌تر از آن است که تصور می‌کنیم. در شرایط بحرانی، نه تنها موقعیت جغرافیایی، بلکه عوامل دیگری نیز در شکل‌گیری امنیت نقش دارند. گاهی پناه بردن به فاصله‌ها و جاه‌جایی‌ها به‌جای دور کردن خطر، ما را در معرض چالش‌های جدید و غیرمنتظره‌ای قرار می‌دهد.

من برخلاف بسیاری دیگر، نه از تهران کوچ کردم، نه به پناهگاه و زیرزمین رفتم. در روزهای آغازین جنگ، زمانی که بسیاری از مردم به دنبال راه‌هایی برای دور ماندن از خطر بودند و شهرها خالی از سکنه می‌شدند، تصمیم گرفتم در تهران بمانم. روز و شبم را با کار سلفاقی بر می‌کردم. در شرایطی که فعالیت‌های روزمره تحت تأثیر جنگ قرار گرفته بودند، سعی کردم با انجام کاری که به آن علاقه‌مند بودم و در آن تخصص داشتم، به زندگی خود ادامه بدهم. ترجمه، فعالیتی فکری و خلاقانه بود که به من اجازه می‌داد ذهن خود را از هیاهوی جنگ منصرف کنم و روی موضوعات دیگر متمرکز شوم. این اقدام، نه تنها راهی برای پر کردن اوقات فراغت و حفظ روحیه بود، بلکه نوعی مقاومت در برابر تلاش دشمن برای فلج کردن زندگی عادی مردم نیز به شمار می‌رفت. یک بار راکتی سو کوجه ما فرود آمد و شیشه‌ها شکستند. جارو را برداشتم، شیشه‌ها را جمع کردم و دوباره سر کارم برگشتم. واقعیت تلخ جنگ حتی در انتخالم برای ماندن در شهر از من دور نمی‌شد. وقوع یک حادثه، یعنی فرود آمدن راکت در نزدیکی محل سکونت، یادآور خطری جدی و مرگبار بود. پیامدهای این حادثه، یعنی شکستن شیشه‌ها، نمایان‌ی از آسیب‌پذیری محیط زندگی من بود. با این همه من سعی می‌کردم به جای تسلیم شدن به ترس و وحشت، سر کارم برگردم که همیشه در تمام مصائب زندگی، مهم‌ترین پناه امن من بوده است و هنوز هم.

■ **درس‌های آموخته در بوته آزمایش جنگ**

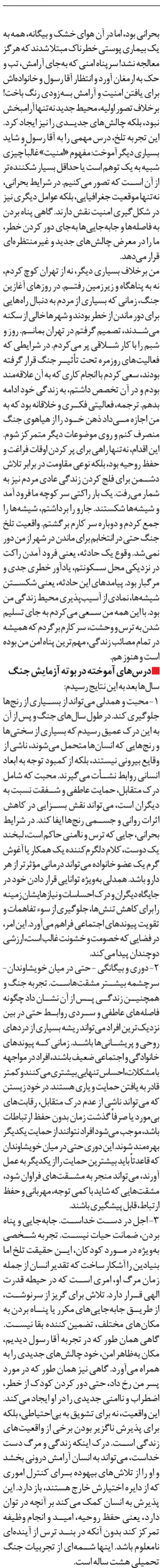
سال‌ها بعد به این نتایج رسیدم:

۱- محبت و همدلی می‌تواند از بسیاری از رنج‌ها جلوگیری کند. در طول سال‌های جنگ و پس از آن به این درک عمیق رسیدم که بسیاری از سختی‌ها و رنج‌هایی که انسان‌ها متحمل می‌شوند، ناشی از وقایع بیرونی نیستند، بلکه از کمبود توجه به ابعاد انسانی روابط نشت‌ات می‌گیرند. محبت که شامل درک متقابل، حمایت عاطفی و شفقت نسبت به دیگران است، می‌تواند نقش بسزایی در کاهش اثرات روانی و جسمی رنج‌ها ایفا کند. در شرایط بحرانی، جایی که ترس و ناامنی حاکم است، لبخند یک دوست، کلام دلگرم‌کننده یک همکار یا آغوش گرم یک عضو خانواده می‌تواند در ملنی مؤثرتر از هر دارو باشد. همدلی به‌ویژه توانایی قرار دادن خود در جایگاه دیگران و درک احساسات و نیازهایشان و یمنه را برای کاهش تنش‌ها، جلوگیری از سوء تفاهمات و تقویت پیوندهای اجتماعی فراهم می‌آورد. این امر، در فضایی که خصومت و خشونت غالب است، اثر شای دی‌چندان پیدایمی‌کند.

۲- دوری و بیگانگی – حتی در میان خویشاوندان- سرچشمه بیست‌تر شفت‌هاست. تجربه جنگ و همچنین زندگی پس از آن نشان داد چگونه فاصله‌های عاطفی و سسردی روابط حتی در بین نزدیک‌ترین افراد می‌تواند ریشه بسیاری از در‌های درونی و بی‌رضی‌های باشد. زمانی که پیوندهای خانوادگی و اجتماعی ضعیف باشند، افراد در مواجهه با مشکلات احساس تنهایی بیشتری می‌کنند و کمتر قادر به یافتن حمایت و یاری هستند. در خود زیستن که می‌تواند ناشی از عدم درک متقابل، رقابت‌های بی‌مورد یا صرفاً گذشت زمان بدون حفظ ارتباطات باشد، موجب می‌شود افراد نتوانند از حمایت یکدیگر این تجربه، درسی عمیق و ماندگار به من آموخت. این که فاعلت‌آباد پیاد بیشترین حمایت را از یکدیگر به عمل آوردند، می‌تواند منجر به مشتقت‌های فراوان شود. مشتقت‌هایی که شاید با کمی توجه، مهربانی و حفظ ارتباط، قابل پیشگیری باشند.

۳- اجرا از دستگیری جدیدی را در او ایجاد می‌کند. این واقعیت، نه برای تشویق به بی‌احتیاطی، بلکه برای پذیرش ناگزیر بودن برخی از واقعیت‌های زندگی است. درک اینکه زندگی و مرگ دست خداست، می‌تواند به انسان درونی بخشد و او را از تلاش‌های بیهوده برای کنترل اموری که از دایره اختیارش خارج هستند، باز دارد. این پذیرش به انسان کمک می‌کند بر آنچه در توان دارد، یعنی حفظ روحیه، امید و انجام وظیفه تمرکز کند بدون آنکه در بند ترس از آینده‌ای نامعلوم باشد. اینها شمه‌ای از تجربیات جنگ تحمیلی هشت ساله است.

۹



پیروزی رزمندگان در محشر،گرفته‌اند ۱۳۶۵. دانش آموزان منتظره ۱۶ تهران را با نوز برج آتش

هر روز در جریان جنگ طولانی غزه، انتظار می‌رفت، مقامی در دولت بایدن یکی از موارد زیر را مطرح کند: آتش‌بس در شرف وقوع است، ایالات متحده به صورت خستگی ناپذیر برای دستیابی به آن تلاش می‌کند، به طور مساوی به اسرائیلی‌ها و فلسطینی‌ها اهمیت می‌دهد، یک توافق عادی‌سازی تاریخی عربستان و اسرائیل در دسترس است و همه اینها با مسیری پرگشت‌ناپذیر به تشکیل کشور فلسطین گره خورده‌است.

■ ■ ■

هیچ کدام از این موارد، حتی درای به حقیقت شباهت نداشت. مذاکرات آتش‌بس به درازا کشید و اگر هم به نتیجه‌ای منتهی می‌شد، به سرعت از هم می‌پاشید. ایالات متحده از انجام تنها کاری که می‌توانست جلوی این فاجعه را بگیرد؛ یعنی مشروط کردن یا متوقف کردن کمک‌های نظامی به اسرائیل، خودداری کرد. انجام این گام همچنین تنها کاری بود که می‌توانست فراتر از کلیشه‌ها، تعهد ایالات متحده به حفاظت از جان اسرائیلی‌ها و فلسطینی‌ها نشان دهد. از سوی دیگر، عربستان سعودی مدام تکرار می‌کرد عادی‌سازی روابط با اسرائیل به پیشرفت در جهت تشکیل یک کشور فلسطینی بستگی دارد اما دولت اسرائیل پیوسته چنین پیشفتری را رد می‌کرد. هر چه زمان بیشتری سپری می‌شد، اظهارات ایالات متحده بیشتر به عنوان سخنان پوچ و توخالی آشکار می‌شد و با ناباوری یا بی‌تفاوتی مواجه می‌شد. آیا سیاستگذاران امریکایی به آنچه می‌گفتند اعتقاد داشتند؟ در غیر این صورت، چرا به چنین موضع‌گیری ادامه می‌دادند؟ و اگر داشتند، چگونه می‌توانستند این همه شواهد خلاف واقع را که پیش‌رویشان قرار داشت نادیده بگیرند؟

این دروغ‌ها به عنوان پوششی برای سیاستی عمل کردند که حملات وحشیانه اسرائیل به غزه را امکان‌پذیر کرد و از کوچک‌ترین بهبود زودگذر در وضعیت این منطقه محصور فلسطینی به عنوان محصول انسان‌دوستی و عزم راسخ امریکا استقبال کرد. وحشیگری اسرائیل در دوران دولت ترامپ بدتر شد و دروغ‌های قبلی، راه را برای عادی‌سازی کشتارهای بی‌هدف اسرائیل، هدف قرار دادن بیمارستان‌ها، مدارس و مساجد، استفاده از دسترسی به غذا به عنوان جنگی و اتکای مداوم آن به سلاح‌های امریکایی را هموار کردند. به طوری که دیگر راه بر گشتی وجود نداشت. البته، این فریب چیز جدیدی نبود، زیرا همان‌طور که جنگ‌های غیرمعمول اسرائیل و فراتر از درگیری اسرائیل و فلسطین است و به یک عادت تبدیل شده‌است. برای دهه‌ها، ایالات‌متحده موضع خود را در قبال این درگیری پنهان می‌کرد، در حالی که موضعی کاملاً جانبدارانه داشت اما خود را به عنوان میانجی مطرح می‌کرد و خود را به عنوان کسی معرفی می‌کرد که به ایجاد یک «فرایند صلح» کمک کرد، حال آنکه بسیار بیشتر به تداوم و تثبیت وضع موجود کمک کرد تا به برهم زدن آن. در واقع، امریکا پنهان کاری می‌کرده هنگامی که سیاست گسترده‌تر خود در غرب آسیا را به عنوان ترویج دموکراسی و حقوق بشر به تصویر کشیده‌هنگامی که ادعای موفقیت کرد، حتی زمانی که تلاش‌هایش منجر به فاجعه‌سرایلی شد. آشکار تر وسعت‌شدن ندادیده‌گرفتن دروغ‌ها نفوذ ایالات‌متحده کاهش یافته‌است. اسرائیلی‌ها، فلسطینی‌ها و دیگر بازیگران محلی این نمایش را نادیده می‌گیرند و بر حرف‌های بی‌اساس در مورد ارحل دو کشور، صلح، دموکراسی و میانجیگری امریکا توجیهی ندارند و به نگرش‌های غریزی‌تر و بی‌پیرامی‌های از گذشته‌های‌شان سرچشمه می‌گیرند. بازمی‌گردند. این روزها، فلسطینی‌ها مانند دهه‌های گذشته، سرگردان، بدون رهبر، سرشار از خشم و عطش انتقام، به‌اجرای اقدامات پرآکنده‌خوشنوت‌نا علیه اسرائیلی‌ها متوسل می‌شوند و منتظر روزی هستند

گزارش یک

احسان سخینون

پیرو المملار

سرویس بی‌ام‌ام ۶۰۰۶۰۸۵۲۳

بنیان سیاست خاورمیانه‌ای امریکا بر دروغ عامدانه



اشتباهی را به تصویر کشیدند که نشان می‌داد، بشار اسد، گذشته بی‌مهار و لجام‌گسیخته، هر جا و هر زمان که امکان داشته باشند، فلسطینی‌ها را می‌کشند. در دهه ۱۹۷۰ در عمان، بیروت، تونس، پاریس یا رم، فلسطینی‌ها را می‌کشت و امروزه در دوحه و تهران اینکار را انجام می‌دهد. برای هر دو طرف، شرایط بدتری در راه است. ایالات‌متحده نیز کار زیادی نخواهد کرد.

■ **کالیبشکافی شکست**

سیاست شکست‌خورده ایالات‌متحده در غرب آسیا مراحلی را طی می‌کند که شامل رویکرد نادرست، برداشت نادرست از یک موقعیت، اشتباه عمدی یا سهوی است. وقتی نشانیه در سیاست فلسطین دخالت می‌کند و به دنبال تثبیت گروهی از رهبران «میانه‌رو» هستند، وقتی نیروهای که بیشترین توانایی را برای منحرف کردن صلح دارند، در روند صلح حذف می‌کنند و این نیروها، دقیقاً همان کسانی هستند که در هر دو طرف به دلایل مذهبی یا ایدئولوژیک، دلبستگی عمیق و تغییرناپذیری به تمام سرزمین بین

«بحر تا نهر» دارند و از دست‌دادن حتی یک وجب از آن را به عنوان یک تکه‌تکه شدن درناک تلقی می‌کنند. منظور از این افراد، شهرک‌نشینان اسرائیلی و ملی‌گرایان مذهبی، آوارگان فلسطینی و اسلام‌گرایان است. معمای سیاست امریکایان است که راپلایش بسیار می‌دانند اما در عین حال، بسیار کم می‌فهمند. اطلاعات به عقیده فهمیدن نیست؛ می‌تواند برعکس باشد. در سال ۲۰۰۰، مقامات ارشد اطلاعاتی ایالات متحده، بر اساس آنچه دیده بودند، شنیده بودند و فکر می‌کردند ام‌خته‌اند، به بیل کلینتون، رئیس‌جمهور وقت، اطمینان دادند یاسر عرفات، رهبر فلسطین، چاره‌ای جز پذیرش پیشنهادهای کلینتون در اجلاس کمپ دیوید را نخواهد داشت به عبارتی، عرفات دیوانه‌است اگر این کار را نکند اما عرفات این پیشنهادها را رد کرد و مردم فلسطین هم دقیقاً به دلیل همین کار از او به عنوان یک قهرمان تجلیل کردند.

سال‌ها بعد، پس از ناآرامی‌های سال ۲۰۱۱، سوره‌ها اطلاعات می‌کند با استفاده از دسترسی به بازار امریکا، موقعیت چانه‌زنی خود را در برابر چین و اروپا تقویت کند، نه اینکه به‌طور کامل در مدار واشینگتن قرار گیرد.

تأثیر میراث اپارتاید اما بر رفتار سیاست خارجی آفریقای جنوبی به ویژه در موضوع فلسطین نمایان‌تر است. پر توری اسرائیل را به‌طور آشکار به «آپارتاید جدید» منتهی می‌کند و در دیوان بین‌المللی دادگستری نیز علیه تل آویو شکایت کرده است. برای رهبران کنگره ملی آفریقا، مسئله فلسطین ادامه مبارزه تاریخی خود علیه استعمار و تبعیض است. این درحالی است که امریکا به‌طور سنتی شریک اصلی اسرائیل است، بنابراین، مواضع آفریقای جنوبی نه تنها اختلاف دیپلماتیک، بلکه نوعی «تقابل هویتی» میان دو کشور ایجاد کرده است؛ واشینگتن به نظم لیبرال غربی بایبند است، در حالی‌که پر توری‌ها خود را صدای جهان جنوب و عدالت‌خواهی معرفی می‌کند.

بریکس شاید مهم‌ترین عرصه‌ای باشد که اختلاف دیدگاه‌ها واشینگتن و پر توری را آشکار کرده است. آفریقای جنوبی از سال ۲۰۱۰ به این گروه پیوست و به سرعت خود را نماینده «جنوب جهانی» در برابر سلطه غرب معرفی کرد. در دوره ترامپ، زمانی که کاخ سفید سیاست «اول امریکا» را دنبال می‌کرد، فاصله میان دو کشور بیشتر شد. ترامپ به‌طور علنی بریکس را بی‌اهمیت می‌دانست، درحالی‌که آفریقای جنوبی آن را سکویی برای افزایش نفوذ جهانی و کاهش وابستگی به غرب قلمداد می‌کرد. امروز هم با گسترش بریکس و پیوستن کشورهایی چون ایران و عربستان سعودی، پر توری‌ها بیش از پیش جایگاه خود را در این بلوک استراتژیک می‌بیند. برای واشینگتن، این مسئله نشانه‌ای است از اینکه آفریقای جنوبی عملاً در حال تقویت نظم بدیل در برابر رهبری امریکاست.

روابط آفریقای جنوبی و ایران بعدی دیگر از فاصله‌گیری پر توری‌ها از واشینگتن است. هر چند حجم تجارت دو کشور در مقایسه با

۲۰۱۱ به دنبال ترویج یک گذار دموکراتیک در مصر بود، فصلی که با تثبیت دولتی سرکوبگرتر از دولتی که به‌رهانش به سرنگونی آن کمک کردند، پایان یافت. در لیبی در سال ۲۰۱۱، اواما دستور حملاتی را داد که به سرنگونی معمر قذافی، رهبر این کشور، کمک کرد. نتیجه چنین اقدامی، جنگ داخلی، بی‌ثباتی، گسترش شبه‌نظامیان مسلح و همچنین جریان سلاح در سراسر آفریقا و پناهندگان به اروپا بود. رئیس‌جمهور ایالات‌متحده امیدوار بود که این عملیات موفقیت‌آمیز باشد اما بعداً آن را «نمایش مزخرف» توصیف کرد. او در یکی از این موارد در دست می‌گفت. تلاش‌های بعدی دولت اوپاما برای سرنگونی رژیم سوریه از طریق سرمایه‌گذاری سنگین در مخالفان مسلح از الگوی مشابهی پیروی کرد. دخالت ایالات‌متحده به طولانی شدن جنگ داخلی کمک کرد. مذاکلات ایران و روسیه را بیشتر تشویق کرد و توانست شورشیان را به قدرت برساند. بسیاری از سلاح‌هایی که ایالات‌متحده به ارسال آنها به سوریه کمک کرد، به دست گروه‌های جهادی افتاد که ایالات متحده سپس برای سرکوب آنها تلاش کرد.

در طول دهه‌ها ایالات متحده به تدریج دید یک‌جایگزین ساخته بود. دنیایی که در آن حرف‌های خوشایند به حقیقت می‌پیوندند و اقدامات، پیامدهای وعده داده شده را به بار می‌آورند. دنیایی که در آن تأمل‌ناپذیر و واشینگتن در افغانستان به یک دموکراسی مدرن منجر می‌شود و نیروهای دولتی تحت حمایت ایالات‌متحده می‌توانند در مقابل طالبان بایستند. دنیایی که در آن تحریم‌های اقتصادی منجر به تغییر سیاسی مطلوب می‌شود، حوثی‌ها را رام می‌کند و پیشرفت‌های هسته‌ای ایران را معکوس می‌کند. دنیایی که در آن ایالات‌متحده درگیر مبارزه‌ای قاطع از نیروهای دموکراتیک علیه رژیم‌های استبدادی است. دنیایی که در آن فلسطینی‌های میانه‌رو نماینده مردم خود هستند، تشکیلات خودگردان فلسطین را اصلاح و خواسته‌های سیاسی آن امپار می‌کنند؛ یک مرکز منطقی اسرائیلی به لطف تحریک ملایم امریکا، مسوولیت امور را به دست می‌گیرد، با عقب‌نشینی‌های معنادار از رخ و تشکیل یک کشور فلسطینی شایسته این نام موافقت می‌کند. دنیایی که در آن آتش‌بس در غزه فریب‌ناووقع است. عدالت بین‌المللی کور است و استانداردهای دوگانه خام واشینگتن، نظم بین‌المللی را که ادعای دفاع از آن را دارد، بی‌وقفه آلوده نمی‌کند.

با هر بخش، دروغی به وجود آمد که به مغز دیپلماتی خاورمیانه ایالات‌متحده تبدیل شد. در افغانستان، ایالات‌متحده اقتدر دنبال موفقیت دود تا با شکست مواجه کرد حتی احتمال دارد، فشار بیشتر به طور مداوم، منجر هسته‌ای ایران را محدود کند. وقتی فشار کارساز نبود، قرار بر اعمال فشار بیشتر بود. با این حال، هر تحریم جدید ایالات متحده که در پاسخ به هر اقدام جدید ایران اعمال می‌شد، گواهی بر بی‌فایده بودن آن بود. نمی‌توان به طور جدی استدلال کرد که فشار، رفتار ایران را مهار خواهد کرد حتی احتمال دارد، فشار بیشتر به طور مداوم، منجر به رفتار بدتر شود.

منبع: فارن افروز ۱۶ سپتامبر ۲۰۲۵

■ ■ ■

حسین آقا (Hussein Agha) بیش از نیم قرن در امور و مذاکرات اسرائیل – فلسطین فعال بوده است. او از سال ۱۹۹۶ تا ۲۰۲۲ به عنوان همکار ارشد در کالج سنت آنتونی دانشگاه آکسفورد مشغول بوده‌است.

رابرت مالی (Robert Malley) استاد در دانشکده امور جهانی جکسون دانشگاه ییل است. او در دولت‌های کلینتون، اوپاما و بایدن مسوولیت‌های ارشد مرتبط با غرب آسیا را در اختیار داشته‌است.

گزارش یک

ساز شرقی آفریقای جنوبی مقابل شمال جهانی

آفریقای جنوبی بریکس را سکویی برای افزایش نفوذ جهانی و کاهش وابستگی به غرب قلمداد می‌کند و بیش از پیش جایگاه خود را در این بلوک استراتژیک می‌بیند

در حالی که برای امریکا این رویکرد نشانه این است که آفریقای جنوبی عملاً در حال تقویت نظم بدیل در برابر رهبری امریکاست

خارجی او بر معامله‌گری اقتصادی متمرکز بود و چندجانبه‌گرایی را نادیده می‌گرفت؛ در دست در نقطه تقابل اولویت‌های آفریقای جنوبی، در همین دوره تنش بر سر روابط پر توری با ایران و کوپا آفریقا یافت. تهدید به خروج از AGOA (قانون رشد و فرصت آفریقا) مطرح شد که هدف اصلی آن تقویت تجارت و سرمایه‌گذاری میان امریکا و کشورهای جنوب صحرائ آفریقاقت و در نهایت بی‌اعتمادی در سطح نخبگان دو کشور بالاگرفت. این رخدادها باعث شد آفریقای جنوبی بیش از پیش به سمت بریکس و تقویت روابط با چین و روسیه متمایل شود. برای رهبران آفریقای جنوبی، یکن و مسکو نه تنها شرکای اقتصادی و نظامی مهمی به شمار می‌روند، بلکه نمادهایی از «قدرت‌های جایگزین» در برابر سلطه غرب نیز هستند. چین بزرگ‌ترین شریک تجاری آفریقای جنوبی است و روسیه، با وجود محدودیت‌های اقتصادی، پیوندهای تاریخی و سیاسی عمیقی با حزب حاکم دارد. بنابراین هر چه واکنش جنگ فشارهای سیاسی با تهدید به محدودسازی اقتصادی را افزایش دهد، انگیزه پر توری برای تعمیق همکاری با شرق بیشتر می‌شود؛ همکاری‌ای که هم در قالب بریکس و هم در مناسبات دو جانبه بروز یافته و به نوعی بیانگر تلاش آفریقای جنوبی برای بازی در زمین چندقطبی و کاستن از وابستگی به غرب است.

در نهایت اینکه، روابط ایالات‌متحده و آفریقای جنوبی رانمی‌توان صرفاً در چارچوب همکاری‌های اقتصادی یا تنش‌های دیپلماتیک توضیح داد. این روابط در واقع میدان رویارویی دو روایت است: روایت امریکا از نظم لیبرال جهانی و روایت آفریقای جنوبی از استقلال جنوب جهانی. محورهایی مانند بریکس، مسئله فلسطین و روابط با ایران، نه فقط اختلافات سیاسی، بلکه تضادهای هویتی و ارزشی را آشکار می‌کنند. همین ویژگی است که روابط دو کشور را از سطح «شرکت ساده» فراتر می‌برد و آن را به یکی از نمونه‌های برجسته شکاف شمال – جنوب در قرن بیست‌ویکم بدل می‌سازد.

منظر تحلیلی، این روابط نشان‌دهنده الگویی است: آفریقای جنوبی تمایل دارد با بازیگرانی همکاری کند که در تقابل با غرب قرار دارند، نه لزوماً به‌دلیل منافع اقتصادی، بلکه برای تأکید بر استقلال سیاسی و روایت «جنوب جهانی»

■ **در میان تعامل و واگرایی**

از همان ابتدا، ترامپ نگاه مثبتی به آفریقا نداشت و بارها با اظهارات تحقیرآمیز نسبت به کشورهای آفریقای خیرساز شد. سیاست

گزارش یک



جام جهانی تیراندازی جوانان

تیر شکاری به برنز نشست

فاطمه شکاری تنها فینالیست ایرانی بود که روز گذشته توانست در جام جهانی تیراندازی جوانان روی سسکو برود. جام جهانی تیراندازی در رده جوانان به میزبانی هند در حال برگزاری است و ملی پوشان ایرانی در تیمچه ۱۰ متر و با هدایت علی کلانی در خط آتش ایستادند. فاطمه شکاری، پریمه امیری و حسین گوهری به فینال این ماده صعود کردند ولی فقط شکاری دشتش به مدال رسید. در بخش دختران و در پایان دور مقدماتی امیری با ۵۷۳ امتیاز به‌عنوان نفر چهارم و شکاری با ۵۶۷ امتیاز به‌عنوان نفر هشتم راهی فینال شدند. در فینال تیراندازان روسیه و هند مدال های طلا و نقره را به دست آوردند و مدال برنز به فاطمه شکاری رسید. پریمه امیری نیز مقام چهارم را به دست آورد. فاطمه‌سادات حسینی با ۵۶۶ امتیاز و زینب شکاری با ۵۵۱ امتیاز در این ماده دوازدهم به‌هفدم شدند. در بخش پسران حسین گوهری در مرحله مقدماتی ۵۷۲ امتیاز کسب کرد و به فینال رسید. در حالی که امیرمهدی کریمی و پارسا قربانی با ۵۶۸ و ۵۶۵ امتیاز از رسیدن به فینال باز ماندند. گوهری در فینال تیمچه ۱۰ متر در مصاف با حرفانش مقام پنجم جام جهانی را به دست آورد.

حاشیه

دنیاچندری



تساوی برابر ملوان به آتش انتقادات دامن زد

هوادار پرسپولیس علیه درویش

هفته پنجم رقابت‌های لیگ برتر عصر پنج‌شنبه با دو تساوی جنجالی آغاز شد. نخست تراکتور در تبریز برابر فجرری‌های تازوادر تن به تساوی بدون گل داد و سپس سرخ‌پوشان پایتخت با نتیجه‌های کاسلا متشاب بازی با ملوان را به پیشان پایان رساندند تا هم صدای تیریزی‌ها در آید و هم تهرانی‌ها. کارد در همین چند هفته نخست به استخوان هوادار پرسپولیس رسیده است. کسب چهار تساوی در پنج بازی یعنی از دست رفتن فرصت‌های طلایی که این تیم در پایان فصل حسرت آن را خواهد خورد، اما واقعت این است که پرسپولیس توانی برای برد ندارد و همین مسئله است که درویش را به سیبل انتقادات هواداران تبدیل کرده است؛مدیر عملی که حالا هواداران پرسپولیس صراحتاً می‌گویند برای تخریب تیم‌شان آمده و تا مأموریتش را به طور کامل انجام ندهد، قصدی برای رفتن ندارد.

هیچ جای توجیهی نیست. پرسپولیس حتی در دیدارهای خانگی هم نمی‌تواند نتیجه‌بخیرد و تنها برتری این فصل شاگردان هاشمینان به مصاف با سپاهانی برمی‌گردد که این فصل دست رد به سینه کمتر تیمی زده و به واسطه کسب همین نتایج ضعیف است که در فعر جدول جای دارد، به همین دلیل روی تنها برد این فصل سرخ‌پوشان هم نمی‌توان حساب ویژه‌ای باز کرد و قتی قبل و بعد از آن هرچه بوده تساوی بوده و تساوی، آن هم نه برابری تیم‌های قدربلکه مقابل حرفانی که بی‌تردید در چه ۲ و محسوب می‌شوند اما نه مقابل پرسپولیس؛ تیمی که قرار بود اسال تاکنمی فصل قبل را جبران کنند اما با این رویه‌ای که در پیش گرفته بعید است بتواند جبران مافات کند.

در اختیار داشتن مالکیت توپ و میدان دردی دوانمی‌کند، وقتی حملات و شوت‌های زده‌شده راه به جایی نبرد، هر چند تعداد شوت‌های خارج از چارچوب پرسپولیس بسیاری فراتر از شوت‌های درچارچوب است و این موضوع عدم‌دقت بازیار هاشمینان را به رخ می‌کشد، هر چند سرمربی جوان پرسپولیس بر این باور است که دفاع کردن در ایران راحت‌تر است. «جا اینکه حرفان ما بازی‌های بسته انجام می‌دهند، در ایجاد موقعیت خوب عمل می‌کنیم ولی باید تلاش کنیم که علاوه بر آن، از شانس‌ها تمام استفاده را از شرایط به‌فرتجی که این روزها با آن دست و پنجه نرم می‌کنند. پرسپولیس همانطور که سرمربی‌اش نیز نه آن اشاره دارد، باید بازی مالگانه را منجر به گل کند اما دستش برای عملی کردن این هدف انظور که باید بر نیست و همین مسئله صدای هواداران را درآورد است. آنها دیگر تحمل ادامه حضور درویش را ندانند؛نه مدیرعالی که داشته‌های پرسپولیس را تبدیل به نداشت‌هایش کرده است، به طوری که پرسپولیس و استقلال در آزادی بیشتر است، ضمن اینکه با پنج شش هفته هیچ مربی‌ای در دنیا نمی‌تواند تفکرات خود را پیاده کند و پرسپولیس رفته‌رفته بهتر خواهد شد.»

دستان نقل‌وانتقالات پرسر‌صدا، حواشی باشگاه و مدیرعاملی که هرگز نتوانست جایی برای خود بین هواداران تیمش دست و پا کند، رودتر از آنچه انتظار می‌رفت بقه هاشمینان و تیمش را گرفت، اما هاشمینان هم این روزها برخلاف قبل که از وضعیت نقل‌وانتقالات و انتخاب‌های مدیریتی تمجید می‌کرد، تغییر موضع داده است. هر چند این موضوع می‌تواند تلاش سرمربی تیم برای آرام کردن فضا باشد، اما بی‌شک ادامه این روند و عدم‌نتیجه‌گیری، او را هم به سیبل انتقادات تبدیل خواهد کرد.

شنبه ۵ مهر ۱۴۰۴ | ۱۴ ربيع‌الثانی ۱۴۴۷



ملی‌پوشان زیر ۱۷ سال، طلسم ۱۹ ساله را در اردن شکستند



هندبالیست‌های زیر ۱۷ سال ایران، آسیا را به تسخیر خود در آوردند. تیم ملی هندبال نوجوانان کشورمان مقتدرانه با ۸ پیروزی و بدون شکست، جام قهرمانی قاره کهن را بالای سر برد و به طلسم ناگامی ۱۹ساله پایان داد. ■ ■ ■

فینال قهرمانی آسیا و تقابل دوباره با کره‌جنوبی، اگرچه سخت و دشووار بود ولی انگیزه و همت پسران نوجوان هندبال ایرانی بسیار بالاتر از حرف‌ها بود و حریف برای دومین‌بار در این رقابت‌ها مقابل تیم ما زانو زد. شاگردان مسعود ظهیری پیش از این با صعود به فینال سه‌همه جهانی را به دست آورده بودند.

■ **تقسیم تا قهرمانی**

در ادامه سرمایه‌گذاری فدراسیون هندبال روی تیم‌های پایه، این بار نوبت به پسران زیر ۱۷ سال بود که بدرخشدند و با قهرمانی در آسیا مد تیم‌هایشان را بگیرند. نخستین دوره رقابت‌های قهرمانی پسران زیر ۱۷ سال آسیا، در اردن برگزار شد و درحالی که تیم‌های مدعی حضور داشتند، این تیم کشورمان بود که بدون حتی باخت جام قهرمانی را بالای سر برد. تیم ملی نوجوانان پس از سه‌بر برابر تیم‌های مالدیو، سوریه و کره‌جنوبی، در مرحله دوم کویت، اردن و قطر را نیز شکست داد. در نیمه‌نهایی و در استانه جهانی شدن پسران

آیان‌ماه برگزار خواهد شد. آماده‌کنند.

نسل طلایی

علیرضا پاکدل هندبالیست‌های نوجوان را نسل طلایی هندبال ایران نامید. رئیس فدراسیون هندبال در گفت‌وگو با تسنیم از قهرمانی مقتدرانه تیم ملی زیر ۱۷ سال در آسیا گفت: «اتفاقی که سال‌ها منتظر آن بودیم رقم خورد. ۱۹ سال از آخرین قهرمانی هندبال مردان در آسیا می‌گذشت و این قهرمانی قاطع و شکست‌تمام قدرت‌های آسیا و دو بار مقتدرانه رقم خورد. بعد از هشت پیروزی برابر کره‌جنوبی بعد از ۱۹ سال و برتری برابر قطر و کویت و بحرین، روی سسکوی اول آسیا ایستادیم. بازی سخت و سنگین‌ان در فینال برابر کره‌جنوبی ولی این‌چونه نشان دادند

نسل طلایی هندبال شکل گرفته است. بعد از شش سال برنامه‌ریزی و استعدادیابی این تیم قهرمانی آسیا ۲۰۰۶، دیگر هیچ یک از قارهای را تشکیل ندادند و این چشم‌انتظاری ۱۹ سال طول کشید. ۸هشت‌سالی طی شش‌سال قهرمانی را درچندنان کرده است، ضمن اینکه سه‌ملی‌پوش ایرانی هم در بین هفت بازیکن برتر رقابت‌ها قرار گرفته‌اند. مهدی احمدی برترین بازیکن پیش، سخش، امیرحسین نیک‌اقبال بهترین بازیکن خطزن و محمد کشاور بهترین بازیکن گوش‌چپ آسیا لقب گرفتند. حالا پسران نوجوان باید خود را برای مسابقات جهانی که آیان‌ماه برگزار خواهد شد، آماده‌کنند.

رافائل نظارت می‌کند

پاکدل ضمن تقدیر از عملکرد کادرفنی این تیم، از نظارت رافائل کاستیلو، سرمربی تیم‌بزرگسالان بر تیم‌های بانفای صحبت کرد: «از کادرفنی این

«سرکچال»

زیر پای نیروهای مسلح



تیم منتخب کوهنوردی نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران هم‌زمان با ایام هفته دفاع مقدس، به قتل‌سرکچال صعود کرد. این برنامه با حضور ۲۷نفر از کوهنوردان منتخب از سازمان‌های ستاد کل نیروهای مسلح، ارتش جمهوری اسلامی ایران، فراجا و سپاه پاسداران، آغاز شد و کوهنوردان نیروهای مسلح، پرچم پرافتخار جمهوری اسلامی ایران را بر بلندی‌ای این‌قلل به اهتزاز درآوردند و صعود خود را به روح پاک شهدای گرانقدر انقلاب اسلامی و هشت‌سال دفاع مقدس تقدیم کردند.

بازگشت

فریدون حسن

آبی که فوتبال به آسیاب دشمن می‌ریزد

این روزها فوتبالی داریم که یک‌تنه آبروی کل کشور را می‌برد. اصلاً کاری نداشته باشید که کشتی، والیبال و حتی نوجوانان هندبال با زحمت فراوان افتخار فریتمی می‌کنند و پرچم ایران بالا می‌برند. در عوض فوتبالی داریم که یک‌تنه زحمت تمام این رشته‌ها را به باد می‌دهد؛ فوتبال که تصاویر به چامنده از سوم‌دبریتش، تنها باعث رخس مردم و هواداران این رشته پر هوادار می‌شود و ضرر و زیان‌های میلیاردری به بیت‌العال و اقتصاد وارد می‌کند بلکه این روزها دست‌مايه ششکه‌های معاند است برای به تسخر گرفتن ورزش ایران؛ فوتبال که هر هفته برگی جدید از افتضاحات آن رو می‌شود؛ فوتبال که مدیرانش با هزار توجیه و تفسیر سعی دارند انمود کنند مثل بقیه رشته‌های ورزشی در حال پیشرفت و توسعه هستند اما زهی خیال باطل!

رئیس فدراسیون فوتبال می‌گوید جواب سوالات کنفدراسیون فوتبال آسیا را می‌دهد، به گونه‌ای که قانع می‌شوند اما هم‌زمان تصاویری از ورزشگاه‌های ایران در جریان بازی‌های لیگ برتر به نمایش گذاشته می‌شود که جز سرافکنندگی چیزی عایدمان نمی‌کند؛ تصاویری که از سوی رسانه‌های معاند با هزار رنگ و لعاب پخش می‌شود و ما را به این فکر می‌اندازد: که چطور ممکن است باوجود این همه ایراد اساسی جلوی چشم کنفدراسیون فوتبال آسیا پسخ‌های مهدی تاج اقبول کنیم.

هفته قبل بود که اتفاق فاجعه‌بار ورزشگاه پارس شیراز رخ داد، بعد هم تصاویر اتاق فنی ورزشگاه ارک منتشر شد و بعد جشن افتتاح و وضعیت اسفبار ورزشگاه تختی تهران خودمانی کرد تا سرافکننده شویم. حالا این هفته فرارسیده و تصاویر و فیلم‌هایی از وضعیت رختکن، سرویس‌های بهداشتی و چمن ورزشگاه شهر قمی منتشر شد است که واقعا نمی‌توان جز پایین انداختن سر در مقابل آبی‌ناری انجام داد. گویا صداست‌هایی در کار است که فوتبال در همین افتضاحات باقی‌مانده شاید هم کنفدراسیون فوتبال آسیا تمام اینها را می‌بیند و فقط برای اینکه ایران در جرابند، چیزی نمی‌گوید. طبیعی است که وقتی در مسیر پیشرفت بار بگیریم، چوب لای چرخ‌مان بگذارد اما حالا که خوب می‌دانند فوتبال ایران جز بول‌پاشی کار دیگری بلد نیست، می‌گویند بگذار در همین مسیر ادامه دهند؛ مسیری که سرانجامش نابودی کامل فوتبال است.

گفتیم که تأسفاتیار بر آن تمام اینها سوءاستفاده رسانه‌های صهیونیستی و معاندان مردم و کشور از این اهمال‌کاری‌ها و بی‌مسئولیتی‌هاست. امروز باید گفت تا میزان از سوء‌مدیریت و توجیحات بی‌اساس و حرف‌ها و پاسخ‌های نامربوط تنها به آسیاب دشمن ریختن است؛ دشمنانی که معطل کوچک‌ترین نقطه‌ضعف‌از ما هستند؛ دشمنانی که از موفقیت‌های کشتی، والیبال، هندبال، تیراندازی و بقیه رشته‌های مدال آور ایران آتش گرفته و سوخته‌اند اما ظاهر آخیل‌شان راحت است که فوتبال هست تا بهانه دست‌شان بدهد برای تسخر ایران و ایرانی، برای زیر سؤال بردن زحمت کل کشور.



دنیاچندری

بررسی آخرین ملاحظات بازی‌های آسیایی جوانان بحرین

«هدف»

آینده‌سازی برای ورزش کشور

آخرین نشست هماهنگی و فنی کاروان اعزامی ایران به سومین دوره بازی‌های آسیایی جوانان بحرین ۲۰۲۵ عصر چهارشنبه برگزار شد. کاروان جوانان ورزش ایران در حالی خود را برای حضور در بحرین آماده می‌کند که علی‌نژاد، دبیرکل کمیته ملی المپیک هدف از این اعزام را آینده‌سازی برای ورزش کشور خواند: «این رویداد سومین دوره بازی‌های آسیایی جوانان است. ۱۳ سال پیش آخرین دوره این مسابقات برگزار شد که ایران بدون کسب طلا، در جایگاه بیستم قرار گرفت. در دوره‌های قبل توجه زیادی به این مسابقات نمی‌شد اما اگر می‌خواهیم ۱۰ سال آینده در بازی‌های المپیک و موفق باشیم، باید اینجا خوب کار کنیم. این رویداد بین‌المللی آینده ورزش ایران است، پس باید تمام تلاش خود را در رویدادی ماند بازی‌های آسیایی جوانان به کار بندیم. نباید فشار زیادی از این رویداد این یادش آوری و ورزشکاران جوان باشد، چراکه هدف اصلی این عزیزان برای ما اهمیت بیشتری دارد.» علیرضا پاکدل، سرپرست کاروان اعزامی ورزش ایران به بازی‌های آسیایی جوانان بحرین نیز تأکید داشت بار کسب نتیجه بهتر، بار مدال آوری از روی دور ورزشکاران برداشته شده است: «از آنجا که نگاه اصلی کمیته ملی المپیک و وزارت ورزش و جوانان به بازی‌های آسیایی ۲۰۳۰ و بازی‌های تابستانی المپیک ۲۰۳۲ است، بازی‌های آسیایی جوانان برای ما بسیار حائز اهمیت است. اما نبار مدال آوری را از روی دوش بچه‌ها برداشتنبادون استرس و دغدغه کار خود را بکنند، با وجود این‌ها آوری بازی‌ها سبک(طلا) ۲۰۰، نقره ۱۰۰ و برنز ۶۰میلیون تومان، برای آنها در نظر گرفته شده است.» در این نشست همچنین نماینده وزارت امورخارج، نایب رئیس کمیته ملی المپیک، رئیس مرکز نظارت بر تیم‌های ملی، مدیر بین‌المللی، رئیس کمیسیون فرهنگی، قائم‌مقام دبیر کل ستاد ملی مبارزه با دوپینگ، مدیر تشریفات و امور مسافرت‌ها، رئیس کمیسیون رسانه‌ها و رئیس حراست کمیته نیز توضیحاتی را در خصوص اعزام ونحو رفتارها در طول این رقابت‌ها ارائه کردند.



۲ مرد، ۲ جام

پای حرف‌های سرمربیان کشتی آزاد و فرنگی

کشتی

فریدون حسن

تیم‌های ملی کشتنی آزاد و فرنگی ایران با یک‌دیبل تاریخی در مسابقات قهرمانی جهان دو جام قهرمانی را به ایران آوردند. در اینکه مدیر تیت فدراسیون کشتنی طی سال‌های گذشته با کار زیربنایی و توجه به استعدادیابی در پرورش درست کشتنی‌گیران جوان نقش بسزایی در کسب این دو موفقیت بزرگ داشته‌هیچ‌شکی نیست اما باید آذاعان داشت که نقش سرمربی بزرگ و موفق تیم‌های ملی و نوع هدایت وسکانداری آنها در دو‌ها و مسابقات حرف‌اصلی این موفقیت‌ها را می‌زند؛ بزمان درست‌کار و حسن رنگرز؛ در موردی که به خوبی پاسخ اعتماد فدراسیون کشتنی را دادندو حالا تیم‌های‌شان باقرار گرفتن در قله افتخار ثابت کردند ایران حرف‌اول و آخر کشتنی جهان را می‌زند؛ مربیانی که باید پای حرف‌های‌شان نشستند و متوجه‌شد که شاگردان‌شان چگونه راهی گرواسی شدند و چگونه با دو جام قهرمانی به کشور برگشتند.

۱۲ سال از آخرین قهرمانی تیم ملی کشتنی آزاد ایران می‌گذشت و در دست‌کار خوب می‌دانست چه کار سختی پیش‌رو دارد. در حال‌سرمربی مربی کشتنی فرنگی آسیا؛ مربدی که از اصلی‌ترین ستاره‌های تیمش اینگونه می‌گوید: «کامران قاسم‌پور از دو هفته قبل از اعزام به زاگرب تب می‌کرد و طبق اعلام پزشکی تیم مشکوک به تب‌مالت بود. کامران با همین شرایط در زاگرب کشتنی گرفت، هر چند دستش از طلا کوتاه ماند ولی برای او برنامه داریم، او در وزن ۸۶ کیلوگرم ادامه می‌دهد.»

در دست‌کار در خصوص وضعیت حسن بردانی هم گفت: «حسن یزدانی مرور فن را شروع کرده و قطعاً وارد چرخه انتخابی می‌شود. طبق تصمیم خودش در ۹۲ تا ۹۷ کیلوگرم کشتنی خواهد گرفت، همین‌جا باید در مورد امیر رضا معضومی هم نکته‌ای را بگویم، او در مسیر درستی قرار نگرفته است، حتماً دارد اشتباه می‌کند و یکسری به او خط می‌دهند. امیدوارم سریع برگردد، در کمپ تیم ملی به رویش باز است.» اما حسن رنگرز برترین مربی کشتنی فرنگی کشتنی ایران است؛ مربی که در کشتنی فرنگی ایران کار کرد رستان و کل جهان را انگشت به دهان گذاشت. مردی که انقدر اخلاقمدار و سر به زیر است که در موفقیت‌ها همیشه بقیه را جلو می‌اندازد. سرمربی تیم ملی کشتنی فرنگی ایران بازم برای شاگردانش حرف زد، از اینکه چش‌شان خورده شد و متصفانه این بود که طلایی می‌شدند. حسن رنگرز از وزیر ورزش این را خواست: «برای دانیال سهرابی و علیرضا مهدمی پاداش مدال طلا در نظر بگیرید، از وزارت خارجه هم در خواستی دارم. کمک کنید در کرسی‌های مؤثر اتحادیه جهانی کشتی و داوری آن جایگاهی مؤثر بگیریم تا خارج از تشک هم حرف برای گفتن داشته باشیم.»



امید ۳ بیمار به ادامه زندگی

خانواده یک نوجوان ۱۵ ساله مرگ مغزی در آیاده با اقدامی خدایستدانه اعضای بدن فرزندشان را اهدا کردند تا سه بیمار نیازمند به زندگی دوباره یازگرددند.

عمل پیوند عضو بیمار مرگ مغزی نوجوان ۱۵ ساله در بیمارستان تخصصی پیوند اعضای ابوعلی سینا شیراز انجام شد. مهدی آباه نوجوان ۱۵ ساله بود که بر اثر سانحه رانندگی دچار مرگ مغزی شده‌بود و ابتدا به بیمارستان امام‌خیمینی آباه و سپس به بیمارستان ابوعلی‌سینا شیراز منتقل و اعضای حیاتی‌اش شامل کبد، دو کلیه و لوزالمعده به سه بیمار مرد پیوند شد. دکتر محمد کشاورز، رئیس بیمارستان امام‌خیمینی (ره) آباه، گفت: «رضایت به‌موقع خانواده بیماران مرگ مغزی می‌تواند زمینه‌ساز نجات جان هشت بیمار نیازمند پیوند باشد و در صورت استفاده از تمامی بافت‌ها، حتی ۵۲ نفر از مولولیت نجات یابند»

متمم:

قصد قتل نداشتم

جلال مهرگان

زنی به نام مژگان که متمم است شوهر ۴۰ساله‌اش را با ضرب به چاقو به قتل رسانده، در جلسه دادگاه گفت که شوهرش شکاک بوده با این حال قصد قتل نداشته‌است.

یکسال‌ونیم پیش مأموران پلیس تهران با تماس کارکنان بیمارستان در تهران در جریان مرگ مردی ۴۰ساله قرار گرفتند. بررسی‌ها نشان داد او بر اثر اصابت ضربه چاقو مجروح و بعد از انتقال به بیمارستان جان باخته و همسرش، مژگان، هنگام انتقال سالمه‌ای به نام گوهر روبه‌رو شدند که دست و پایش با طناب بسته و روی تخت رها شده‌بود.

به هم ریختگی وسایل خانه، سرعت جواهرات وی و آثار خفگی روی گردنش حکایت از آن داشت که سارق یا سارقانی به خانه پیرزن دستبرد زده و پس از سرعت اموالش او را خفه کرده‌اند.

یکی از فرزندان مقتول که حادثه را به پلیس خیاره داده‌بود، گفت: «مادرم پس از فوت پدرم در این‌سنه خانه تنها زندگی می‌کرد. او نیاز به مراقبت نداشت و کارهایش را خودش انجام می‌داد و در این چند سال ما فقط به سر می‌زدیم یا برای مدتی او را به خانه‌مان می‌بردیم. امروز هر چند با مادرم تماس گرفتم، جواب نداد که نگران شدم و هم‌راہ رابرادر و خواهراتم به خانه او آمدم. وقتی وارد خانه شدم همه وسایل به هم ریخته بود و در ادامه هم در اتاق خواب با جسد بی‌جان مادرم‌ان روبه‌رو شدم. الان متوجه شدم می‌عامل با عاملان قتل برای سرعت وارد خانه مادرم‌ان شده و پس از سرعت تلاهایش از محل قتل کرده‌اند.»

پس از فرزندان مقتول که حادثه را به پلیس خیاره داده‌بود، گفت: «مادرم پس از فوت پدرم در این‌سنه خانه تنها زندگی می‌کرد. او نیاز به مراقبت نداشت و کارهایش را خودش انجام می‌داد و در این چند سال ما فقط به سر می‌زدیم یا برای مدتی او را به خانه‌مان می‌بردیم. امروز هر چند با مادرم تماس گرفتم، جواب نداد که نگران شدم و هم‌راہ رابرادر و خواهراتم به خانه او آمدم. وقتی وارد خانه شدم همه وسایل به هم ریخته بود و در ادامه هم در اتاق خواب با جسد بی‌جان مادرم‌ان روبه‌رو شدم. الان متوجه شدم می‌عامل با عاملان قتل برای سرعت وارد خانه مادرم‌ان شده و پس از سرعت تلاهایش از محل قتل کرده‌اند.»

کارآگاهان پلیس جنایی در تحقیقات فنی خود خیلی زود فهمیدند که این قتل نمی‌تواند کار سارقان غریبه‌ای باشد. سالم بودن قفل در و مقاومت نکردن مقتول در برابر سارقان همه مژگان کسه به گفته خودش سه بیماری آب‌مروارید مبتلاست و دید ضعیفی دارد، افزود: «در آن لحظه حتی ندیدم ضربه به کجا خورد. اگر او را نمی‌خواستم، هیچ وقت با این همه اختلاف سنی ازدواج نمی‌کردم، اما نمی‌توانستم هم جدم شوم چون او نان‌آور زندگی‌ام بود.»

جای خالی ولی دم

در این پرونده تنها مادر مقتول به عنوان ولی دم شناخته می‌شود. او در مراحل تحقیقات حاضر نشد خواسته خود را مطرح کند. اما دادستانی با استناد به مدارک موجود، صدور حکم قصاص را خواستار شد. دفاعیات وکلا و پایان جلسه در ادامه جلسه، وکیل مدافع متمم با ارائه توضیحاتی بر بی‌گناهی موکل خود تأکید کرد و قتل را ناشی از دفاع مشروع دانست. در پایان جلسه، هیئت قضایی برای صدور حکم وارد شور شد.

حسین فصیحی

دختر بچه هفت ساله‌ای که هنوز طعم نشستن پشت نیمکت مدرسه را نچشیده‌بود، با سقوطی ناگهانی در استخر ویلایی حوالی کسردان دچار مرگ مغزی شد، اما تصمیم بزرگ پدرش، سر نوشت این قصه تلخ را تغییر داد. اعضای بدن اسما عبداللهی به بیماران نیازمند اهدا شد تا سه نفر در آستانه خاموشی، دوباره فرصت نفس کشیدن بیابند.

علیرضا عبداللهی، پدر اسما، روز حادثه را این‌گونه روایت می‌کند: «چهارشنبه ۱۹ شهریور مصادف با میلاد پیامبر رحمت همراه خانواده و دوستان در ویلایی اطراف کران بودیم. صبح فردا در حال آماده کردن سبانه بودیم. اسما از راه مخفی وارد استخر شد و ما متوجه نشدیم. لحظه‌ای دیدم خبری از او نیست. به دنبالش رفتم و دیدم روی آب شناور است. خودم را به آب زدم، او را بیرون کشیدیم و احیای اولیه را شروع کردیم. او زرانس آمد، اما حال اسما هر لحظه بدتر شد. ابتدا به بیمارستان امام صادق هشتگرد و بعد بیمارستان امام علی کرج منتقلش کردند، اما بعد از چند روز پزشکان گفتند به مرگ مغزی مبتلا شده‌است.»

دختری باهوش و پر از استعداد

پدر در حالی که اشک در چشمانش حلقه می‌زند، از زندگی کوتاه اما پر بار دخترش می‌گوید: «اسما فوق‌العاده باهوش بود. از طریق یوتیوب زبان انگلیسی یاد گرفته بود و حتی با لهجه صحبت می‌کرد. ترانه‌های محسن چاوشی را از بر داشت و مدام می‌خواند. لباس مدرسه‌اش را پرو کرده و آماده آغاز سال تحصیلی بود. وقتی به کانون زبان بردمش، گفتند سطح زبان انگلیس‌اش عالی است،

خبر اول

سرویس حوادث ۶۰۰۸۵۳۲

اسما خاموش شد، امید روشن ماند

هر چند هنوز خواندن و نوشتن نمی‌دانست. اما در ک عمیقی از آدم‌ها و طبیعت پیدا کرده بود.»

تصمیم بزرگ در دل داغ

وقتی پزشکان مرگ مغزی اسما را تأیید کردند، پیشنهاد اهدای عضو مطرح شد. عبداللهی می‌گوید: «می‌دانستم سخت‌ترین تصمیم عمرم است، اما قبول کردم. نمی‌خواستم خانواده دیگری داغدار شود. قلب اسما به دلیل آسیب‌دیدگی قابل پیوند نبود و با او دفن شد، اما کبد و دو کلیه‌اش به سه بیمار نیازمند اهدا شد؛ یک خانم ۲۲ساله و دو کودک. حالا خوشحالم که زندگی دخترم ادامه دارد، هر چند در بدن‌های دیگری.»

نامی که جاودانه شد

پدر اسما می‌گوید مراسم خاکسپاری و هفت او در کاشان با شکوه برگزار شد: «جمعیت زیادی برای بدرقه‌اش آمدند. حالا هم کمپنی راه انداخته‌ام که هزینه مراسم چهل‌م او صرف آزادی زندانیان نیازمند شود. می‌خواهم نام اسما با خیر ماندگار شود. حتی خودم هم وصیت کرده‌ام اعضای بدنم بعد از مرگ اهدا شود.»

پیامی برای مردم

عبداللهی در پایان می‌گوید: «توصیه‌ام این است که همه خانواده‌ها مراقب فرزندان‌شان باشند تا در چنین شرایطی قرار نگیرند، اما اگر روزی در چنین موقعیتی قرار گرفتند، بدانند که با اهدای عضو می‌توانند زندگی تازه‌ای به دیگران ببخشند. فرهنگ اهدای عضو باید از کودکی در جامعه نهادینه شود. اسما هر چه کوتاه زیست، اما زندگی سه نفر دیگر را نجات داد و نامش با ایثار و نودوستی گره خورد.»

و نودوستی گره خورد.»

و نودوستی گره خورد.»

و نودوستی گره خورد.»

و نودوستی گره خورد.»

و نودوستی گره خورد.»

و نودوستی گره خورد.»

و نودوستی گره خورد.»

و نودوستی گره خورد.»

و نودوستی گره خورد.»

و نودوستی گره خورد.»

و نودوستی گره خورد.»

و نودوستی گره خورد.»

و نودوستی گره خورد.»

و نودوستی گره خورد.»

و نودوستی گره خورد.»

و نودوستی گره خورد.»

و نودوستی گره خورد.»

و نودوستی گره خورد.»

و نودوستی گره خورد.»

و نودوستی گره خورد.»

و نودوستی گره خورد.»

و نودوستی گره خورد.»

و نودوستی گره خورد.»

و نودوستی گره خورد.»

و نودوستی گره خورد.»

و نودوستی گره خورد.»

و نودوستی گره خورد.»

و نودوستی گره خورد.»

و نودوستی گره خورد.»

و نودوستی گره خورد.»

و نودوستی گره خورد.»

و نودوستی گره خورد.»

و نودوستی گره خورد.»

و نودوستی گره خورد.»

و نودوستی گره خورد.»

و نودوستی گره خورد.»

و نودوستی گره خورد.»

و نودوستی گره خورد.»

و نودوستی گره خورد.»

و نودوستی گره خورد.»

و نودوستی گره خورد.»

و نودوستی گره خورد.»

و نودوستی گره خورد.»

و نودوستی گره خورد.»

و نودوستی گره خورد.»

و نودوستی گره خورد.»

و نودوستی گره خورد.»

و نودوستی گره خورد.»

و نودوستی گره خورد.»

و نودوستی گره خورد.»

و نودوستی گره خورد.»

و نودوستی گره خورد.»

و نودوستی گره خورد.»

و نودوستی گره خورد.»

و نودوستی گره خورد.»

و نودوستی گره خورد.»

و نودوستی گره خورد.»

و نودوستی گره خورد.»

و نودوستی گره خورد.»

و نودوستی گره خورد.»

و نودوستی گره خورد.»

و نودوستی گره خورد.»

و نودوستی گره خورد.»

و نودوستی گره خورد.»

و نودوستی گره خورد.»

و نودوستی گره خورد.»

و نودوستی گره خورد.»

و نودوستی گره خورد.»

و نودوستی گره خورد.»

و نودوستی گره خورد.»

و نودوستی گره خورد.»

و نودوستی گره خورد.»

و نودوستی گره خورد.»

و نودوستی گره خورد.»

و نودوستی گره خورد.»

و نودوستی گره خورد.»

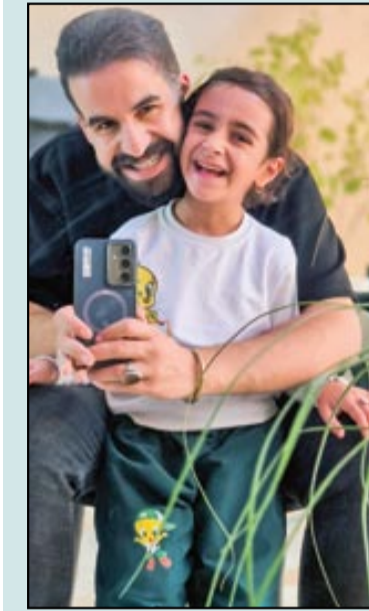
و نودوستی گره خورد.»

و نودوستی گره خورد.»

و نودوستی گره خورد.»

و نودوستی گره خورد.»

و نودوستی گره خورد.»



و نودوستی گره خورد.»

و نودوستی گره خورد.»

و نودوستی گره خورد.»

و نودوستی گره خورد.»

و نودوستی گره خورد.»

و نودوستی گره خورد.»

و نودوستی گره خورد.»

و نودوستی گره خورد.»

و نودوستی گره خورد.»

و نودوستی گره خورد.»

و نودوستی گره خورد.»

و نودوستی گره خورد.»

و نودوستی گره خورد.»

و نودوستی گره خورد.»

و نودوستی گره خورد.»

و نودوستی گره خورد.»

و نودوستی گره خورد.»

و نودوستی گره خورد.»

و نودوستی گره خورد.»

و نودوستی گره خورد.»

و نودوستی گره خورد.»

و نودوستی گره خورد.»

و نودوستی گره خورد.»

و نودوستی گره خورد.»

و نودوستی گره خورد.»

و نودوستی گره خورد.»

و نودوستی گره خورد.»

و نودوستی گره خورد.»

و نودوستی گره خورد.»

و نودوستی گره خورد.»

و نودوستی گره خورد.»

و نودوستی گره خورد.»

و نودوستی گره خورد.»

و نودوستی گره خورد.»

و نودوستی گره خورد.»

و نودوستی گره خورد.»

و نودوستی گره خورد.»

و نودوستی گره خورد.»

و نودوستی گره خورد.»

و نودوستی گره خورد.»

و نودوستی گره خورد.»

و نودوستی گره خورد.»

و نودوستی گره خورد.»

و نودوستی گره خورد.»

و نودوستی گره خورد.»

و نودوستی گره خورد.»

و نودوستی گره خورد.»

و نودوستی گره خورد.»

و نودوستی گره خورد.»

و نودوستی گره خورد.»

و نودوستی گره خورد.»

و نودوستی گره خورد.»

و نودوستی گره خورد.»

و نودوستی گره خورد.»

و نودوستی گره خورد.»

و نودوستی گره خورد.»

و نودوستی گره خورد.»

و نودوستی گره خورد.»

و نودوستی گره خورد.»

و نودوستی گره خورد.»

و نودوستی گره خورد.»

و نودوستی گره خورد.»

و نودوستی گره خورد.»

و نودوستی گره خورد.»

و نودوستی گره خورد.»

و نودوستی گره خورد.»

و نودوستی گره خورد.»

و نودوستی گره خورد.»

و نودوستی گره خورد.»

و نودوستی گره خورد.»

و نودوستی گره خورد.»

و نودوستی گره خورد.»

و نودوستی گره خورد.»

و نودوستی گره خورد.»

و نودوستی گره خورد.»

و نودوستی گره خورد.»

و نودوستی گره خورد.»

و نودوستی گره خورد.»

و نودوستی گره خورد.»

و نودوستی گره خورد.»

و نودوستی گره خورد.»

و نودوستی گره خورد.»

خبر اول

و نودوستی گره خورد.»

و نودوستی گره خورد.»

و نودوستی گره خورد.»

و نودوستی گره خورد.»

و نودوستی گره خورد.»

و نودوستی گره خورد.»

و نودوستی گره خورد.»

و نودوستی گره خورد.»

و نودوستی گره خورد.»

و نودوستی گره خورد.»

و نودوستی گره خورد.»

و نودوستی گره خورد.»

و نودوستی گره خورد.»

و نودوستی گره خورد.»

و نودوستی گره خورد.»

و نودوستی گره خورد.»

و نودوستی گره خورد.»

و نودوستی گره خورد.»

و نودوستی گره خورد.»

و نودوستی گره خورد.»

و نودوستی گره خورد.»

و نودوستی گره خورد.»

و نودوستی گره خورد.»

و نودوستی گره خورد.»

و نودوستی گره خورد.»

و نودوستی گره خورد.»

و نودوستی گره خورد.»

و نودوستی گره خورد.»

و نودوستی گره خورد.»

و نودوستی گره خورد.»

و نودوستی گره خورد.»

و نودوستی گره خورد.»

و نودوستی گره خورد.»

و نودوستی گره خورد.»

و نودوستی گره خورد.»

و نودوستی گره خورد.»

و نودوستی گره خورد.»

و نودوستی گره خورد.»

وزیر خارجه پیش از رأی‌گیری دربارهٔ دربارۀ پیش‌نویس قطعنامهٔ تعویق شش‌ماهه اس‌ان‌پِک، هشدار تلویحی داد که و تئوی این قطعنامه به معنای حرکت اروپا در مسیر رویارویی است؛ وویکِردی که به نظر می‌رسد تروئیکا با وجود همه تلاش‌های دیپلماتیک ایران، آن را انتخاب کرده است.

از یک سال قبل که زرمزه‌ها دربارهٔ فعال‌سازی سازوکار موسوم به ماشه یا همان اس‌ان‌پِک و بازگشت هر شش قطعنامه سازمان ملل بر سر‌زبان‌ها افتاد، بسیاری از کارشناسان براین تأکید داشتند که اروپایی‌ها، با هر درجه‌ از تدبیر ایران، از به کارگیری این ابزار صرف‌نظر نخواهند کرد. پس از فراز و نشیب‌های فراوان طی یک سال گذشته میان ایران و تروئیکا اروپایی و به‌رغم حسن‌نیت‌های پیاپی ایران، حتی پس از حمایت تمام‌قد اروپایی‌ها از تعرض صهیونیست‌ها و امریکایی‌ها به خاک ایران، عملاً شکی باقی نمانده که اروپایی‌ها قصد دیگری غیر از به کارگیری این سازوکار نداشتند. روز جمعه، روسیه و چین از شورای امنیت سازمان ملل خواستند دربارهٔ پیش‌نویس قطعنامه‌ای برای تعویق شش‌ماهه بازگرداندن تحریم‌ها علیه ایران، رأی‌گیری کنند. این اقدام در شرایطی صورت گرفت که شماری از دیپلمات‌ها روز پنج‌شنبه گفته بودند که احتمال جلوگیری از بازگرداندن تحریم‌ها بدون دستیابی به توافق ایران با اروپایی‌ها بسیار کم است و در یک کلام، اروپا آخرین تیر در ترکش خود علیه ایران را به کار خواهد گرفت. لارنس نورمن، خبرنگار وال‌استریت‌ژورنال در حساب کاربری خود در ایکس دربارهٔ گفت‌وگوها در نیویورک در حاشیه نشست مجمع عمومی سازمان ملل نوشت که «با وجود تلاش‌های دیپلماتیک» هیچ تغییری رخ نده است: «تا جایی که می‌دانم با توجه به شرایط فعلی، همچنان به سمت اس‌ان‌پِک پیش می‌رویم.» موضوعی که ریچارد نفیو، عضو اسبق تیم مذاکره‌کننده امریکا نیز آن را تأیید کرد. او دیروز عصر توئیٹ کرد: «توافقی در کار نیست.» او با اشاره به پیشینه‌هایی که از طرف ایران برای دسترسی به سایت‌های هسته‌ای ارائه شده، نوشت: «اول از همه، این تنها دسترسی مورد نیاز نیست. دوم، توافقنامه پادمان‌ها (CSA) به همه مواد تحت پادمان مربوط می‌شود، نه فقط نظنز. سوم، پذیرش مشروط کردن تعهدات CSA به منظور کلی یک اشتباه است. این توافقنامه پادمان‌ها را امضا کرده است. باید آن را اجرا کند.» ظاهراً واکنش نفیو به پیشنهاد دقیقه‌نودی است که ایران ارائه کرده است. یک رسانه بریتانیایی به نام امواج مدیا روز جمعه فاش

کرد که ایران دسترسی «فوری» ازائس بین‌المللی انرژی اتمی به تأسیسات هسته‌ای نظنز را پیشنهاد کرده است، به شرط آنکه اروپا از پیش‌نویس قطعنامه روسیه برای به تأخیر انداختن اس‌نپِک حمایت کند.
شورای امنیت مسئولانه عمل کند
سیدعباس عراقچی، وزیر خارجه ایران دیروز با انتشار یادداشتی در «جاکار تا بست» یکی از روزنامه‌های اندونزی هشدار داد: «اگر این فرصت کوتاه برای تغییر مسیر از دست برود، پیامدهای گسترده مخربی متوجه منطقه غرب آسیا و نظام بین‌الملل خواهد شد.» پیامدهایی که ضمن تضعیف تمامیت و اعتبار توافقات بین‌المللی، بنیان‌های امنیت جمعی را متزلزل خواهد کرد.» با «آغاز این بازی» سه کشور اروپایی بریتانیا، فرانسه و آلمان تنها پیروز میدان نخواهند بود، بلکه از روند‌های دیپلماتیک آتی نیز کنار گذاشته خواهند شد.» وزیر خارجه در این یاداشت، به توافق تازه با ازائس بین‌المللی

پیرالمملک

سرورس بین‌الملل، ۶۰۰۸۵۳۲۲

سماجت اروپا بر تقابل

هیچ‌کدام از پیشنهاد‌های ایران برای برون‌رفت از بن‌بست پذیرفته نشد



انرژی اتمی که با میانجیگری وزیر خارجه مصر در قاهره به دست آمد اشاره کرده و نوشته این توافق «هرگی دیگر در دفتر تلاش‌های دیپلماتیک ایران در راستای حل‌وفصل موضوعات مرتبط با فعالیت‌های صلح‌آمیز هسته‌ای ایران محسوب می‌شود.» و مجدداً اعلام کرده است که در صورت بازگشت قطعنامه‌های شورای امنیت، ایران اجرای این توافق را متوقف خواهد کرد. عراقچی دیروز نیز با انتشار پیامی در شبکه اجتماعی ایکس نوشت: «از سوی امنیت سازمان ملل متحد، مسئولانه عمل کنید و در کنار دیپلماسی، عدالت و حقوق بین‌الملل بایستند. قدرت هرگز نباید به معنای حق باشد.»

ایران از کسی دستور نمی‌گیرد

همزمان با این تحولات، رافائل گروس، مدیر کل ازائس بین‌المللی انرژی اتمی همچنان انگشت اتهام را در جهت تنش‌های احتمالی آتی به سمت ایران گرفت و شورای امنیت سازمان ملل گفت: «این فرصتی کوتاه برای شورای امنیت است تا به رویارویی «نه» و به همکاری «آری» بگوید، و از این طریق زمان و فضای لازم را برای دیپلماسی فراهم کند.» در این پیام آمده است: «در روز‌ها

ترک و تمسخر و تظاهرات

هنگام سخنرانی نتانیا‌هو در سازمان ملل بیشتر مستمعان جلسه را ترک کردند و اندک کسانی هم که باقی ماندند، در لحظاتی به تمسخر او پرداختند
از جمله وقتی نتانیا‌هو درباره غذارسانی به غزه سخن می‌گفت با تمسخر حضار روبه‌رو شد. او هم گفت «بخندید!»
این در حالی بود که در بیرون از سازمان ملل، جمعیتی تظاهرکننده حضور قصاب غزه را در مجمع عمومی سازمان ملل محکوم می‌کردند



کرده و بقایای حماس همچنان در شهر غزه حضور دارند و باید هرچه

سریع تر تأمیرت را به پایان برسانیم. وی با طرح این ادعا که «در هفتم اکتبر حماس بزرگ‌ترین حمله را به یهودیان از زمان هولوکاست انجام داده بود»، بدون اشاره به کشتار بی‌رحمانه کودکان زن‌ها در غزه، مدعی شد که اعضای حماس در حمله هفتم اکتبر «سر مردان را بریندند، به زنان تجاوز کردند و بچه‌ها را زنده زنده دفن کردند. آنها مادر بزرگ‌ها و نوه‌های آنها را گروگان گرفتند. چه کسی مادر بزرگ‌ها و کودکان را گروگان می‌گیرد؟» این در حالی است که براساس گزارش رسانه‌های عبری، مبارزان حماس در عملیات طوفان الاقصی هیچ صهیونیستی را نسوزانداند و این ادعای مقامات امنیتی بود تا حملات خود به غزه را توجیه کنند.

نتانیا‌هو در بخش دیگری از سخنانش گفت که سخنرانی او روی تلفن‌های همراه مردم غزه و همچنین از طریق بلندگوهای نصب شده در غزه بخش می‌شود و خطاب به اسرای صهیونیستی گفت: «ما شما را فراموش نکرده‌ایم حتی برای یک لحظه.» او به اسرای اسرائیلی پیام داد که آنها را آزاد کرده‌اند و از اعضای حماس خواست که اسلحه خود را زمین بگذارند. این در حالی است که ارتش اشغالگر با وجود تجهیزات پیشرفته و کمک‌های اطلاعاتی امریکا و غربی‌ها تاکنون نتوانسته اطلاعاتی از مخفیگاه اسرای خود در غزه پیدا کند. همچنین در فیلم‌هایی که گویس که از وضعیت اسرای صهیونیست منتشر کرده است، این افراد می‌گویند که کابینه نتانیا‌هو با جان آنها بازی می‌کند و خواستار توقف جنگ شده‌اند اما وزرای افراطی اسرائیل بنابه دلایل سیاسی و جاه‌طلبی‌های خود حاضر به توقف جنگ در غزه نیستند و همین مسئله نگرانی‌ها از به خطر افتادن جان اسرا را افزایش داده است.

۱۵ جوان

روزنامه جوان | شماره ۹۰۶۲۴

نگاره

حنیف غفاری

وقاحت فرانسوی‌ها در اسنپک

اخیراً دبیر‌شورای عالی امنیت ملی کشورمان از نقش سلبی و در عین حال پررنگ فرانسوی‌ها در روند بازگشت تحریم‌های چندجانبه شورای امنیت علیه جمهوری اسلامی ایران سخن گفته است. بر اساس آنچه دکتر علی لاریجانی تأکید کرده، فرانسوی‌ها ابتدا از طریق مدیرکل ازائس پیام داده‌اند که اگر تهران و ازائس به ترتیبات خاصی برسند، ما (تروئیکا اروپایی) تقاضای اسنپک را پس می‌گیریم. این توافق انجام شد و وزیر امور خارجه کشورمان نتانها به این وعده، بلکه به وعده‌های دیگر خود در خصوص اسنپک عمل نکرده و قطعنامه استمرار رفع تحریم‌های چندجانبه ضد ایرانی را به رأی گذاشتند. نکته قابل‌تأمل اینکه در غیاب امریکا (به عنوان عضو حقوقی خارج شده از برجام)، پاریس مسیر تقابل با تهران را در کنار لندن و برلین طی کرده و به کارگزار اصلی امریکا و صهیونیست‌ها در این کارزار تقابلی با ما مبدل شد. در این خصوص نکاتی وجود دارد که لازم است مدنظر قرار گیرد:

نخست اینکه رویکرد و رفتار اخیر فراسوی‌ها منبعث از یک تصمیم تاکتیکی نبوده و در ماورای آن باید در جست‌وجوی یک راهبرد و استراتژی کلان بود. این استراتژی کلان، همان مهار حداکثری ایران است که فرانسوی‌ها طی دهه‌های پس از پیروزی انقلاب اسلامی بارها به دنبال آن بوده‌اند. سوسیالیست‌ها و محافظه‌کاران فرانسوی در طول سال‌های پس از پیروزی انقلاب اسلامی هر دو نسبت به ماهیت نظام اسلامی نگاهی سلبی و بازدارنده داشته و از هیچ‌گونه اقدامی نیز در مواجهه با ملت‌ایسران و نظام جمهوری اسلامی فرودگار نکرده‌اند. بنابراین نقش پررنگ اخیر فرانسوی‌ها در فعال‌سازی مکانیسم ماشه و تکمیل روند اسنپک را نباید به مثابه یک «تصمیم ناگهانی» یا «پروژه کوتاه‌مدت» مورد تحلیل و بررسی قرار دهیم.

نکته دیگر به نقش پررنگ شخص امانوئل ماکرون، رئیس‌جمهور کنونی فرانسه در تکمیل این روند بازمی‌گردد. تعهدی که کاخ الیزه از سال ۲۰۱۷ (همان سال اول حضور ماکرون در مسند ریاست جمهوری) به کاخ سفید در خصوص ایران داده کماکان پابرجاست. ماکرون طی هشت سال اخیر بارها بر لزوم دائمی شدن محدودیت‌های هسته‌ای ایران (فراتر از محدودیت‌های برجام و قطعنامه ۲۲۳۱ شورای امنیت) و مهار موشکی ایران تأکید کرده است. نقش آفرینی اخیر پاریس در پروسه اسنپک را نیز باید منبعث از همین رویکرد کلان ماکرون و دستگاه سیاست خارجی فرانسس قلمداد کرد. در اینجنا باید مراقب بسود تا به دام بازی مفرض‌سازی فرانسوی‌ها نیفتیم. رئیس‌جمهور فرانسه بارها در روایت‌سازی‌های خود، مدعی شده که ایران همکاری لازم را در خصوص جلوگیری از فعال‌سازی مکانیسم ماشه صورت نداده است! قطعاً دستگاه دیپلماسی و سیاست خارجی کشورمان نباید به بهانه برگزاری بخشی از مذاکرات در قالب دیپلماسی پنهان، در خصوص بدعهدی آشکار فرانسوی‌ها سکوت کند. بهتر بود افشاکاری اخیر دبیر شورای عالی امنیت ملی کشورمان از سوی آقای عراقچی و دیگر مسئولان وزارت امور خارجه نیز صورت می‌گرفت تا افکار عمومی کشور در جریان‌هاکت، کارکرد و ساختار تصمیم‌سازی در اروپای پرادعا و ریاکار قرار می‌گرفتند! ماکرون نماد همین اتحادیه‌روپااست؛ اروپایی که بنا بر قول و تحلیل بسیاری از استراتژیست‌ها زمان زیادی‌تا پایان حیات سیاسی آن باقی نمانده است.

رویکرد

تداوم حکومت نصرالله

بر قلب‌های لبنانی‌ها در اولین سالگرد شهادت

نخستین سالگرد شهادت سیدحسین نصرالله، دبیر کل حزب‌الله لبنان کلبید خورد؛ مراسمی که از ۲۵ سپتامبر تا ۱۱۲اکتبر به مدت بیش از دو هفته برنامه‌ریزی شده و روز پنج‌شنبه با حضور گسترده لبنانی‌ها در بیروت شروع شد. در نخستین روز این مراسم، که با حضور جمعیتی گسترده بر گزار شد، تصویر دبیر کل حزب‌الله و هاشم صافی‌الدین، معاون او روی صخره ال‌روشه نقش بست. امروز مراسم اصلی بر گزار می‌شود و تا ۱۱۲اکتبر نیز مراسم مختلفی بر گزار خواهد شد.

«نواف سلام» نخست‌وزیر لبنان دستور داد عوامل بر گزار کننده مراسمی که بخشی از آن انداختن تصویر رهبران حزب‌الله بر صخره ال‌روشه بود، تحت پیگرد قانونی قرار بگیرند؛ دستوری که نشان داد اولین سالگرد شهادت نصرالله و معاون او، با حساسیت زیادی لبنانی با اشاره به برگزاری جلسه اضطراری دولت لبنان در این باره نوشت که «جلسه اضطراری برای صلح، نه به خاطر بازسازی، حملات اسرائیل، یا تحقیقات پزشکی برای مردم لبنان». او به طعنه نوشته است: «تصور کنید، روشن کردن یک تصویر روی یک سنگ، به مسئله «امنیت ملی» تبدیل شده است.»

در مراسمی که روز پنج‌شنبه بر گزار شد، مردم لبنان با تجمع در اطراف نماد معروف صخره ال‌روشه و به راه انداختن مانور دریایی با قایق‌ها، یاد و خاطره شهید مقاومت را گرامی داشتند. در این مراسم که با حضور گسترده لبنانی‌ها بر گزار شد، شرکت‌کنندگان با در دست داشتن پرچم‌های حزب‌الله و لبنان و همچنین تصاویر سیدحس نصرالله و سید هاشم صفی‌الدین و با نواختن سرودهای حزبی مراسم را همراهی کردند. شبکه تلویزیونی المیادین، تصاویری از منطقه ال‌روشه و جمعیت گسترده لبنانی‌ها در این مراسم پخش کرده در آن، نواف‌القسانی روی صخره ال‌روشه با تصویر شهید سیدحس نصرالله شهید امت و شهید سیدهاشم صفی‌الدین انجام شد. المیادین همچنین تصاویری از بندر «اللاذعی» و حرکت قایق‌ها به سمت منطقه ال‌روشه محل برگزاری مراسم گرامیداشت مقام شهید سدن نصرالله منتشر کرد. نواف سلام، نخست وزیر لبنان روز جمعه از وزرای کشور، دادگستری و دفاع این کشور خواست مسئولان این تخلف را شناسایی، دستگیر و تحت پیگرد قانونی قرار دهند. بخش اصلی مراسم عصر امروز بر گزار خواهد شد که لبنانی‌ها در آن دست به تجمع گسترده خواهند زد. روزنامه الاخبار چسب بیروت گزارش داد لبنان پس از آتش‌سوزی در شرایطی حساس قرار دارد؛ شکاف‌های طایف‌های عمیق‌تر و روزنامه بی‌سنتی‌های از مردم لبنان خواست در لحظه شهادت نصرالله در هر جا هستند بایستند، در اماکن مذهبی تجمع کنند، از خانه‌ها و خودروها خارج شوند و دست راست را بر قلب‌ها گذاشته و درحالی که سر به آسمان بلند می‌کنند، ندای «تأ علی‌العهد یا نصرالله» سر دهند. «علی لاریجانی، دبیر شورای عالی امنیت ملی ایران برای شرکت در این مراسم به لبنان سفر می‌کند.

غذایی وجود ندارد که مبارزان حماس آن را به سرفرت ببرند.

ادعای نابودی تأسیسات ایران

نخست‌وزیر صهیونیستی در سخنرانی خود ایران را به عنوان تهدیدی بزرگ برای این رژیم و جامعه جهانی توصیف کرد و مدعی بگردد،ایران به سرعت در حال برنامه تسلیحات هسته‌ای و موشک بالستیک بود. هدف از این برنامه فقط نابودی اسرائیل نبود بلکه تهدیدی برای امریکا نیز بود. حوا حثی‌ها در هم کوبیدیم. حماس و حزب‌الله را شکست دادیم. برنامه هسته‌ای و بالستیک ایران را از بین بریدیم. بر شبه‌نظامیان در عراق فائق خواهیم شد. آسمان ایران را به سیطره در آوریم و خلیبانان ما مراکز غنی‌سازی اورنیوم را هدف قرار دادند. وداعی کرد؛ از تهدیدی موجودیتی رها شدیم. ایران نمی‌تواند دوباره توان هسته‌ای خود را احیا کند. نتانیا‌هو برای توجیه حمله به ایران به نقل از فردریش مرس، صدراعظم آلمان گفت: «اسرائیل دارد کار کثیف را برای همه ما انجام می‌دهد.» نتانیا‌هو گفت برنامه‌های موشکی و هسته‌ای ایران هدفش فقط نابودی اسرائیل نبود بلکه تهدید ایالات متحده و باج‌گیری از همه ملت‌های دنیا بود. او گفت اسرائیل برنامه هسته‌ای و برنامه موشک‌های بالستیک ایران را نابود کرد.

نتانیا‌هو از ترامپ به دلیل آنچه او اقدام شجاعانه در بیوستن به تجاوز به ایران توصیف کرد، تشکر کرد. او خواهان اعمال روند اسنپک شد و اعلام کرد که «اورنیوم غنی‌سازی شده ایران» باید از میان برداشته شود. نخست وزیر اشغالگر ادعا کرد: «اسرائیل و ایالات متحده با یک تهدید مشترک روبه‌رو هستند و آن تروریسم است. بسیاری از رهبران پس از ۱۷اکتبر از اسرائیل حمایت کردند اما این حمایت اکنون از بین رفته است. با گذر زمان رهبران بسیاری در سراسر جهان در برابر فشار اسلام‌گرایان افراطی تسلیم شدند. به رهبران جهان که در برابر فشار اسلام‌گرایان افراطی تسلیم می‌شوند می‌گویم شما باید از اسرائیل حمایت کنید.»

در روزهای اخیر برخی کشورهای غربی به طور رسمی کشور فلسطین را به رسمیت شناختند که این اقدام خشم صهیونیست‌ها را برانگیخت و به همین دلیل نتانیا‌هو با لفاظی‌های خود سعی دارد بار دیگر متحدان غربی را به دوری از فلسطین و حمایت از اسرائیل سوق دهد. نتانیا‌هو در ادامه سخنانش خود مدعی شد: «ایران، حزب‌الله، حماس و حوثی‌ها شعار «مرگ بر امریکا» سر می‌دهند و همچنین شعار «مرگ بر اسرائیل» نیز سر می‌دهند. نتانیا‌هو با در دست داشتن نقاشی‌های همیشگی که ایران و گروه‌های مقاومت را تهدید علیه صلح و امنیت جهان معرفی می‌کند، این بار نیز از این سناریو بی‌خفاشده سعی کرد، با سوالات و گزینه‌های چهارجوانی نشان دهد که ایران و گروه‌های مقاومت در غزه، یمن و لبنان همگی برای نظام بین‌الملل تهدید به شمار می‌روند که باید جلوی آنها گرفته شود.

نتانیا‌هو همچنین مدعی شد که دستاورد عظیم اسرائیلی‌ها در شکست ایران و نیرو‌های وابسته به آن، راه صلح را به طور ارزنده و غربیی گشووده و توافق با سوریه در راه است. او اعلام کرد که با بلخ صلاح کامل حزب‌الله، صلح کامل با دولت لبنان نیز در دسترس است.



انیمیشن سینمایی «بوز» در باغ کتاب افتتاح شد

جشن بزرگ افتتاحیه انیمیشن سینمایی «بوز» با حضور عروسک «بوز»، فاطمه امینی «ننه نقلی»، احسان مهدی و کاراکتر نوید در جمع هزار نفری بچه‌ها سوم مهر در باغ کتاب تهران برپا شد. جشن بزرگ افتتاحیه انیمیشن سینمایی «بوز» در جمع هزار نفری و پُرشور بچه‌ها و خانواده‌های‌شان عصر روز گذشته ۳ مهر در باغ کتاب تهران بر گزار شد. این مراسم با پیش زنده و با حضور عروسک «بوز»، فاطمه امینی «ننه نقلی»، احسان مهدی و کاراکتر نوید همراه بود و در پایان نیز کیک «بوز» همزمان با آغاز ان اثر در سینماهای سراسر کشور پخش شد. در ابتدای این مراسم امیررضا مافی تهیه‌کننده اثر شد پروژه و مدیر مرکز انیمیشن مسوره گفت: «بوز» چهارمین انیمیشن سینمایی برای شما بچه‌هاست. ما پیش از این «لوپتو»، «مسافری از گانورا» و «روپاشهر» را برای شما بچه‌ها تدارک دیدیم و حال نویت «بوز» است که به دست شما رسیده است. وی یادآور شد: چهار سال پیش که انیمیشن «لوپتو» به اکران رسید، من از سوی همه دوستانم در سازمان سینمایی سوره قول دادم که سالی یک انیمیشن سینمایی برای بچه‌ها اکران کنم. حال خوشحالم که «بوز» در چهارمین سال به عنوان چهارمین اثر روی پرده می‌رود. امیدوارم از تماشای «بوز» لذت ببرید و با حال خوب از سالن سینما خارج شوید. شما نسلی هستید که باید قدر خودتان را بدانید. احسان گویه تهیه‌کننده «بوز» نیز بیان کرد: بوز قصه ما برای رسیدن به خانواده‌اش به ایران باز می‌گردد. بچه‌ها، شما از اینکه پیش خانواده‌های خود هستید، چه قدر خوشحال هستید؟ قدر شادی و در کنار خانواده بودن را بدانید.

سعید پیردوست در بیمارستان بستری شد



سعید پیردوست بازیگر سینما و تلویزیون به دلیل عفونت در بیمارستان بستری شده است. سعید پیردوست بازیگر سینما و تلویزیون روز گذشته به دلیل عفونت در بخش‌ای سی یو بیمارستان پیامبران بستری شده است. شهروزاد پیردوست دختر این بازیگر گفت: پدر من حال خوبی ندارد. بزسکان گفته‌اند که سطح هوشیاری ایشان پایین است. پیردوست در اکثر فیلم‌های مسعود کیمیایی، مه‌ران مددی و مسرویس الوند به عنوان بازیگر حضور داشته است. از جمله شخصیت اثر آن این بازیگر عبارت‌اند از فیلم سینمایی «خان کشی»، «اجا همان ساعت»، «قاتل اعلی»، «حکم»، «سراب‌های جمعه»، «دختر شیرینی‌فروش»، «دست‌های آلوده»، «فرمز»، «دندان مار»، «سرب»، «گوزن‌ها» و... پیردوست همچنین در سریال‌های «کارگاه علوی»، «پاپوچین»، «قطعه‌چین»، «شبه‌های برره»، «مرد هزار چهره»، «خسته‌دلان»، «سناش» و... حضور داشته است.

هفته نگارگری ایرانی در روسیه برگزار می‌شود

مرکز هنرهای تجسمی سوزه هنری در همکاری مشترک با بنیاد ابن سینا، کتابخانه ملی سنت پترزبورگ، انستیتو شرق شناسی و دانشگاه علوم انسانی آندوکس مسکو، مسکو، «هفته نگارگری ایرانی» را برگزار می‌کند. مرکز هنرهای تجسمی سوزه هنری انقلاب اسلامی در همکاری مشترک با بنیاد ابن سینا، کتابخانه ملی سنت پترزبورگ، انستیتو شرق شناسی و دانشگاه علوم انسانی آندوکس مسکو (ICITTY) برنامه‌ای با عنوان «هفته نگارگری ایرانی» را در روسیه برگزار می‌کند. این رویداد هنری با حضور حسین عصمتی هنرمند نگر، گر، در روزهای پایانی سپتامبر و آغاز اکتبر برابر با مهر در دو شهر سنت پترزبورگ و مسکو برپا خواهد شد و مجموعه‌ای از برنامه‌های متنوع را شامل می‌شود. هفته نگارگری ایرانی در روسیه، در کتابخانه ملی روسیه در سنت پترزبورگ، ۲۸، ۲۶ و ۲۹ سپتامبر برابر با ۵، ۴ و ۶ مهر و در مسکو (انستیتو شرق شناسی و دانشگاه ICITTY) تا ۱ اکتبر برابر با ۱۱ تا ۹ مهر برگزار می‌شود.

جوآن

روزنامه سیاسی، اجتماعی و فرهنگی صبح ایران
 صاحب امتیاز: پیام‌آور نشر روز
 مدیر مسئول: محمدجواد اخوان
 سردبیر: غلامرضا صادقیان
 آدرس: تهران، خیابان بیهقی
 کوچه شهیداکبر زجاجی (چهاردهم غربی)، پلاک ۱۲
 سازمان آگهی‌ها: ۸۸۵۴۵۴۸۸
 روابط عمومی: ۸۸۵۲۳۰۶۰ - فکس: ۸۸۴۹۸۴۶۶
 توزیع: مؤسسه نشرگستر امروز نوین ۸۸۲۷۰۹۴۲
 چاپ: همشهری
 Public@JavanOnline.ir

روزنامه جوان | شماره ۷۴۰۹ | شنبه ۵ مهر ۱۴۰۴ | ۴ ربیع‌الثانی ۱۴۴۷ | اذان ظهر: ۱۱:۵۵ | غروب آفتاب: ۱۷:۵۴ | اذان مغرب: ۱۸:۱۲ | شنبه ششم شهری: ۲۲:۱۲ | اذان صبح فردا: ۴:۲۳ | طلوع آفتاب فردا: ۵:۵۶

گفت‌وگو «جوان» با نویسنده سریال

برخی اتفاقات «بوقچی» ریشه در واقعیت دارد



احمد جوان

ژانر ورزشی از محبوب‌ترین گونه‌های نمایشی در سینما و تلویزیون جهان است. با این حال، در ایران کمتر به آن پرداخته شده و فقط گهگاه فیلمسازان با کارگردانان سریال با جسارت سراغ روایت داستانی در این قالب می‌روند. حالا پس از سال‌ها سریال «بوقچی» با سوژه ورزشی‌اش این خلأ را پر کرده است.



سریال بوقچی با روایت ماجرابی پرکشش از دل فوتبال ایران، سراغ یکی از پدیده‌های کمتر روایت‌شده در فرهنگ هواداری می‌رود. همان چهره‌های پر سر و صدایی که پشت‌صحنه بازی‌ها نقش آفرینی می‌کنند اما نامشان کمتر شنیده می‌شود.

این مجموعه نه تنها لایه‌های پنهان این شغل حاشیه‌ای را به تصویر می‌کشد، بلکه آینه‌ای از مناسبات قدرت، پول و هیجان جمعی در فضای پرتلاطم ورزش ایران است. «بوقچی» در نقطه‌ای میان درام اجتماعی و داستانی ورزشی می‌ایستد و تلاش می‌کند با شخصیت پردازی و گره‌های روایی، هم مخاطب عام را سرگرم کند و هم پرستی درباره هویت هواداری و مرز باریک بین شور و سوءاستفاده پرانگیز.

اما اهمیت این مجموعه صرفاً در پرداختن به یک زیرشاخه مهجور از فوتبال نیست. «بوقچی» به‌نوعی آینه رفتار اجتماعی امروز ماست، جایی که شور هواداری و هیجان جمعی گاهی به بستری برای قدرت‌نمایی، معامله و حتی شکل‌گیری روابط پنهان بدل می‌شود.

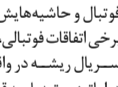
سازندگان سریال بارصداً دقیق فرهنگ سکوها، نشان می‌دهند چگونه «بوقچی» -ها نه فقط رهبران گروه‌های هواداری که بازیگران یک میدان اقتصادی و سیاسی‌اند. کسانی که صدای بوق‌هایشان می‌تواند به سکوی پرش یا ابزار فشار بدل شود. از سوی دیگر، سریال با بهارگیری از ریتم تند روایت، باطنی‌های مستندگونه و زبان گفت‌وگویی نزدیک به لحن هواداران، موفق می‌شود تصویری زنده و ملموس از استادبومی‌های فوتبال و مناسبات پشت پرده آنها ارائه دهد. این رویکرد باعث شده «بوقچی» فقط یک داستان خیالی نباشد، بلکه تلاشی برای ثبت بخشی از حافظه جمعی ورزش ایران باشد. حافظه‌ای که در هیماوس بازی‌های هنگی کمتر مجال بازخوانی پیدا می‌کند.

بحث پرونده‌های اقتصادی که در این سریال مطرح می‌شود نیز الهام گرفته شده از واقعیت است، اما کلیت داستان تخیلی است

سریال بوقچی ساخته حسن حبیب‌زاده چهارمین اثر از مرکز سریال سوره است که از سوی باشگاه فیلم سوره تولید شده و محصول سفیدمقال است. در این سریال که هرشب روی آنتن شبکه ۳ می‌رود بیژن امکانیان، حسن پورشیرازی، شهره سلطانی، شهین تسلیمی، امیر غفارمنش، رامین ناصر‌نصیر، امیر کربلایی‌زاده، ستاره حسینی، مجید عراقی، وحید رحیمیان و یاسمن معاوی بازی کرده‌اند.

ریشه واقعی اتفاقات

محسن ملکی، فیلمنامه‌نویس سریال بوقچی در گفت‌وگو با «جوان» توضیحاتی درباره سوژه فوتبالی و شکل‌گیری ایده اولیه این سریال داد. ملکی درباره برط‌فشار بودن فوتبال و حاشیه‌هایش میان عموم مردم گفت: برخی اتفاقات فوتبالی، اجتماعی و اقتصادی این سریال ریشه در واقعیت دارند که آنها را دراماتیزه و تبدیل به قصه کردیم.



محسن ملکی

فیلمنامه‌نویس

ملکی درباره چرایی و چگونگی نگارش فیلمنامه بوقچی گفت: علاقه‌مند بودیم این سریال کمی فضای جدیدتر در مقایسه با کارهای مرسوم ریتم تند روایت، باطنی‌های مستندگونه و زبان گفت‌وگویی نزدیک به لحن هواداران، موفق می‌شود تصویری زنده و ملموس از استادبومی‌های فوتبال و مناسبات پشت پرده آنها ارائه دهد. این رویکرد باعث شده «بوقچی» فقط یک داستان خیالی نباشد، بلکه تلاشی برای ثبت بخشی از حافظه جمعی ورزش ایران باشد. حافظه‌ای که در هیماوس بازی‌های هنگی کمتر مجال بازخوانی پیدا می‌کند.

امیرالمؤمنین امام علی علیه‌السلام:

حیای فراوان، نیکی کردن بسیار و خودداری از آزاررسانی، نشانه جوانمردی است.

غررالحمک: ح ۱۰۹۶۶

همزمان مسائل اقتصادی و خصوصی‌سازی تیم‌ها که چند سال پیش رخ داد و خواستی فراوانی داشت از جمله موضوعاتی بود که پرداختن به آن برای ما در این سریال جذاب بود.

ملکی درباره منبع الهام اولیه فیلمنامه توضیح داد: ایده اولیه بر گرفته از یک فیلم کلاسیک ایتالیایی بود که چند سال پیش آن را دیده بودم. حدود یک سال نگارش فیلمنامه طول کشید. در ادامه، با اضافه شدن کارگردان یعنی حسن حبیب‌زاده، بازنویسی‌هایی روی فیلمنامه انجام شد. او با اشاره به تأثیر سریال «تد لاسو» در پیشبرد ایده سریال بوقچی گفت: همزمان با شروع نگارش بوقچی سریال «تد لاسو» که یک کمدی-درام ورزشی انگلیسی است، پخش شد و ایده‌های مشابه داشت. یعنی سریال درباره این بود که انتخاب آدم‌های ناب‌کار برای پیشبرد اهدافی مشخص در پی داشته باشد. این نکته در روایت «بوقچی» نیز مورد استفاده قرار گرفت.

سریال خط قرمز ندارد
 این فیلمنامه‌نویس یادآور شد: اگر بخواهم به صورت خلاصه درباره کلیت قصه «بوقچی» بگویم می‌توانم این‌طور اشاره کنم که داستان سریال درباره تیم فوتبال دسته چندم شهرستانی است که مالک کارخانه‌اش ورشکست شده و قرار است به بخش خصوصی واگذار شود. بخش خصوصی تصمیم می‌گیرد تیم را زمین بزند و برای این کار «بوقچی» تیم را به عنوان سرمرمی منصوب می‌کند. ملکی درباره خطوط قرمز احتمالی سریال بیان کرد: سریال خط قرمز خاصی ندارد و مسئله‌ای که مطرح شده است فسادهایی است که در ورزش و فضای خصوصی‌سازی انتقاد افتاد. شاید در زمان نگارش فیلمنامه این خطوط قرمز برنگ‌تر بود، اما اکنون دیگر این موضوعات خط قرمز نیستند و رسانه‌ها به‌وفور به آنها پرداخته‌اند.

ترکیب جذاب بازیگران
 او ادامه داد: بحث پرونده‌های اقتصادی که در این سریال مطرح می‌شود نیز الهام گرفته شده از واقعیت است، اما کلیت داستان تخیلی است. برای آنکه شخصیت بیژن امکانیان که شخصیت منفی سریال است به درستی و ملموس به نمایش درآید لازم بود تا پژوهشی دقیق صورت بگیرد تا روند ورشکستگی کارخانه و زمین زدن آن به صورت واقع‌گرایانه نشان داده شود. اما می‌توان گفت تمام داستان این سریال کاملاً تخیلی و ساخته ذهن نویسنده است.

زبان ساده، روایت عاطفی
 شیمایا با انتخاب زبانی روان و احساسی، تلاش کرده است کتاب برای نوجوانان هم‌دلی برانگیز و قابل‌درک باشد. او روایت زندگی دختری کوچک را از زاویه‌ای نزدیک و ملموس بیان می‌کند، روایتی که نه تنها به‌عنوان داستانی تکنولوژی‌محور و فناوری‌های جدید هم وارد ایران نشود، نکته جالب صوری و پایداری آشنا کند.

فیلمنامه‌نویس سریال بوقچی در گفت‌وگو با «جوان» توضیحاتی درباره سوژه فوتبالی و شکل‌گیری ایده اولیه این سریال داد. ملکی درباره برط‌فشار بودن فوتبال و حاشیه‌هایش میان عموم مردم گفت: برخی اتفاقات فوتبالی، اجتماعی و اقتصادی این سریال ریشه در واقعیت دارند که آنها را دراماتیزه و تبدیل به قصه کردیم.

ملکی درباره چرایی و چگونگی نگارش فیلمنامه بوقچی گفت: علاقه‌مند بودیم این سریال کمی فضای جدیدتر در مقایسه با کارهای مرسوم ریتم تند روایت، باطنی‌های مستندگونه و زبان گفت‌وگویی نزدیک به لحن هواداران، موفق می‌شود تصویری زنده و ملموس از استادبومی‌های فوتبال و مناسبات پشت پرده آنها ارائه دهد. این رویکرد باعث شده «بوقچی» فقط یک داستان خیالی نباشد، بلکه تلاشی برای ثبت بخشی از حافظه جمعی ورزش ایران باشد. حافظه‌ای که در هیماوس بازی‌های هنگی کمتر مجال بازخوانی پیدا می‌کند.

ملکی درباره چرایی و چگونگی نگارش فیلمنامه بوقچی گفت: علاقه‌مند بودیم این سریال کمی فضای جدیدتر در مقایسه با کارهای مرسوم ریتم تند روایت، باطنی‌های مستندگونه و زبان گفت‌وگویی نزدیک به لحن هواداران، موفق می‌شود تصویری زنده و ملموس از استادبومی‌های فوتبال و مناسبات پشت پرده آنها ارائه دهد. این رویکرد باعث شده «بوقچی» فقط یک داستان خیالی نباشد، بلکه تلاشی برای ثبت بخشی از حافظه جمعی ورزش ایران باشد. حافظه‌ای که در هیماوس بازی‌های هنگی کمتر مجال بازخوانی پیدا می‌کند.

ملکی درباره چرایی و چگونگی نگارش فیلمنامه بوقچی گفت: علاقه‌مند بودیم این سریال کمی فضای جدیدتر در مقایسه با کارهای مرسوم ریتم تند روایت، باطنی‌های مستندگونه و زبان گفت‌وگویی نزدیک به لحن هواداران، موفق می‌شود تصویری زنده و ملموس از استادبومی‌های فوتبال و مناسبات پشت پرده آنها ارائه دهد. این رویکرد باعث شده «بوقچی» فقط یک داستان خیالی نباشد، بلکه تلاشی برای ثبت بخشی از حافظه جمعی ورزش ایران باشد. حافظه‌ای که در هیماوس بازی‌های هنگی کمتر مجال بازخوانی پیدا می‌کند.



از سوی انتشارات نوید فتح منتشر شد

«یکی بدون دختر» روایتی دخترانه از زندگی در سایه ایثار

بسیاری در دهه ۶۰ شناخته می‌شود. این اثر کوتاه، اما تأثیرگذار، به نوجوان امروز نشان می‌دهد که جنگ فقط در میدان نبرد خلاصه نمی‌شود، بلکه در خانه‌ها و در دل کودکان و همسران زرمندگان نیز ادامه داشت.

کتاب «یکی بدون دختر» روایتی است که در آن، «وقتی مامان مرا کتاب تابوت بابا برد، چادرم را روی سرم مرتب کرد و گفت: دخترم، ببین بابامهدی برگشت پیشمون. دیدی سر قولش موند؟»

برای اولین بار، حالا نویت من بود که بعد از مدت‌ها بابا را بغل کنم. دیگه اون زنده نبود که من را توی بغلش بگیرم. سرم را داخل تابوت برم. دست‌هایم را دور گردن بابا گره زدم و گفتم: بابا، مهدی توی قلبم می‌مونه».

این روایت کوتاه، عصاره‌ای از حسرت، عشق و دلنگانی دختران و پسرانی است که پدرانشان در راه دفاع از وطن از دست دادند. ادبیات دفاع مقدس در سال‌های اخیر تلاش کرده است با نگاهی تازه، مخاطبان نوجوان را با واقعیت‌های جنگ و ایثار آشنا سازد. «یکی بدون دختر» نیز در همین مسیر، از زاویه دیدی متفاوت به موضوع می‌پردازد: زاویه‌ای که کمتر مورد توجه قرار گرفته و آن، تجربه زیسته فرزندان شهیداست. این کتاب می‌تواند پلی میان نسل امروز و نسل دیروز باشد، نسلی که جنگ را ندیده، اما هنوز میراث آن را در قالب قصه‌ها و خاطرات لمس می‌کند. از این‌رو، انتشار چنین آثاری می‌تواند زمینه‌ای برای گفت‌وگوی میان‌نسلی فراهم کند و نوجوانان امروز را با مفاهیمی، چون ایثار، صوری و پایداری آشنا کند.

نقش هوش مصنوعی در تولید سریال «حضرت موسی (ع)»



مدیرعامل یک شرکت دانش‌بنیان گفت: بیشترین استفاده از هوش مصنوعی در سریال حضرت موسی (ع) در زمینه تغییر صورت و تولید احساسات از سوی کودکان بوده است. کمیل خجسته، مدیرعامل یک شرکت دانش‌بنیان که در زمینه استفاده از هوش مصنوعی در پروژه «حضرت موسی (ع)» همکاری کرده است، درباره این همکاری به باشگاه خبرنگاران جوان گفت: پروژه «حضرت موسی (ع)» دو بخش ویژه در سینمای ایران داشت.

یکی بخش مرسوم به ویرچوال (تولید مجازی) بود، که در موضوعاتی نظیر دکور، سازه‌ها و نحوه اجرا تغییرات ایجاد کرده بود. مثلاً به جای اینکه پروژه در یک صحنه بزرگ فیلمبرداری بشود، در استودیوهای کوچک فیلمبرداری انجام می‌شد. آنجایی که کارگردان با کودک درگیر بود و مشکل بازی‌گیری در او وجود داشت و لازم بود که کودک در طول پروژه و به‌خاطر افزایش سن دچار تغییرات نشود، دو مأموریت برای هوش مصنوعی تعریف شد.

خجسته ادامه داد: مسئله اول حفظ صورت کودک بود، بدین ترتیب که از کودکان مختلف، اما با صورت ثابت مطابق همان چهره‌ای که ابتدا نمایش داده شده بود، استفاده شد. چون پروژه چندین ساله بود و کودک اولیه به‌خاطر پروسه زمان رشد کرده بود و با شخصیت داستان تطابق نداشت. مسئله دوم تولید احساس بود. مثلاً زمانی که نیاز داشتند کودک بیدار باشد، او خواب بود. یا زمانی که نیاز بود کودک بخندد، او نمی‌خندید.